

خبرنامه کمیته‌ها، سنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!

هفته دوم اردیبهشت ۱۳۸۷

شماره ۱



کمیته‌ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- سرمایه و شکار دل‌مه‌های خون
- کارخانه یا سلاخ خانه؟!
- کارگران "آونگان" اراک جاده را بستند
- ۸ ماه کار بدون هیچ دستمزد
- سرمایه و کشتارهای بی تفنگ در محیط کار
- تعطیل آجرپزی‌ها و اخراج ۳۰۰۰ کارگر
- ایران صدرا، عقب نشینی سرمایه و آینده نامعلوم کارگران
- دو خبر از کارخانه نساجی پارس ایران (پارس نیت سابق) در رشت
- گزارشی از کارخانه پارس استیل
- شوراهای اسلامی کار، چوب دوسر طلا!
- مبارزه متحد کارگران قزوین علیه سرمایه
- کارگران «ایران صدرا» همچنان می‌رزمند
- مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد
- کارگران بندر و شرارت بی رحمانه سرمایه
- کارگران مبارز لاستیک البرز دستگیر و روانه زندان شدند
- اخراج هزار کارگر «ظاهر نیرو» در قزوین
- تسخیر جاده تهران - اسلامشهر توسط کارگران لاستیک البرز
- سرکوب وحشیانه کارگران کشتی سازی «ایران صدرا»
- اجتماع اعتراضی کارگران «پارس واشر» در مقابل فرمانداری قزوین
- اعتصاب مجدد کارگران نیشکر هفت تپه
- راهکار آتش سوزی کارخانه قند ورامین و اخراج ۴۰۰ کارگر
- کارگران ایران صدرا قربانیان سودجویی بی مهار سرمایه
- کارگران ایران صدرا و راهکار تازه پیکار علیه سرمایه
- گزارشی از بخش نوزادان بیمارستان میلاد در تهران
- اعتصاب ۸ روزه کارگران قزوین
- خودکشی یک مادر زحمتکش زیر فشار فقر
- روز اول ماه مه در مسکو
- نمایش اعتراضی بزرگ کارگران در لبنان در روز اول ماه مه
- کارگران حمل زباله در استکهلم، اعتراض
- ۵۰ زن کارگر در شعله‌های آتش سرمایه سوختند
- همکاری کارفرمایان، دولت و اتحادیه کارگری کانادا علیه کارگران
- ادامه اعتصاب کارگران پالایشگاه‌های انگلیس
- ۴۰۰۰۰ معلم انگلیسی وارد اعتصاب شدند
- اعتصاب در «ولو»
- اعتصاب معلمان انگلیس ۸ هزار مدرسه را تعطیل می‌کند
- کارگران پست آلمان اعتصاب خویش را آغاز کردند
- ادامه اعتصاب کارگران معدن مس در شیلی
- تظاهرات عظیم کارگران در ترکیه
- اعتصاب ۲۰ هزار کارگر پرستار در دانمارک
- خیزش کارگران بنگلادش علیه فشار استثمار سرمایه
- موج اعتصاب و اعتراض کارگران در مصر
- اعتصاب کارگران رنو در رومانی و حمایت انترناسیونالیستی کارگران فرانسوی
- فراخوان برای اعتراض به جنگ در روز اول ماه مه در آمریکا
- میلیون‌ها کارگر در یونان در اعتصاب به سر می‌برند
- اصرار «رهبر اتحادیه همبستگی» بر سرکوب اعتصاب کارگران

و دهها خبر مهم دیگر ...

سرمایه و شکار دلمه های خون

تشدید بیرحمانه استثمار آنان تبدیل کرده اند. به راستی چه دقیق و سنجیده گفت آن پیر تیزبین تاریخ جنبش کارگری جهان که: « سرمایه در هر کجا که پا نهاد از مساماتش فقط چرک و خون بیرون زد».

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

برای صاحبان سرمایه کار کرده و در شاق ترین شرایط برای این خون آشامان سود و بازهم سود تولید کرده اند. این کارگران اکنون در سن پیری و ایام پیش از مرگ نیز مجبورند که برای نان روزانه خود کار کنند و جان بکنند. سرمایه داران صاحب شرکت آب و فاضلاب لارستان حتی موقعیت سنی این کارگران فرسوده را نیز به محملی برای

شرکت آب و فاضلاب لارستان در استخدام کارگران مورد نیاز خود، حتی در قیاس با بسیاری از سرمایه داران خصوصی و دولتی دیگر بسیار سرمایه دارانه تر و حساب شده تر عمل کرده است. مسولان شرکت ۳۰ کارگر را با دستمزد ماهانه ۶۲ هزار تومان استخدام کرده اند!! کارگران عموماً پیر و در سنین بالا هستند. آنان کل عمرشان را

معضل کارگران « لوله و پروفیل» و راه چاره شورای تأمین استان

گردیده است. این «شورا» هم خیلی سریع کارخانه ها را تعطیل کرده و به جای پرداخت مطالبات کارگران از آنان خواسته است که از حضور در محل کار خویش خودداری کنند! آنچه مهم است این است که دولت وظیفه خود را به خوبی انجام داده و سرمایه دار را از شر اعتراض کارگران راحت کرده است!

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

مورد خاص مشمول تبصره ها و بندهای خاصی شده است. در چهارچوب مجادلات درونی جناح ها و باندهای قدرت سرمایه ظاهراً سرمایه دار صاحب کارخانه های «لوله و پروفیل» ساوه و «نورد و لوله صفا» نیازمند نوعی گوشمالی بوده است و به همین دلیل در اینجا و در رابطه با مشاخره میان این سرمایه دار و کارگران نقش دستگاه های نظامی و انتظامی به «شورای تأمین» استان مرکزی محول

کارگران کارخانه «لوله و پروفیل» مدت ها است که برای تحقق مطالبات خویش مبارزه می کنند. آنان خواستار دریافت دستمزدهای معوقه و سایر خواسته های خود هستند. شیوه رایج دولت سرمایه داری ایران همیشه این بوده و این است که به محض مشاهده موج مبارزه و اعتراض کارگران به اعزام قوای سرکوب و پایان دادن غائله به نفع صاحبان سرمایه اقدام کند. چنین به نظر می رسد که رسالت دولت در این

کارخانه یا سلاح خانه؟!

آیا نام سلاح خانه برای این محل مناسب تر از کارخانه نیست؟

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

۳. هر روز حداقل ۱۲ ساعت کار می کنند.
۴. در روزهای جمعه در قبال اضافه کاری های چهار ساعته و بیشتر خود حتی یک ریال هم نمی گیرند و به طور مطلق بیگاری می کنند.
۵. از دریافت حق شیفت کاری روزهای جمعه هم به کلی محرومند.

در کارخانه تولید مرغ و جوجه البرز ۴۰ کارگر کار می کنند. این ۴۰ کارگر همه:

۱. با قراردادهای سفید امضا کار می کنند.
۲. هر نفس کشیدن اعتراضی آنان علیه جنایات سرمایه دار صاحب کارگاه مستوجب عقوبت اخراج است.

کارگران « صنایع مخابراتی راه دور» و تهدید به اعتصاب

هوشمند پاسخگوی شرایط دلخواه او نیست! ایشان در تمامی این مدت در مقابل سیل اعتراضات حاد کارگران برای آنان نسخه صبر و شکیبایی و تحمل گرسنگی زن و فرزند پیچیده است. آخرین بار در روزهای شروع

شدت استثمار در جامعه ایران، ماه ها است که حتی دستمزد ناچیز خود را نیز دریافت نکرده اند. سرمایه دار صاحب شرکت مدعی است که وضعیت مالی کارخانه رضایت بخش نبوده و سفارشات رسیده برای تولید کارت های

شرکت « صنایع مخابراتی راه دور» در استان فارس قرار دارد و ۱۲۰۰ کارگر را استثمار می کند. این کارگران درکنار شدت استثمار و دنیای هولناک بی حقوقی های طبقاتی خویش و درکنار وضعیت فاجعه بار این بی حقوقی ها و

سال جاری بود که به میان کارگران معترض آمد و باز هم از آن ها خواست که صبر کنند. مراد کارفرما از صبر برای کارگران روشن است. ایشان برای دریافت سوده های بسیار انبوه تر، نیازمند گرفتن سفارشات بسیار سنگین تر، جلب توافق سازمان های دولتی طبقه خویش برای حصول این سفارشات، از میدان به در کردن رقیبان، پرداخت رشوه های کلان به مراجع ذیربط سرمایه برای پیشبرد این رقابت و در یک کلام دستیابی به همه شرایط لازم برای کسب نرخ سوده های رؤیایی است. او برای رسیدن به این هدف تلاش می کند و همچون هر سرمایه داری عقیده دارد که

کارگران باید علاوه بر تحمل دژخیمانانه ترین سطح استثمار و تمامی مصائب کارگر بودن تا زمانی که او قله رفیع سودجویی هایش را تسخیر نکرده است از مطالبه دستمزد خودداری کنند و خود و زن و فرزندشان را در جهاد سودخواهی ایشان قربانی سازند و صبر و شکیبایی را بر اعتراض ترجیح دهند.

کارگران زیر فشار اجبار، هراس از سرکوب و تهاجم قوای نظامی سرمایه، فقدان قدرت متشکل طبقاتی برای مقابله و کل نابسامانی ها و ضعف های دامنگیر جنبش طبقه شان به رغم اعتراضات مکرر، حاد و گسترده همچنان صبر کرده اند. کاسه صبر

کارگران اما اینک لبریز شده است. آنان اعلام کرده اند که در صورت امتناع کارفرما از قبول همه مطالباتشان به صورت جمعی و متحد دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران برای شروع اعتصاب ضرب الاجل تعیین کرده اند. آخرین مهلت کارفرما برای قبول خواسته ها پایان هفته جاری است. در غیر این صورت اعتصاب از صبح نخستین روز هفته آینده شروع می شود و ۱۲۰۰ کارگر در آن شرکت خواهند کرد.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

یک کشته و سه مجروح در یک شرکت ساختمانی

در یک شرکت ساختمانی که نام آن اعلام نشده در جریان یک سانحه یک نفر کشته و ۳ نفر مجروح شدند. این شرکت در مجاورت « خیابان مادر» قرار دارد. وقوع حادثه به این صورت بوده است که یک جرثقیل ۲۰ تنی هنگام جا به جا ساختن یک لودر به داخل گودالی به عمق ۱۵ متر سقوط می کند. می گویند فرد مقتول سرپرست کارگاه بوده است و سه نفری که در حادثه مجروح شده اند کارگران شرکت هستند.

فقدان هر نوع شرایط ایمنی کار و اجتناب بسیار سرسختانه سرمایه داران و دولت آن ها از تقبل هزینه های اندک بهداشت و ایمنی محیط کار عامل اساسی وقوع این سانحه است. حال یکی از کارگران مصدوم بسیار وخیم گزارش شده است. شمار کارگرانی که هر سال در عمق تونل های معادن سرمایه، در کشتی های حامل کالاهای سرمایه داران، در آتش سوزی های درون کارگاه های تولیدی سرمایه، در شرکت

های ساختمانی صاحبان سرمایه، در مزارع و کشتزارهای سرمایه و در یک کلام در جریان تولید سود سرمایه جان خویش را از دست می دهند سر به ده ها میلیون می زند. این رقم در کشورهایی مانند ایران که جان کارگر ارزان ترین کالای بازار است از برخی کشورهای دیگر بسیار بالا تر است.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۷

کارگران "آونگان" اراک جاده را بستند

روز یکشنبه ۸/۲/۸۷ صدها تن از کارگران شرکت "آونگان" اراک در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان پس از تجمع در مقابل در کارخانه اقدام به بستن جاده اراک - قم کردند. دستمزد کارگران چندین ماه است که پرداخت نشده. در خبری که در همین سایت آمده اشاره کردیم که چگونه ۷۰۰ کارگر این شرکت قربانی حرص سیری ناپذیر

سوداندوزی سرمایه داران صاحب کارخانه شده اند. اکنون می شنویم که پلیس نگرهبان سرمایه با دخالت خود به سود همین سرمایه داران خون آشام کارگران را سرکوب و پراکنده کرده است.

یادآوری می کنیم که در سال جدید این دومین اقدام کارگران در بستن جاده های

مواصلاتی و بدین سان مختل کردن نظم متعارف سرمایه و دولت آن است. اقدام نخست در روز ۲۴/۱/۸۷ از سوی کارگران کارخانه لاستیک البرز واقع در جاده تهران-اسلامشهر انجام گرفت.

۸۷/۲/۹

طبس شیمی و دو سال بلاتکلیفی کارگران

اخبار و گزارشات این سایت به کرات و هرروز بر دسیسه های رنگارنگ سرمایه داران برای انتقال سرمایه های خود به حوزه های پرسودتر و در همین

راستا قربانی کردن همه دار و ندار معیشتی و نان روزمره کارگران و خانواده های آنان در آستان این سوداندوزی ها و سودپرستی ها تأکید

کرده است. کارفرمایان به طور قطع در جریان اجرای این دسیسه ها تلاش می کنند تا تمامی واقعیت ها را از نظر کارگران مخفی کنند. توسل آنان به این

محل وام های بسیار انبوهی که از بانک ها و مؤسسات دولتی دریافت کرده و دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، دو کارخانه بزرگ تولید سم در نقاط دیگر کشور تأسیس کرده است. تا اینجا را کارگران کشف کرده اند اما این که کارفرما در آنجا با کارگران جدید چه می کند به طور صریح در گزارش نیامده است، چیزی که به نظر می رسد نیازی به گزارش هم ندارد. چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است.

8 فروردین ۱۳۷۸

طیس شیمی» نیز رخ داده است. ایشان ۲ سال تمام است که کارگران را بیکار و در زندگی خویش به طور کامل بلاتکلیف ساخته است. او در همه این ۲ سال به کارگران وعده بازگشت به کار داده اما هیچگاه به این وعده عمل نکرده و قصد عمل کردن هم نداشته است. صاحب کارخانه در شروع تعطیل کارگاه علت تعطیل را مشکلات مالی خود اعلام کرد، حرفی که تمامی کارفرمایان ایران هنگام بیکار ساختن کارگران همیشه و همه جا بر سر زبان دارند. اما اکنون همه کارگران مشاهده کرده اند که ایشان در طول این مدت از

کار مسلماً نه از ترس دولت و محاکم حقوقی طبقه خود که فقط و فقط در هراس از خراب شدن آوار خشم و عصیان توده های کارگر بر سر و روی آن هاست. تلاش صاحبان سرمایه برای استتار چند و چون انتقال سرمایه هایشان از عرصه های سودآور به حوزه های بسیار سودآور گاه موفق از آب در می آید و همه چیز از تیررس نگاه کارگران به دور می ماند. اما همیشه چنین نیست و بالاخره پرده ها در جاهایی پائین می افتد و دیدگان جستجوگر و کنجکاو کارگران اسرار را فاش می کنند. این مسئله در مورد سرمایه دار صاحب کارخانه «

۶ سال بلاتکلیفی رقت بار ۱۵۶ کارگر

تمامی این مدت بار گرسنگی و فقر و بدبختی را به دوش کشیده اند. ۱۵۶ کارگر بلاتکلیف اینک با ادامه اعتراضات خویش خواستار اقدام فوری کارفرما برای پایان دادن به این اقدام غیرانسانی هستند.

۸۷/۲/۷

سودها را برای صاحب سرمایه تولید کرده اند. کارگران در زمان از دست دادن کار خویش دست به اعتراض زده و خواستار انصراف کامل کارفرما از این اقدام بیرحمانه شده اند. فشار اعتراض کارگران در آن زمان سبب شد که کارفرما برای تعیین تکلیف آن ها امروز و فردا کند. وعده و وعیدهای سراسر دروغ صاحبان سرمایه اینک ۶ سال به دراز کشیده است و کارگران در

۱۵۶ کارگر کارخانه «سامیکو صنعت» همدان ۶ سال تمام است که در بلاتکلیفی به سر می برند. این کارگران در سال ۱۳۸۱ زیر فشار سیاست های سوجدویانه کارفرما و طرح های در دست اقدام وی کار خویش را از دست داده اند. هر کدام از این کارگران بیش از ۲۰ سال سابقه کار داشته اند. در تمامی این مدت با بیرحمی تمام مورد استعمار قرار گرفته اند و عظیم ترین

اجتماع اعتراضی معلمان بازنشسته کرمانشاه

است که پاداش پایان خدمت معلمان را با چیزی به نام «سهم عدالت» پرداخت خواهد نمود! طرح این موضوع دامنه اعتراض معلمان را گسترش داده و آتش خشم آنان را بیش از پیش شعله ور ساخته است.

۸۷/۲/۷

۲. الغای فوری تصمیم مربوط به حذف حق عائله مندی» از ردیف حقوقی و پرداخت تام و تمام این حقوق. در تظاهرات روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت بیش از ۳۰۰ معلم بازنشسته شرکت داشتند. همه معلمان از تأخیر در پرداخت مطالبات خود و اقدام ظالمانه حذف حق عائله مندی سخت ناراضی بودند. دولت احمدی نژاد اعلام کرده

در طول ۱۵ روز اخیر معلمان بازنشسته کرمانشاه سه بار در مقابل سازمان آموزش و پرورش استان اجتماع کرده و دست به اعتراض زده اند. خواسته های معلمان به شرح زیر است:

۱. وجوه موسوم به «پاداش پایان خدمت» باید فوری و بدون هیچ کم و کاست پرداخت شود.

آزادی آخرین کارگر بازداشت شده لاستیک البرز

و گفته اند که مقدار مواد اولیه موجود فقط کفاف چند روز تولید را می دهد. تاکید بر این نکته بدیهی را لازم می دانیم که در صورت عدم تداوم مبارزه و مقاومت کارگران این گونه پیروزی ها دوامی نخواهد داشت و دوباره در بر

به عدم پرداخت چند ماه دستمزد معوقه و نیز وضعیت در معرض تعطیل کارخانه بود. خبر می رسد که پس از آزادی کارگران و بازگشت به کار آنان، مقداری از مطالباتشان برآورده شده و کارخانه نیز راه افتاده است، هرچند برخی از کارگران همچنان نگران هستند

روز چهارشنبه ۸۷/۲/۴ آخرین کارگر بازداشت شده لاستیک البرز به نام نظام علی نادری آزاد شد. دستگیری بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران این کارخانه در شب هنگام ۸۷/۱/۲۴ و پس از بستن جاده تهران - اسلامشهر توسط کارگران اعتصابی اتفاق افتاد. اعتراض کارگران

تعویق دستمزد کارگران ۷ شرکت در شهر طبس

نیز در تعویق دستمزد کارگران و بدین سان راندن آنان به سوی باتلاق فقر و گرسنگی و تن فروشی هیچ دست کمی از سرمایه داران خصوصی ندارند.

۸۷/۲/۴

کجا هیچ پاسخی دریافت نکرده اند. اخیراً علیرضا محبوب رئیس تشکل دولتی «خانه کارگر» و نماینده مجلس سرمایه گفته بود که برای حل مشکلات بیکارسازی و تعویق پرداخت حقوق کارگران لاستیک الیرز بهتر است دولت در امور کارخانه مداخله کند. خبر فوق به روشنی نشان می دهد که، برخلاف نظر محبوب، خود دولت و نهادهای آن

۷ شرکت مختلف دولتی و خصوصی از جمله شهرداری، بیمارستان، راه و ترابری و ۲ ماه است که هیچ ریالی به کارگران پرداخت نکرده اند. بیش از ۷۰۰ کارگر برای این مؤسسات کار می کنند و هیچ کدام از این کارگران در طول این ۲ ماه دستمزد نگرفته اند. کارگران برای گرفتن مطالبات خویش به همه جا رجوع کرده اند، اما در هیچ

بیکارسازی ۴۰ کارگر در کارخانه « صنایع پمپ سمنان انرژی »

به او می گویند که در تعطیل کارگاه و اخراج کارگران شتاب کند. او به همه این دلایل به این کار دست زده و هر ۴۰ کارگر را یکجا بیکار کرده است.

۸۷/۲/۴

واقف گردیده است. او تا لحظه حاضر وجوه بسیار انبوهی را به صورت وام از مؤسسات دولتی از جمله اداره دارایی دریافت کرده است. وام های دریافتی، سرمایه های اندوخته، عرصه های سودآورتر کار و چشم انداز دستیابی به نیروی کار باز هم ارزان تر، همه و همه

سرمایه دار صاحب کارخانه « صنایع پمپ سمنان انرژی» نیز از وضعیت کنونی سودآوری سرمایه های خویش خوشنود نیست. او هم با شم تیز طبقاتی اش و درس آموزی از تجارب گرانیهای سایر سرمایه داران به ضرورت انتقال سرمایه هایش به حوزه های پرسودتر

۸ ماه کار بدون هیچ دستمزد

چنین اقداماتی با مانع و مشکلی مواجه هستند؟ پاسخ این سؤال، برعکس پرسش نخست، ۱۰۰٪ منفی است. در سرمایه داری ایران هیچ سرمایه داری برای ارتکاب این گونه جنایت ها علیه کارگران به مجازات و عقوبت دچار نمی شود. این که واقعاً سرمایه دار صاحب دو کارخانه نساجی بالا به کدام یک از این کارها دست زده یا به هیچ کدام از آن ها دست نزده هیچ معلوم نیست. اما بحث مهم ما این است که انجام این نوع کارها روال بسیار طبیعی کار برای همه سرمایه داران است و در همین جا سؤال بعدی پیش می آید که وقتی این جماعت می توانند با فراغ بال کامل به این ظلم و ستم ها دست بزنند چرا باید به راحتی حقوق کارگران را بپردازند؟ و آخرین سؤال این است که اگر سرمایه دار صاحب دو کارخانه نساجی فوق یا هر سرمایه دار دیگری هنگام تأخیر در پرداخت دستمزد کارگران با قدرت متحد و سراسری توده

آقای سرمایه دار در طول این مدت با همین پول دست به کار بساز و بفروش واحدهای مسکونی بوده باشد. در این صورت به طور قطع چندین برابر این رقم سود به چنگ آورده است. فکر کنید که همین پول را در یک قلمرو دیگر تولیدی پیش ریز کرده و در آنجا نیز شمار کارگران زیادی را استنثار و از پرداخت دستمزدهای آن ها سر باز زده باشد. حتی با چشم پوشی از این احتمالات و در بدترین حالت فکر کنیم که او این مبلغ را به بانک ها سپرده و به بهره متعارف بانکی اکتفا کرده باشد. باز هم در این صورت مبالغ بسیار عظیمی به چنگ آورده است. یک پرسش مهم در اینجا این است که آیا سرمایه داران چنین نمی کنند؟ پاسخ منفی به این سؤال سادگی و ساده لوحی محض است. سرمایه برای کسب سود به هر شرارت و جنایت و فساد و قساوتی دست می زند. یک سؤال دیگر این است که آیا سرمایه داران برای دست زدن به

دو کارخانه مهم نساجی «تهران پتو» و «ایران ترمه» ۸ ماه است دستمزد کارگران را نپرداخته اند. شمار کارگران این دو واحد بزرگ نساجی که در طول این ۸ ماه هیچ حقوقی نگرفته اند بیش از ۶۰۰ نفر است. هر دو کارخانه مال یک سرمایه دار واحد است. فرض کنیم حقوق ماهانه هر کارگر به طور متوسط و با توجه به قدیمی بودن بسیاری از کارگران چیزی معادل ۳۰۰ هزار تومان باشد. اگر این رقم را در ۸ ماه و سپس در عدد ۶۰۰ ضرب کنیم، خواهیم داشت:

$$300\ 000 \times 600 \times 8 =$$

$$1\ 440\ 000\ 000$$

می بینیم که سرمایه دار صاحب کارخانه های فوق در این مدت رقمی نزدیک به یک و نیم میلیارد تومان دستمزد روزانه کارگران را پرداخت نکرده است. حال همین محاسبات سرانگشتی را کمی بیشتر ادامه دهیم. در نظر بیاوریم که این

پرداخت حقوق کارگران سر باز می زد؟
۸۷/۲/۴

های کارگر علیه خویش رو به رو می
شد باز هم ۸ ماه ۸ ماه با خیال آسوده از

کارخانه چینی حمید و اخراج ۲۰۰ کارگر

اعتراضات گسترده ای را علیه جنایت
کارفرما سازمان داده اند.
۸۷/۲/۴

هم در طول این مدت از دریافت
دستمزدهای خویش به کلی محروم مانده
اند. کارگران در همه این چند ماه درحال
اعتراض و مبارزه بوده اند. آنان بارها
دست به تجمع و تحصن زده و

مالک کارخانه «چینی حمید» به بهانه
خاموشی کوره های کارگاه ۲۰۰ کارگر
را از کار اخراج کرد. این کارگران
چندین ماه است که هیچ دستمزدی
دریافت نکرده اند. سواى کارگران
اخراجی ۱۵۰ کارگر دیگر این کارگاه

کارخانه «گردباف» یزد همه کارگرانش را اخراج می کند.

کار باشند. این امر، یعنی بیکاری توأم با
سابقه ناکافی سال های کار برای
بازنشستگی، به سان بختکی مخوف
روح و روان همه کارگران اخراجی را
می آزارد.
۸۷/۲/۴

ثانیاً به محض از سرگیری تولید،
کارگران تازه نفس تری را با بهای
بسیار ارزان تر استثمار کند. علاوه بر
اخراج و بیکاری، کارگران نگران
بازنشستگی خود نیز هستند. همان گونه
که گفتیم این عده سالیان درازی است که
در همین واحد صنعتی توسط همین
سرمایه دار استثمار شده اند. آنان اکنون
در شرایطی نیستند که در این بازار
رقابت هولناک نیروی کار قادر به یافتن

۳۰ کارگر کارخانه گردباف یزد از کار
بیکار می شوند. سرمایه دار صاحب
کارگاه در تدارک سرمایه گذاری های
بیشتر، توسعه کارخانه و پاره ای
تغییرات دیگر است. اغلب کارگرانی که
قرار است اخراج شوند قدیمی هستند و
اخراج آن ها به سرمایه دار فرصت می
دهد که اولاً در طول مدت بازسازی و
گسترش کارخانه هیچ ریالی بابت
دستمزد این کارگران پرداخت نکند و

دستگیری یک فعال کارگری در آستانه اول ماه مه

محمود صالحی را نیز بازداشت و به
زندان انداختند.
۸۷/۲/۴

و راهی زندان شده بود. دادگاه های
کردستان او و یک فعال کارگری دیگر
به نام صدیق کریمی را به مدتی حبس
محکوم کردند. بر اساس آخرین اطلاع
حکم زندان وی به ۶ ماه تقلیل یافته
است. دادگاه های کردستان سال گذشته
دراواخر فروردین با توسل به دسیسه

شیث امانی، از کارگران بازریدی
نساجی کردستان، در هنگام رجوع به
دادگاه برای جا به جایی سند وثیقه
خویش در همان جا دستگیر و زندانی
شد. شیث امانی در سال گذشته به جرم
شرکت در برگزاری مراسم اول ماه مه
توسط نیروی سرکوب سرمایه بازداشت

اخراج یک کارگر به "جرم" بیماری

حسن ملکی توسط سرمایه دار صاحب
کارخانه به خاطر بیماری باید به عنوان
اقدامی شنیع مورد اعتراض همه
کارگران قرار گیرد.
۸۷/۲/۳

تضمین تمامی شرایط مورد نیاز تضمین
سلامتی بیمار و مورد قبول او را به وی
معرفی کنند و یا در غیر این صورت با
حقوق کامل ایام اشتغال او را بازنشسته
سازند. جنبش کارگری بین المللی این
حق مفروض و مسلم انسانی را در پاره
یا جوامع به ضرب قدرت بر نظام
سرمایه داری تحمیل کرده است. اخراج

یکی از کارگران کارخانه نساجی
کردستان به نام «حسن ملکی» به جرم
ابتلا به بیماری صرع از کارخانه اخراج
شده است. این اقدام کارفرمایان جز
ارتکاب جنایت با در واقع جنایتی مزید
بر استثمار کارگران هیچ نام دیگری
ندارد. سرمایه دار و دولت سرمایه داری
موظف هستند که یا کار متناسب با

سرمایه و کشتارهای بی تفنگ در محیط کار

ایمینی حین کار را نیز از وی دریغ داشتند و در مرگبارترین شرایط کاری از او خواستند که بی وقفه کار کند. سرمایه این کارگر را کشت و نام این شکل کشتار را حادثه حین کار گذاشت. کشتار کارگران توسط سرمایه در محیط کار اما بی وقفه ادامه دارد. در روزمرگ همان کارگر افغانی، کارگر ۱۷ ساله دیگری که زیر فشار گرسنگی به جای درس و بحث و مدرسه و دانشگاه، برای یافتن لقمه یا نان در یک شرکت ساختمانی برای صاحبان سرمایه کار می کرد در درون قیف دستگاه بتون شرکت زنده به گور شد. این کارگر روح الله نام داشت و محل کار وی انتهای بلوار ارتش در خیابان خلیج فارس تهران گزارش شده است.

۸۷/۲/۳

چه بیشتر تولید کرد. به محض مردن او نیز باید لاشه وی را از محیط کار دور کرد و کار او را بر گردن همزنجیرانش انداخت یا در بهترین حالت نیروی کار ارزان تری را به جای او به کار گماشت. از مرگ کارگر کرمانشاهی در جهاد سازندگی این شهر هنوز دو روز نگذشته است که خبر سقوط یک کارگر ساختمانی دیگر در جنوب شرقی تهران و مرگ بی درنگ وی را می شنویم. او میرقربان نام داشت و اهل افغانستان بود. زیر فشار گرسنگی و جنگ افروزی های جهان سوز سرمایه جهانی از شهر و دیار خود فرار کرده بود تا با فروش شیه رایگان نیروی کارش به سرمایه داران ایرانی نانی به شکم گرسنه خود و خانواده اش برساند. صاحبان سرمایه ماه ها و شاید سال ها شیربه جان این کارگر را مکیندند و به سرمایه و سود تبدیل کردند. آنان حتی ابتدایی ترین وسائل

در گزارش های دو روز پیش در همین سایت چگونگی سقوط یک کارگر جهاد سازندگی کرمانشاه از بالای دیوار و مرگ فوری او را خواندید. در همان جا دفن لاشه زنده یک کارگر دیگر در یکی از شرکت های ساختمانی و نجات تصادفی او به همت همزنجیرانش را نیز مشاهده کردید. این را که هر روز چند کارگر در چهارگوشه این کشور به انحای مختلف در سلاخ خانه های محیط کار از هستی ساقط می شوند دقیقاً نمی دانیم. آنچه مسلم است شمار آنان بیش از حد بالا است. هیچ سرمایه داری برای جان هیچ کارگری آن قدر ارزش قائل نیست که کمترین بهایی برای ایمینی محیط کار یا تهیه وسائل ایمینی مورد احتیاج او در حین کار بپردازد. از دید صاحبان سرمایه تا کارگر زنده است باید شیربه جان او را بیرون کشید و با استثمار هر چه شدیدتر وی سودهای هر

کشت و صنعت «گوهرکوه خاش» ۲۰ کارگر را بیکار کرد

دار سود تولید کند، وقتی که دولت سرمایه داری هر فریاد اعتراض کارگران را در گلو خفه می کند، و بالاخره وقتی که کارگران زیر فشار پراکندگی و بی سازمانی قادر به اعمال قدرت متحد طبقاتی خود علیه سرمایه نیستند، چرا سرمایه دار چنین نکند؟

۸۷/۲/۳

کالاهایش هم داغ است، و دراین میان فقط پرداخت دستمزد کارگران است که برایش مشکل ساز شده است! در این کار هیچ رمز و رازی نیست و مسئله بسیار روشن است: وقتی که می توان تا ۶ ماه هیچ پولی به کارگر نداد و از او کار کشید، وقتی که کارگر مجبور است حتی به امید دریافت نازل ترین بهای نیروی کار در ۶ ماه بعد در تمامی این مدت گرسنگی خود و زن و فرزندش را تحمل کند و شب و روز برای سرمایه

سرمایه دار صاحب «گوهر کوه» خاش ۶ ماه است که ریالی دستمزد به کارگران خویش پرداخت نکرده است. در تمامی این ۶ ماه کارگران با حداکثر سرعت و شدت ممکن کار و تولید کرده اند، اما کارفرما مطابق معمول به بهانه مشکلات مالی از پرداخت دستمزدهای آنان سر باز زده است. چنین به نظر می رسد که کارفرما در تهیه مواد خام و مصالح و ابزار مورد نیاز کار و تولید هیچ مشکلی ندارد، بازار فروش

تعطیل آجرپزی ها و اخراج ۳۰۰۰ کارگر

های اخیر حدود ۲۰ کوره آجرپزی منطقه محمودآباد به کلی خاموش شده اند و ۱۲ کوره باقی مانده نیز با ظرفیت ناقص به تولید خود ادامه می دهند. بحث اساسی این است که به قول شاعر «ز منجنیق فلک سنگ فتنه می بارد». و از منجنیق فلک سرمایه داری سوای تخته سنگ های مرگ آفرین بیکاری، گرسنگی، فقر، بی حقوقی، حقارت و ذلت هیچ چیز دیگری بر سر و روی توده های کارگر فرود نمی آید. هر جا به جایی و هر کاش حتی اندکی در سود سرمایه داران جمعیتی از کارگران را

های کارگر در حال باریدن است. همه جا اخراج می کنند تا نیروی کار ارزان تر و بی حقوق تر را به کار گیرند. اخراج می کنند زیرا حوزه های کلان تر سودآوری دلربایی می کند و به آن ها چشمک می زند. بیکارسازی ها به کوره های آجرپزی مناطق اطراف تهران نیز سرایت کرده است. آجرپزی ها یکی از حوزه های مهم سرمایه گذاری در بخش ساختمان است. تلاطم بازار مسکن و کم و بیش سازی تولید آن بی درنگ آثار خود را در واحدهای تولید آجر یا سنگ عیان می کند. به همین دلیل در طول ماه

به هر کجا که نگاه می کنی صحبت از بیکارسازی است. از کارخانه های عظیم لاستیک تا شهرداری ها، از صنایع خودروسازی تا کشت و صنعت ها، از نفت و گاز عسلویه در جنوب تا کلوچه سازی های شمال، از نساجی ها تا کوره پزخانه ها، از کارخانه های آرد تا مراکز تولید پولاد، از مراکز تولید مواد غذایی تا کارخانه های داروسازی و در یک کلام در تمامی قلمرو استثمار و قدرت سرمایه، یعنی در هر کجا که آثار حیات دیده می شود، باران خشم خانمان سوز سرمایه بر سر و روی توده

ایران صدرا، عقب‌نشینی سرمایه و آینده نامعلوم کارگران

نه این است که همین مبارزات جاری درون ایران صدرا نشان داده که می‌توان سرمایه داران و دولت آن‌ها را عقب راند و مجبور به قبول برخی خواسته‌ها کرد. پس باید از همین دستاورد عینی مبارزات عزیمت کرد. با این تفاوت بسیار مهم که این بار باید خواست خود را با خواست همه همزنجیران به هم پیوند زد و همزمان برای ایجاد یک نیروی واحد متحد و متشکل تلاش کرد. باید همگی با هم اعلام کنیم که:

۱. هیچ سرمایه داری تحت هیچ شرایطی حق ندارد هیچ کارگری را بیکار کند.

۲. دولت سرمایه داری باید اشتغال کارگر را تضمین کند و در صورت اخراج وی، در تمامی دوران بیکاری حقوق دوره اشتغال او را به طور کامل پرداخت کند.

توان هم از صبح تا شب برای صاحبان سرمایه با تمامی توان کارکرد و سرمایه و سود تولید کرد و هم لحظه به لحظه منتظر صدور حکم اخراج و تهدید به گرسنگی و بی‌مسکنی و بی‌داری زنی و فرزندان بود. از این که بگذریم، مشکل کارگران ایران صدرا فقط مشکل ۴۰۰ کارگر یا همه کارگران این واحد یا حتی همه کارگران استان بوشهر نیست. دردی که اینان می‌کشند درد دامنگیر اکثریت مطلق طبقه کارگر ایران است و درست به همین دلیل چاره آن را نیز باید سراسری و در وسعت جنگ و ستیز میان توده‌های کارگر ایران با نظام سرمایه داری جستجو کرد. شاید سؤال شود که این چاره سراسری کدام است؟ یا فقط حرف است یا واقعاً علاج درد است. پاسخ این سؤال این است که اتفاقاً حرف نیست. ما درست به همین دلیل که حرف نیست و قرار نیست در مدار حرف باقی ماند نیاز به خیزش و راه افتادن و بیکار کردن دارد. مگر

کارگران اخراجی ایران صدرا به دنبال مدت‌ها مبارزه، اعتصاب، تحصن و راهکارهای دیگر مقابله با صاحبان سرمایه بالاخره موفق شدند که به سرکار خویش باز گردند. تا اینجا پیروزی با کارگران بوده است و نفس تسلیم صاحبان سرمایه به شروع کار مجدد ۴۰۰ کارگر نشانه به ثمر رسیدن مرحله‌ای از مبارزات توده‌های کارگر در این مرکز تولیدی است. اما مسئله بسیار اساسی این است که موضوع واقعی کشمکش به عنوان جزء کاملاً جدایی‌ناپذیری از روند همیشه جاری جنگ و ستیز طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران حتی در چهارچوب همان معضل بالفعل تا کنونی اش باز هم به قوت خود باقی است. کارگران در چهارچوب قراردادهای موقت کار می‌کنند و به طور قطع با گذشت مدتی کوتاه مجدداً آس همان آس و کاسه همان کاسه خواهد بود. ضرب المثل معروفی است که با «نان نسیه نمی‌توان زندگی کرد».

دو خبر از کارخانه نساجی پارس ایران (پارس نیت سابق) در رشت

کارفرما طلبکارند، و این سرمایه دار هنوز با این کارگران تسویه حساب نکرده است. کارگران در آخرین روزهای اسفند ۸۶ به استانداری گیلان مراجعه کردند و استاندار هم به آن‌ها قول پیگیری داد، اما تا کنون به وعده خود وفا نکرده است.

فروردین ۸۷

کارخانه دادند. کارفرما قبلاً این دستگاه را به قیمت چهار میلیون تومان به چند سرمایه دار اصفهانی فروخته بود، اما کارگران خروج دستگاه را مشروط به تسویه حساب مطالبات خود کرده بودند.

۲- ۵۴ نفر از کارگرانی که در سال ۸۶ بازنشسته شده‌اند بابت تنه مطالبات خود هر یک بین ۲ تا ۴ میلیون تومان از

۱- در پی پافشاری ده تن از کارگران بخش تولید و ۶ تن از نگهبانان کارخانه، جواد افراشته کارفرمای نساجی پارس ایران، مجبور شد دستمزد معوقه ۲ ماه بهمن و اسفند و عیدی و پاداش سال ۸۶ را به آن‌ها پرداخت کند. تنها پس از این تسویه حساب بود که کارگران اجازه خروج دستگاه خشک کن پارچه را از

گزارشی از شرکت هوراطب

۲۳۰ نفرند که از آن‌ها فقط ۳ نفر، که برای مدیریت آمده‌اند، استخدام دائم هستند و بقیه به صورت قرارداد موقت کار می‌کنند. ۱۸۰ نفر از کارگران، که

صنعتی خرمدره منتقل شد. این شرکت در مالکیت بخش خصوصی و وابسته به شرکت تولید لوازم پزشکی سوپا (دکتر حمید درخشانی) است. پرسنل شرکت

شرکت هوراطب تولیدکننده لوازم یکبارمصرف پزشکی است. در سال ۱۳۷۵ در شهر تاکستان شروع به تولید کرد و در خرداد ۱۳۸۳ به شهرک

مختص ۳ نفر مدیر و ۸ نفر سرپرست است.

فروردین ۸۷

ماه در عید نوروز و یک ماه در شهریور به صورت اجباری تعطیل است و کارگران در این دو ماه نه حقوق می‌گیرند و نه مشمول بیمه هستند. صبحانه یک بسته بیسکویت همراه یک لیوان چای با کیفیت پایین است. ناهار فقط

بیشتر بومی اند، زن هستند. مدت قرارداد ۶ ماه است. پس از اتمام هر دوره قرارداد، ۶۰ تا ۷۰ نفر از کارگران اخراج می‌شوند و به جای آن‌ها کارگران جدید و ارزان‌تر استخدام می‌شوند. در طول سال، کارخانه یک

اخراج کارگران کارخانه ایران ساین

دیگرش به ارزانی و شبه رایگان‌ی نیروی کار و زندگی بس خفت بارش اعتراض کند و، ثانیاً، از خود بپرسد که اساساً او چرا باید برای زندگی کردن مجبور به فروش نیروی کارش باشد؟ یا نمی‌شود بدون فروش نیروی کار زندگی کرد؟

فروردین ۸۷

این سرمایه دار البته حق دارد!! وقتی کالای ارزان‌تر و بی‌دردتر وجود دارد هیچ عقل سلیم سرمایه‌دارانه یا سراغ کالای گران‌تر نمی‌رود. سرمایه‌داری همین است و از این نظام سراسر ضدانسانی انتظاری جز این نباید داشت. اما این به عهده آن انسان کارگراست که اولاً دست دردست هم طبقه‌ای‌های

کارخانه ایران ساین در شهر صنعتی رشت قفل و قطعات خودرو تولید می‌کند. مجموع کارگران کارخانه، ۱۳۰ نفر هستند. صاحب کارخانه در اواخر سال ۸۶، ۵۲ نفر از کارگران دائم را اخراج کرده و در پاسخ به اعتراض این کارگران به صراحت گفته است که می‌خواهد کارگر موقت استخدام کند.

تجمع رانندگان کامیون‌های حمل‌شن و ماسه در گیلان

گل بود به سبزه نیز آراسته شد! کارفرمای خونخوار سالم و تندرست کم داشتیم، سرمایه‌دار جانباز ۷۰٪ نیز به آن‌ها اضافه شد تا کارگران، که خود جزء اولین قربانیان جنگ بوده و هستند، علاوه بر تمام بدبختی‌های خود بابت مصنوعی بودن پای سرمایه‌داران نیز هزینه بپردازند!

فروردین ۸۷

نوبت‌شن و ماسه را بارگیری می‌کند و زیر قیمت به فروش می‌رساند، در حالی که اکثر رانندگان، که به ۲۰۰ نفر بالغ می‌شوند، برای یک نوبت بارگیری ۲ تا ۳ روز در نوبت می‌مانند. عاشورپور زیر بار نمی‌رود. او زمین‌های اطراف معدن را خریده و از اداره منابع طبیعی مجوز بهره‌برداری گرفته است. هرگاه مورد اعتراض رانندگان قرار می‌گیرد پای مصنوعی خود را در می‌آورد و خود را جانباز ۷۰٪ معرفی می‌کند!

در تاریخ ۸۷/۱/۲۲، تعدادی از رانندگان کامیون‌های حمل‌شن و ماسه در فلکه ابتدای اتوبان آستانه اشرفیه تجمع کردند و از استانداری و فرمانداری خواستند به وضعیت رسیدگی کند. اعتراض آن‌ها به وضعیت نوبت‌دهی در معدن عاشورپور بود که در ۵ کیلومتری جاده سیاهکل- لونک قرار دارد. صاحب معدن فردی "جانباز" (مجروح جنگی) است به نام عاشورپور که ۱۲ دستگاه کمپرسی دارد و بدون

کارخانه «لارباقت» و اخراج ۱۷ کارگر

کمیبود مواد اولیه و مشکلات مالی اعلام کرده است!

۸۷/۲/۲

برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بسیار پرسودتر، کارخانه را تعطیل و کل کارگران خود را یکجا اخراج کرد. سرمایه‌دار مذکور باز هم به رسم سایر صاحبان سرمایه دلیل اقدام خویش را

«لارباقت» یک کارخانه تولید حصیر پلاستیکی در شهر لارستان است. سرمایه‌دار صاحب کارخانه در تبعیت از اصول کار کلیه همسلکان سرمایه‌دار خویش و به اقتضای ضرورت تلاش

«غرب استیل» کرمانشاه و اخراج ۲۵ کارگر

شورای عالی کار دولت سرمایه‌دار که کفاف اجاره بهای ماهانه یک دخمه تاریک مسکونی برای کارگران را نمی‌دهد همان رقم وحشتناک دستمزد بالایی باشد که سرمایه‌دار را به اخراج ۲۵ کارگر مزبور مجبور کرده است!

۸۷/۲/۲

کارگران بپردازد. صاحب «غرب استیل» به همین دلیل ۲۵ کارگر را اخراج کرد تا جای آن‌ها را با نیروی کار باز هم ارزان‌تر و این بار بسیار بسیار ارزان‌تر پر کند. در مورد دستمزدهای بالایی! کارگران خبری نداریم ما احتمالاً حداقل دستمزد مصوب

کارخانه «غرب استیل» یک واحد تولید قطعات خودرو است که در کرمانشاه مستقر است. سرمایه‌دار صاحب کارگاه معتقد است که سطح دستمزد کارگزارانش بسیار بالا است! و او در مقام یک سرمایه‌دار اصلاً برایش صرف نمی‌کند که این دستمزدهای بالا را به

لاشه زنده کارگر در زیر آوار

یک کارگر ۱۸ ساله که به دستور کارفرمایان مشغول حفاری و گودبرداری یک بنای در دست تأسیس بود ناگهان با ریزش دیوارها در زیر خروارها خاک دفن شد. حاضران برای نجات جوان کارگر از اداره آتش نشانی استمداد کردند، اما کارگران مایوس از رسیدن به موقع مأموران، با احساس مسئولیت تمام برای نجات همزنجیر خویش دست به کار شدند. آنان موفق

شدند لاشه زنده همکار خویش را از زیر آوارها خارج کنند. در دنیای سرمایه داری جان کارگر بی ارزش ترین کالاها است. سرمایه داران در جستجوی سودهای افسانه ای حاضر به تقبل هیچ هزینه یا برای بهداشت و ایمنی محیط کار یا وسائل ایمنی مورد نیاز کارگران نیستند. آنان با خیال آسوده و بدون هیچ دغدغه از هیچ نوع بازخواست دستگاه های دولتی کارگران را در مرگبارترین

شرایط کاری مجبور به کار می کنند. عوارض ناشی از این شیوه بربرمنشانه کار سرمایه داران هر سال هزارها فاجعه مرگ، معلول شدن و مصدومیت کارگران است.

۸۷/۲/۲

جهاد سازندگی و مرگ فجیع کارگر ساختمانی

یکی از کارگران شاغل در جهاد سازندگی کرمانشاه که به دستور کارفرمایان بدون هیچ نوع وسائل ایمنی و بدون رعایت هیچ استاندارد ایمنی محیط کار در بالای دیوارها کار می کرد، ناگهان دچار سانحه شد و از بالا به زمین سقوط کرد. وقوع این نوع حوادث مرگبار پدیده ای است که در همه مراکز کار و تولید سرمایه و از جمله در همین مراکز متعلق به جهاد

سازندگی به کرات رخ می دهد و هر سال شمار زیادی کارگر را از زندگی ساقط و شمار بسیار زیادتری از افراد خانواده آن ه را راهی برهوت گرسنگی و مرگ ناشی از گرسنگی می سازد.

جهاد سازندگی کرمانشاه با وقوع این حادثه دلخراش در سریع ترین زمان لاشه کارگر مقتول را از محل حادثه دور و برای پاک کردن آثار جرم به باغ فردوس کرمانشاه (قبرستان) منتقل کرد.

سرعت عمل مأموران جهاد احتمالاً نه با هدف فرار از مجازات احتمالی دستگاه های قضائی - زیرا به قول معروف چاقو دسته خودش را نمی برد - بلکه برای رهایی از چنگال خشم و اعتراض کارگران و خانواده کارگر مقتول بوده است.

۸۷/۲/۲

گزارشی از کارخانه پارس استیل

شهرک صنعتی علی آباد در کیلومتر ۴۵ جاده تهران- گرمسار واقع شده و یکی از کارخانه های آن "پارس استیل" است که اکسل خودروهای پراید، پیکان، پی کی و نیسان را تولید می کند. مالک این شرکت شخصی به نام داود فریدونی است. پارس استیل دارای سالن های مجزای پراید، پی کی، نیسان و پیکان است و همچنین ۷۰ دستگاه پرس و ۲۵ دستگاه تراش کاری دارد. این شرکت حدود ۱۸۰ نفر کارگر و کارمند دارد که عمدتاً اهل زابل، ایوانکی، گرمسار، مامازند و تهران هستند. کارگران عمدتاً با قرارداد موقت کار می کنند. صاحب کارخانه به دلیل واهی و به بهانه تعدیل نیروی کار از تیرماه ۸۵ تا آبان ماه همین سال حقوق کارگران را پرداخت نکرد و با اعلام ورشکستگی کارگران را روانه بیمه بیکاری کرد. کارگران در آبان ۸۵ دسته جمعی تولید را متوقف

کردند و از کارفرما به اداره کار شکایت بردند و در نهایت حکم محکومیت کارفرما را گرفتند. اما کارفرما زیر بار نرفت و گفت پول ندارم، هر کاری می خواهید بکنید. در صورتی که شرکت تولید خوبی داشت. در فاصله تیر تا آبان ۸۵ حدود ۶۰ نفر از کارگران به دلیل فشار و مشکلات زندگی مجبور به بازخریدی شدند و کارفرما با دادن سفته به کارگران آن ها را مجبور به ترک کارخانه کرد. پس از آن، ۴۰ نفر دیگر از کارگران را تحت عنوان اشرار و اخلاگر اخراج کرد که این ها هنوز هیچ پولی دریافت نکرده اند. از دی ماه تا اسفند ماه حدود ۵۰۰ هزار تومان به کارگران پرداخت شده که حدود ۵۰ درصد از دستمزد معوقه کارگران است. کارگران علاوه بر ۵۰ درصد حقوق معوقه، سنوات و بن کارگری و مرخصی را نیز از کارفرما طلب کارند.

درحال حاضر، کارفرما با گرفتن یک شریک کارخانه را راه انداخته است. در این میان، کارگران نمایندگانی را انتخاب کردند تا بتوانند حق و حقوقشان را بگیرند. اما متأسفانه این نمایندگان یعنی مسلم صحرائی و حسینعلی سلامت بخش (سرپرست های واحد) و همچنین مهندس سلگی (مدیر کنترل کیفیت) با مدیریت تبانی کردند و کارگران را به شکستن درها و بیرون کشیدن دستگاه جوش و آوردن آن به محوطه شرکت تحریک کردند. به فاصله چند دقیقه کارفرما با نیروهای انتظامی کارگران را به محاصره خود درآوردند و آن ها را سوار اتوبوس کرده و به پاسگاه ایوانکی بردند. کارگران ۵ ساعت در بازداشت بودند و پس از دادن تعهد مبنی بر این که حق قدم گذاشتن به دور و بر شرکت را ندارند، آزاد شدند. و باز کارفرما با دادن ۵۰ هزار تومان به کارگران از آن

فروشی و اعتیاد و مرگ رانده شده اند همه قربانیان مظلوم حرص و طمع بی پایان سرمایه برای سوداندوزی هرچه بیشترند.

فروردین ۱۳۸۷

کثیف سرمایه داری و دولتش برای آن است که کارفرما بتواند با بیرون کشیدن کار ۱۸۰ نفر کارگر اولیه کارخانه از تعداد بسیار کمتری کارگر سود بیشتری بیاندوزد. به عبارت دیگر، تمام کارگرانی که باز خرید و اخراج شده و به معنای واقعی کلمه خود و خانواده هایشان به اعماق فقر و گرسنگی و تن

ها امضا گرفته که تا زمانی که وضع مالی شرکت خوب نشده طلب خود را مطرح نکنند. حدود ۴۰ نفر از ۸۰ نفر کارگری باقی مانده به این تعهد تن داده اند. در این میان اداره کار اعلام کرده که کسانی که این ۵۰ هزار تومان را گرفته و تعهد داده اند نمی توانند بقیه پولشان را از شرکت بگیرند. تمام این ترفندهای

۱۵۰ کارگر «سد زمکان» از کار اخراج شدند

امضا و به دست کارگران بسپارد. مالک شرکت از معرفی کارگران اخراجی به سازمان بیمه نیز خودداری می کند!

۸۷/۲/۱

شرکت همزمان از پرداخت دستمزد کارگران و مزایای مورد مطالبه آنان خودداری کرده است. او زیر فشار اعتراضات کارگران و با هدف رهایی از محاصره این اعتراض ها مجبور شده است که یک چک زمان دار سه ماهه را

سد زمکان در ۵ کیلومتری شهرستان کرد در استان کرمانشاه واقع است و یک شرکت بیمانکاری مسئولیت حفاری تونل های حوزه سد را به عهده دارد. این شرکت اخیراً ۱۵۰ کارگر را از کار اخراج کرده است. سرمایه دار صاحب

«مه بافت» زاهدان و اخراج همه کارگران

مالی و نداشتن مواد اولیه هم به عنوان دلیل اخراج به اطلاع تمامی آحاد کارگران اخراجی رسانده شده است!

۸۷/۲/۱

نیستی است. سرمایه دار صاحب کارخانه «مه بافت» زاهدان نیز حتما چشم انداز دلربای سرمایه اندوزی انبوه تر را دیده که تصمیم به صدور شفاهی اطلاعیه ای گرفته است که به موجب آن ۳۵ کارگر اخراج شده اند. وضعیت بد

چنان که بارها گفته ایم سرمایه به دنبال سودآوری بیشتر به سرعت از یک رشته به رشته دیگر می رود و یک نتیجه خانمان سوز این تغییر شیفت سرمایه پرتاب دسته دسته از کارگران به باتلاق بیکاری و گرسنگی و مرگ و

کارخانه «پونل» و اخراج کارگران

عیدی» و «پاداش» و «بن کارگری» کارگران اخراجی را هم نپردازد.

۸۷/۲/۱

که اگر دست به این کار نزنند از قطار سریع السیر سوداندوزی های افسانه ای سایر افراد طبقه اش عقب می ماند. کارفرمای «پونل» در همین راستا تصمیم گرفت که مزایایی مانند «

شرکت تولیدی «پونل» از جمله کارخانه های مستقر در شهر پاکدشت است. مالک این کارخانه حکم اخراج ۵۸ کارگر را صادر و با فوریت تمام آن را اجرا کرده است. او احساس می کند

قند قهستان و اخراج عضو مغضوب شورای اسلامی کار

گیری فزاینده مبارزات کارگران، تلاش خواهند کرد تا هر چه بیشتر نسبت به اعتراضات کارگری همدلی نشان دهند و، به بیان واقعی تر، مبارزه طبقاتی توده های کارگر علیه سرمایه را به نوعی فدای مناقشات باندهای حکومتی سازند. این که آیا کارگران عضو این شوراها این کار را آگاهانه می کنند یا ناآگاهانه موضوع بسیار ظریف و حساسی است. چه بسا شماری از اینان خود هم نسبت به نقش مخرب و ضدکارگری خویش واقف نباشند. ما به هرحال سمت و سوی تلاش این تشکل ها

شورای اسلامی کارخانه لاستیک البرز پس از آزاد شدن ۱۴۰ کارگر دستگیر شده، انحلال شمار زیادی از شوراهای اسلامی مراکز کار و تولید در شهر قم و اخیراً لغو عضویت یکی از اعضای این شورا در کارخانه قند قهستان و اخراج وی از کارخانه همگی دال بر صحت همان خبر قبلی است. در آنجا گفتیم که «شوراهای اسلامی کار» اینک به «چوب دو سر طلا!» تبدیل شده اند. در همین راستا ذکر یک نکته دیگر هم اهمیت دارد. شوراهای اسلامی کار در این وضعیت، و به ویژه در متن اوج

در یکی از خبرهای قبلی گفتیم که «شورای اسلامی کار» نهاد آشنای وابسته به خانه کارگر و ابزار سرکوب مبارزات کارگران به دلایل معین و از جمله بی آبرو شدن هر چه وسیع تر در نزد کارگران و مناقشات جاری میان باندهای مختلف حکومتی عملاً دچار زوال است. آثار و عوارض این زوال را می توان در اخبار روزمره روزنامه های وابسته به اصلاح طلبان درون دولت سرمایه و خانه کارگر کم و بیش مشاهده کرد. اصرار نیروی سرکوب رژیم بر ادامه بازداشت یکی از فعالان

اندازه هم دشمن طبقاتی ما هستند. جنگ و دعوای آن ها صرفاً کشمکش برای مشارکت هر چه بیشتر در استثمار طبقه ماست.

۸۷/۲/۱

کنند، برای لحظه ای هم نباید از عوارض زیانبار و مخرب تأثیرپذیری های جنبش جاری خویش از توهم آفرینی و گمراه سازی های این یا آن جناح دولتی غافل باشند. تمامی بخش های مختلف طبقه سرمایه دار و کل باندهای سیاسی متفاوت درون قدرت دولتی سرمایه به

همان است که گفتیم. در چنین شرایطی هشدار ما به همه کارگران در همه مناطق ایران این است که با آگاهی و درایت کامل موضوع را دنبال کنند. کارگران در همان حال که هیچ کارگر با صداقت و مصمم برای مبارزه علیه سرمایه را نباید از صفوف خود طرد

بیکارسازی وسیع در « حدید مبتکران » پاکدشت

مبتکران» پاکدشت هم درست در همین گذر و با همین محاسبات دست به کار بیکارسازی وسیع کارگران قدیمی تر شده و یکجا ۲۰۰ کارگر را بیکار کرده است. به دنبال این امر همه کارگران اخراجی اعتراض کرده و خواستار بازگشت به کار شده اند.

۸۷/۲/۱

دیگر از این دست به امر بسیار عادی و سراسری روابط بین طبقه سرمایه دار و دولت در یک سوی و توده های فروشنده نیروی کار در سوی دیگر تبدیل شده است. حدت و وسعت وقوع این رویدادها به گونه ای است که صاحبان سرمایه در انجام آنچه گفتیم از هم سبقت می گیرند و هر سرمایه داری فکر می کند که حتی یک روز تأخیر در بیکارسازی کارگران مایه از دست دادن ارقام کلانی سود است. کارفرمای کارخانه « حدید

وجود چند میلیون کارگر بیکار در جامعه و رقابت مرگبار توده نیروی کار به طور واقعی به نوعی سلاح کشتار جمعی در دست صاحبان سرمایه و دولت آن ها تبدیل شده است. اخراج گسترده کارگران قدیمی تر، احضار نیروی کار ارزان تر، خودداری از پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران حتی در زمان اخراج، اعلام وضعیت بد اقتصادی کارگاه به عنوان عامل این بیکارسازی ها و فراوان حوادث مشابه

اخراج ۳۵ کارگر در کارخانه تولید پنیر

۳۵ کارگر را از کار اخراج کرده است. او برای کار خود دلیل بسیار محکمی هم ارائه کرده است. ۳ ماه تمام ریالی دستمزد به کارگران نپرداخته و سپس اعلام داشته است که چون قادر به پرداخت حقوق معوقه کارگران نیست بنا براین تنها راه این است که آنان را اخراج کند و با این کار از شر اعتراض آن ها به عدم پرداخت دستمزد هم معاف شود!

۸۷/۱/۳۱

ورشکستگی سر می دهند! مگر نه این است که دولت در تمامی تاریخ دولت طبقه مسلط بوده است و کل دولت های کنونی جهان هم دولت های طبقه سرمایه دارند؟ خوب وقتی که چنین است و وقتی که تمامی آحاد سرمایه داران ایران هم ورشکستگان واقعی بی تقصیر و اسیر فقر و فاقه هستند، چرا نباید دولت آن ها را دولت مستضعفان نامید؟! به هر حال صاحب کارخانه پنیر « نیک شایان پنیر» هم در زمره همین مستضعفان است و زیر چتر حمایت دولت خویش

سرمایه دار صاحب کارخانه « نیک شایان پنیر» واقع در شهر ساوجبلاغ با اعلام تعطیل کامل کارگاه ۳۵ کارگر را بیکار کرد. به نظر می رسد که اصطلاح « دولت مستضعفان» در جامعه سرمایه داری ایران اصطلاح بی ربطی نبوده و نیست! تمامی آحاد سرمایه داران ایران به صورت بسیار دلخراشی از فقر و فاقه می نالند! همه آن ها به طور رسمی یا غیررسمی، مکتوب یا غیرمکتوب، ۳۰ سال است که هر روز در هر نقطه این مملکت فریاد

شوراهای اسلامی کار، چوب دوسر طلا!

اما همین آمار نشان می دهد که در این کار موفق نبوده است، که خود بهترین دلیل رسوایی و بی آبرویی این تشکل های دولتی و ایدئولوژیک است. به طور خلاصه می توان گفت که شوراهای اسلامی کار اکنون چوب دوسر طلا (!) شده اند: از یک سو خاصیت شان را برای نظام سرمایه داری ایران از دست داده اند و از سوی دیگر ماهیت شان برای کارگران افشا شده است.

۸۷/۱/۳۱

نیز باعث کاهش تعداد این تشکل ها شده است. این تشکل ها از سابق وابسته به خانه کارگر بوده اند که خود وابسته به دار و دسته کارگزاران به سرمداری رفسنجانی است. پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و وزیر کار او- جمهوری- شوراهای اسلامی وابسته به خانه کارگر مورد بی مهری قرار گرفتند و یکی یکی منحل شدند. البته وزارت کار در این مدت کوشیده که به جای شوراهای اسلامی منحل شده، شوراهای اسلامی وابسته به خود را به وجود آورد

درسال جدید شمار شوراهای اسلامی کار استان قم از ۴۰ شورا به کمتر از ۱۷ شورا تقلیل یافته است. علت اصلی کاهش این شوراهای بی آبرو شدن آن ها در میان کارگران است. مشکلات و معضلات کارگران چنان عظیم اند و این تشکل ها (صرف نظر از کارگران صادقی که هنوز هم ممکن است در میان آن ها باشند) چنان بی خاصیت و حتی ضدکارگرند که کارگران نه تنها هیچ رغبتی به آن ها ندارند بلکه می خواهند سر به تششان نباشد. اما یک عامل دیگر

کارگران «اروم دشت» و دستمزدهای پرداخت نشده

شبهه دوران کهن تاریخ به جای کارمزدی کار بدون مزد یا بیگاری کنند. درست به همین دلیل ده ها میلیون کارگری که استثمار می شوند باید برای گرفتن دستمزد متوسل به وکیل و قوه قضائیه و دستگاه های "عدالت" سرمایه شوند، و این محاکم و نهادها هستند که تصمیم می گیرند که آیا به کارگران در قبال کار مزد داده شود یا نه!! هر دم از این باغ بری می رسد، تازه تر از تازه تری می رسد.

۳۰/۱/۱۳۸۷

کاری که به حق جنایتکارانه و بیرحمانه است. حرف آنان در همان حال بسیار نامفهوم و به طور واقعی مسخره و چندی آور است. کارگران نیروی کار خود را به سرمایه دار فروخته اند و مدت ها بابت آن هیچ ریالی نگرفته اند. درخواست کارگران برای گرفتن حقوق معوقه چه ربطی به محاکم قضائی دارد؟! با همه این ها، گفته های مسئولان اداره کار سرمایه یک معنای صریح خاص هم دارد و آن این که در جامعه سرمایه داری ایران اصل پرداخت بهای نیروی کار یا پرداخت دستمزد در مقابل کار موضوعی است که اساساً مورد قبول سرمایه داران و دولت آن ها نیست. از نظر این ها گویا کارگران باید به

کارگران «اروم دشت» نیز مدت ها است که دستمزد خویش را دریافت نکرده اند. در اینجا نیز کارفرما به همان سیاقی با کارگران رفتار می کند که کارفرمایان دیگر در همه جاهای دیگر را رفتار می کنند. کارگران به دنبال اعتراضات ممتد به اداره کار دولت سرمایه رجوع کرده اند. پاسخ اداره مذکور این است که باید پرونده امر در محاکم قضائی کشور بررسی شود! حرف اداره کار هم روشن و هم نامفهوم است. روشن است به این معنی که در مقام اداره کار سرمایه داران وظیفه دارد کارگران را دست به سر کند و در یک روند فرسایش طولانی از مطالبه دستمزدهای معوقه شان منصرف سازد.

همبستگی، عامل اساسی آزادی کارگران زندانی

به نمایش نهاد. در شرایطی که حداکثر تلاش عوامل سرمایه بر قلع و قمع هر نوع همجوشی و اتحاد و سازمانیابی کارگران متمرکز شده است پافشاری توده های معترض کارگر بر این همبستگی ها و همپیوندی های ریشه دار طبقاتی موضوعی بسیار تحسین انگیز و امیدبخش است. کارگران برای آزادسازی آخرین همکار زندانی خویش همچنان به این یکدلی و همبستگی ادامه می دهند.

۸۷/۱/۲۸

مجبور ساختن سرمایه داران و دولت به قبول مطالبات اعلام شده، سرپیچی هیجان انگیز کارگران اعزامی آتش نشانی از دستور فرماندهی قوای سرکوب برای پاشیدن آب جوش بر روی کارگران در حال اعتصاب، تجمع پرشور خانواده های همه کارگران در مقابل زندان و محل نگه داری کارگران زندانی، ادامه فعال این تجمعات توسط تمامی خانواده ها حتی پس از آزادی اکثریت کارگران و پافشاری قاطع آنان بر آزادی آخرین کارگر اسیر، همه و همه همبستگی مستحکم کارگران را در مبارزه علیه سرمایه داران و دولت آنها

تا امروز جز یک نفر همه کارگران دستگیر شده لاستیک سازی البرز از زندان آزاد شده اند. دلیل واقعی عقب نشینی رژیم و آزاد شدن زندانیان را باید در همبستگی چشمگیر و مؤثر کارگران در تمامی روزهای اعتصاب، مبارزه و اسارت جستجو کرد. عزم راسخ و متحد همه کارگران به مبارزه برای تحمیل خواسته های خود بر صاحبان سرمایه، تصمیم متحد و دسته جمعی آن ها به شروع و ادامه اعتصاب، اراده مصمم و متفق همه کارگران در توسل به راه بندان و بستن شاهرگ حمل و نقل تهران - اسلامشهر به عنوان ساز و کار

مبارزه متحد کارگران قزوین علیه سرمایه

مبارزه متحد علیه سرمایه و اعمال قدرت دسته جمعی مؤثرتر علیه سرمایه داران و دولت آن هاست.

۸۷/۱/۲۸

خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خویش شدند. کارگران «فونخ»، «مه نخ»، «نازنج» و «بهداشتی مینا» به مدت سه روز تمام در این تظاهرات هماهنگ و همزمان شرکت کردند. همبستگی کارگران واحدهای صنعتی بالا سنگ بنای مناسبی برای گسترش

اعتراض به تأخیر چند ماه پرداخت دستمزدها، به محور اتحاد کارگران بسیاری از مراکز کار و تولید در شهر قزوین تبدیل شده است. در روزهای اخیر بیش از ۱۴۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف شهر به طور همزمان در مقابل مراکز کار خویش اجتماع کرده و

۵۰ کارگر «آسیا لنت» بیکار شدند

شدت تمام مورد استثمار قرار می گرفتند. صاحب کارخانه در روزهای

کارخانه تا همین اواخر حدود ۸۰ کارگر کار می کردند و به روال معمول با

شرکت «آسیا لنت» از جمله واحدهای صنعتی شهر سمنان است. در این

تمام است که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. اقدام کارفرما با اعتراض شدید کارگران مواجه شده است.

اخیر شروع به اخراج کارگران کرده و تا امروز حدود ۵۰ کارگر را از کار اخراج کرده است. کارگران اخراجی به علاوه همه کارگران باقی مانده ۳ ماه

کارگر کارخانه لاستیک البرز هنوز در زندانند

زندانیان با اجتماع در برابر محل اسارت شوهرا و پدران خود خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستند.

در روزهای جدال میان کارگران و عوامل سرکوب سرمایه، "علیرضا محبوب" رئیس خانه کارگر دولت سرمایه داری و نماینده پارلمان سرمایه با وقاحت غیرقابل توصیفی مبارزات و اعتراضات کارگران را مورد ملامت قرار داد. او تظاهرات و راه بندان توده های کارگر برای اجبار رژیم به پرداخت دستمزدهای معوقه را عملی "غیرقانونی" خواند. از سرکوب اعتصاب و ضرب و شتم کارگران جانبداری کرد و تنها انتقاد وی به دستگاه های اعمال قهر و سرکوب این بود که چرا قداست مکان تولید سود سرمایه و استثمار کارگران را مورد توجه قرار نداده اند! مراد محبوب این بود که دولت سرمایه محق است که کارگران را قلع و قمع و کشتار کند اما این کار نباید با هیچ ریالی زیان برای سرمایه و سرمایه داران همراه شود.

مجدد کارگران برای گرفتن دستمزدهای معوقه یا سایر حقوق و مطالبات را به شدت سرکوب خواهند کرد و کارگران معترض را سخت کیفر خواهند داد.

در طول مدت بازداشت همه کارگران دستگیر شده به انحای مختلف زیر فشار قرار گرفته اند تا عده ی را به عنوان عاملان اصلی اعتراضات و مقاومت ها معرفی کنند. از دید عوامل سرکوب و نگهبانان سرمایه ۴ ماه تأخیر در پرداخت دستمزدها، اخراج و بیکاری کارگران، گرسنگی و برهنگی و فقر و فلاکت دامنگیر کارگران و در یک کلام کل جنایاتی که نظام سرمایه داری و دولت این نظام علیه کارگران اعمال می کنند، اصلا دلیلی برای اعتراض و عصبان کارگران نیست. نمایندگان قهر سرمایه نیروی محرک پیکار کارگران را نه استثمار و بی حقوقی و ستمکشی آنان بلکه تحریکات خاص عوامل خرابکار قلمداد می کنند. آنان به همین دلیل هنوز هم از آزاد سازی همه کارگران دستگیر شده خودداری می کنند. ۱۰ کارگر همچنان در زندان به سر می برند و زنان و کودکان این

عده ای از کارگران دستگیر شده در اعتصاب کارخانه لاستیک البرز از زندان آزاد شدند اما هنوز ۱۰ نفر آن ها در اسارت نیروهای انتظامی و امنیتی دولت سرمایه داری به سر می برند. کارگران آزاد شده در شرح حوادث شب حمله سرکوبگران گفته اند که به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. پلیس با باتوم الکتریکی به جان آنان افتاده و برای درهم شکستن مقاومتشان از هیچ اذیت و آزاری کوتاهی نکرده است. کارگران می گویند که سرمایه داران صاحب کارخانه و مسئولان دولتی همچنان از قبول مطالبات شان خودداری می کنند، حاضر به پرداخت همه دستمزدهای معوقه ۴ ماهه نیستند و در طول روزهای اخیر به دنبال موج گسترده اعتراضات و اعتصابات و درگیری ها فقط به پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه رضایت داده اند. بر اساس اظهارات کارگران آزاد شده، عوامل سرکوب سرمایه خروج آنان از زندان را مشروط به امضای تعهدنامه مبنی بر عدم اعتراض و مطالبه حقوق کرده اند. سرکوبگران تهدید کرده اند که هر اقدام

کارگران « ایران صدرا » همچنان می رزمند

زیر بار این شرط نخواهند رفت و دور جدید اشتغال را باید در همان محل کار سابق آغاز کنند.

۸۷/۱/۲۷

گردانند. عوامل سرمایه در همان حال شروع کار مجدد این کارگران را به جا به جایی محل کار و اشتغال آن ها در مکانی دیگر موقوف کرده اند. قید و شرط تعیین شده کارفرمایان با اعتراض سرسختانه کارگران اخراجی مواجه شده و آنان اعلام کرده اند که به هیچ وجه

مبارزات پرشور کارگران ایران صدرا به رغم تحمل بیشترین فشار قهر و سرکوب دولت سرمایه داری سرانجام عوامل و ایادی سرمایه را مجبور ساخت که به پاره یا عقب نشینی ها تن دهند. مسئولان کارخانه قبول کردند که ۵۰۰ کارگر اخراجی را به سر کار باز

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد

اخیر است. کارگران و نیز مهندسان و کارکنان دیگر در حال اعتصاب اعلام کرده اند که تا دستیابی کامل به خواسته هایشان اعتصاب را ادامه خواهند داد.

در طول سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و برای گرفتن سایر مطالبات خویش، ۱۱ بار چرخ تولید را در این مرکز بزرگ صنعتی متوقف ساختند. علت اعتصاب جاری نیز تأخیر در پرداخت دستمزد ماه های

۱۴۰۰ کارگر نی بر نیشکر هفت تپه در پی چند روز اعتصاب و اعتراض، صبح روز سه شنبه بیست و هفتم فروردین ۸۷ وارد محوطه کارخانه شدند و در مقابل دفتر مدیریت کارخانه دست به تحصن زدند. کارگران هفت تپه

دست به کار تدارک لازم برای برگزاری این نمایش عظیم انترناسیونالیستی طبقه خود علیه نظام سرمایه داری هستند.

۸۷/۱/۲۷

نجاتی، حیدری، احمدی و علی پور خواسته اند که در روز ۳۰ فروردین خود را به سازمان مذکور معرفی کنند. مأموران قضایی دزفول درست در روزهایی این کارگران را احضار می کنند که چند روز بیشتر به اول ماه مه باقی نمانده است. همه فعالان کارگری در سراسر جامعه و در تمامی جهان

در سوی دیگر جدال جاری طبقاتی، دولت سرمایه داری نیز به جای پاسخ فوری به خواسته های کارگران دست به کار توطئه های جدید برای اعمال فشار و سرکوب است. عوامل رژیم در دستگاه های قضایی شهر دزفول با ارسال یک احضاریه از چند فعال کارگری منطقه به نام های نیکوفرد،

اعتراض کارگران خمل و ابریشم کاشان

دامنه فقر و بدبختی کارگران را بیش از پیش وسعت بخشیده و همین امر به افزایش نارضایتی و خشم آنان انجامیده است. ۸۷/۱/۲۷

باقی مانده در طول این مدت عمل به صورت رایگان توسط صاحبان سرمایه استثمار شده اند. سرمایه داران صاحب کارخانه در همین مدت وام های انبوهی نیز از بانک ها و مؤسسات دولتی دریافت کرده اند. تعویق ۷ ماه دستمزد

کارگران خمل و ابریشم ۷ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. در طول سال های اخیر شمار کارگران این واحد بزرگ صنعتی از ۲۲۰۰ به ۷۰۰ نفر کاهش یافته است. ۱۵۰۰ کارگر کار خویش را از دست داده اند و کارگران

ادامه بیکاری کارگران صنایع مخابراتی

نیروی کار ارزان تر در حوزه های دیگر انباشت سرمایه است.

۸۷/۱/۲۷

سرمایه داران ادعا می کنند که سفارش لازم برای شروع دور جدید تولید را از سوی نهادها و مؤسسات مربوطه دریافت نکرده اند و به همین دلیل قادر به ادامه کار نیستند. آنچه اینان می گویند تکرار همان بهانه تمام سرمایه داران برای اخراج کارگران قبلی و استخدام

کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران همچنان بیکارند و وعده و وعیدهای کارفرمایان برای شروع کار مجدد آن ها به طور کامل دروغ از آب در آمده است. صنایع مخابراتی راه دور " کارت هوشمند سوخت" تولید می کند. صاحبان این شرکت مطابق عرف همه

کارگران بندر و شرارت بی رحمانه سرمایه

بازنشستگی نخواهند بود. درست به همین دلیل است که شماری از کارگران بندر امام هم اکنون در سن ۸۰ سالگی با بدنی خمیده و علیل باز هم کار می کنند و باز هم شاق ترین کارها را انجام می دهند. شلاق مرگ سرمایه در اینجا با بیرحمی هرچه هولناک تر بر گرده نحیف و عریان کارگران فرود می آید. شاید باور این حرف سخت باشد که کل دستمزد ماهانه کارگران ۸۰ ساله بندر امام در بیشتر اوقات از ۵۰ هزار تومان نیز کمتر است. اینان در قبال جا به جایی هر یک تن بار فقط ۳۱۰ تومان از صاحبان سرمایه مزد می گیرند.

۸۷/۱/۲۷

کارگران و همزنجیران شاغل آن ها در کارخانه ها و مراکز و کار و تولید اندوخته اند با هیچ محاسبات متعارف ریاضی قابل بیان نیست.

این کارگران ۴۰ تا ۵۰ سال کار کرده اند و کار می کنند. اما دولت سرمایه داری در قبال هر یک ماه کار آنان فقط ۸ روز برایشان سابقه بیمه رد می کند. نتیجه ساده این قانون گذاری دولت آن است که اگر این کارگران حتی به اندازه چندین عمر آدمیزاد برای سرمایه کار کنند و اگر آنان در تمامی این مدت حتی با بیشترین شدت ممکن هم توسط سرمایه استثمار شوند باز قادر به استفاده از یک حقوق نازل و ابتدایی

در "بندر امام" ۱۵۰۰ کارگر به کار تخلیه و بارگیری کشتی ها مشغولند. اینان در بدترین شرایط کاری برای سالیان طولانی استثمار شده اند و استثمار می شوند. حجم و ارزش محموله هایی که توسط اینان جا به جا گردیده است سر به کهکشان ها می رسد. آنچه اینان در طول سالیان دراز بر پشت خویش نهاده و از کشتی به خشکی رسانده اند، در کارخانه های بزرگ کشور توسط همزنجیرانشان به انبوه بیکران کالاها تبدیل شده و بازار سراسر کشور را لحظه به لحظه از دنیای کالاها انباشته است. ارقام سودی که صاحبان سرمایه از قبل کار این

اخراج کارگران به جرم ۳۵ سالگی

با مالکیت خصوصی آن فرق نمی کند. شهرداری بجنورد به عنوان یک نهاد

استثمار کارگر یا اعمال توحش علیه کارگران با هدف کسب سود افزون تر،

جنایت سرمایه را مرزی نیست و مالکیت دولتی سرمایه در تشدید هولناک

استخدام ۲۰۰ کارگر جدید با نیروی کار بسیار ارزان تر همراه گردید.

۸۷/۱/۲۷

هم اخراج کرده و شمار کارگران اخراجی را تا مرز ۴۰۰ نفر افزایش داده است. روند بیکارسازی کارگران در این نهاد دولتی به بهانه وجود نیروی کار مازاد آغاز شد، اما شنیدنی است که اخراج ۳۷۰ کارگر قدیمی درست با

دولتی سرمایه برای تشدید این توحش دست به ابتکار تازه ای زده است. بر اساس مصوبه شهرداری از این به بعد هیچ کارگر بالاتر از ۳۵ سال حق ادامه اشتغال نخواهد داشت. شهرداری بجنورد بر پایه همین قانون ۲۰ کارگر دیگر را

اخراج ۳۰۰ کارگر ایران کیش عسلویه در یک ماه

می زند که ۳ ماه دستمزد این کارگران را پرداخت نکرده است.

۸۷/۱/۲۷

مرخصی کارگران که معادل دو روز و نیم حقوق در ماه است خودداری می کنند و هیچ ریالی به کارگران پرداخت نمی کنند. علاوه بر این، شرکت ایران کیش در شرایطی دست به اخراج کارگران

شرکت ایران کیش عسلویه هر روز ۱۰ تا ۱۵ کارگر را اخراج می کند. شمار کارگران اخراجی در طول یک ماه به ۳۰۰ نفر رسیده است. صاحبان شرکت از پرداخت دیون مربوط به حق

کارگران لاستیک البرز همچنان در زندانند

است. مسئولان فرمانداری اسلامشهر اعلام کرده اند که ۲ ماه حقوق معوقه کارگران پرداخت خواهد گردید. آنان در همان حال اینجا و آنجا گفته اند که کارگران زندانی با سپردن ضمانت و وثیقه آزاد خواهند شد. خانواده های کارگران هر نوع قید و شرط برای آزادی زندانیان را محکوم نموده و بر رهایی فوری ۱۴۰ کارگر اسیر پافشاری کرده اند.

۸۷/۱/۲۶

اطاعت از دستور فرمانده ضد کارگر، عملاً به حمایت از اعتراض کارگران برخاستند و همراه با آنان راهی زندان شدند. با دستگیری مبارزان کارگر و تداوم اسارت آنان، زنان و کودکان کارگران دستگیرشده نیز در مقابل پاسگاه پلیس دولت سرمایه دست به تحصن و اعتراض زدند. آنان ضمن اعتراض به اقدام وحشیانه عوامل سرکوب خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی شده اند. بر اساس اطلاع، کارزار کارگران لاستیک البرز دستگاه های مجری نظم سرمایه را تا حدود زیادی دچار هراس کرده

حدود ۱۴۰ کارگر مبارز لاستیک سازی البرز همچنان در زندان دولت سرمایه داری به سر می برند. آخرین خبرها حاکی است که کارگران در پاسگاه احمدآباد مستوفی در اسارت نیروهای رژیم قرار دارند. سرکوب مبارزات کارگران و اسارت آن ها موجی از قهر و خشم و نفرت را در میان خانواده ها و همزنجیران آنان دامن زده است. ۶ کارگر آگاه و معترض آتش نشانی به رغم دریافت دستور مؤکد از سوی فرماندهی قوای سرکوب حاضر به گرفتن شلنگ آب جوش به سوی همزنجیران خود نشدند. آنان به جای

بیکاری کارگران «اونگان» و سوداندوزی عظیم تر کارفرما

دلخواه خویش را بر پا ساختند. در پی این اقدام، سرمایه داران شروع به درو کردن سودهایی طلالی کردند و ۷۰۰ کارگر بیکار شرکت یک سال تمام است که در جستجوی کار بار سنگین گرسنگی و فقر و فلاکت را بر دوش می کشند.

۸۷/۱/۲۶

کار توده های کارگر ایران و جهان را نصیب خود سازند. آنان در همین راست با سرعت تمام مواد اولیه موجود در انبارها را به قیمت ۳۰ میلیارد تومان فروختند، با بهای آن دستمزدهای معوقه کارگران و پرسنل اداری شرکت را پرداختند، ۷۰۰ کارگر کارخانه را یکج و در یک چشم به هم زدن اخراج کردند و به کمک سرمایه های انبوهی که در اختیار داشتند تراست تجاری عظیم

کارخانه «اونگان» اراک تا چند سال پیش در زمره معروف ترین و پرسودترین مراکز تولید نکل های برق در کل منطقه خاورمیانه بوده است. در سال های اخیر، در جریان خصوصی سازی ها، مالکان جدید کارخانه با شم نیز سودجویانه طبقاتی خود دریافتند که در صورت تأسیس یک تراست بزرگ خرید و فروش آهن آلات می توانند بخش عظیم تری از اضافه ارزش حاصل از

موج عظیم بیکاری و گرسنگی در کردستان

شاغلان کنونی کارگاه ها و جایگزینی آن ها با نیروی کار ارزان تر حتی دقیقه

بیکار کردستان اضافه شده است. سرمایه داران کردستان در اخراج

در فاصله فقط چند روز ۴۰۰ کارگر بیکار دیگر به خیل عظیم کارگران

ای درنگ نمی‌کنند. فقر و نیاز و سیه روزی، ده‌ها هزار روستایی بیکار را به فرار از خانه و کاشانه خویش و زندگی در حاشیه شهرهای بزرگ مجبور ساخته است. مهاجرت این جمعیت برای یافتن لقمه‌ای نان به مانده عظیم آسمانی صاحبان سرمایه تبدیل شده است. سرمایه‌داران کرکس وار لاشه‌های گرسنه این محتاجان کار را شکار می‌کنند، آنان را با نازل‌ترین میزان ممکن دستمزد در سخت‌ترین شرایط کاری به شاق‌ترین کارها وامی‌دارند و همزمان کارگران قدیمی خود را فوج

فوج اخراج می‌کنند. در منطقه کردستان سازمان‌های دولتی در اجرای این طرح‌های سودجویانه مخوف از سرمایه‌داران بخش خصوصی هیچ عقب نمی‌مانند. اخراج ظالمانه ۲۰۰ کارگر قدیمی شهرداری سقز نمونه بسیار ساده‌ای از ارتکاب این جنایات توسط سرمایه‌داران دولتی است. یک نکته قابل توجه دیگر در این راستا این است که سرمایه‌داران این دیار در طول همین روزهای اخیر مبالغ بسیار هنگفتی، حدود ۴ میلیارد تومان، از مؤسسات دولتی و بانکی وام دریافت کرده‌اند تا ظاهر حقوق معوقه

کارگران را پرداخت کنند و از بیکارسازی وسیع‌تر شاغلان خودداری نمایند. این کار اما در عالم واقع موج بیکارسازی‌ها را در همه جا گسترده‌تر و نیرومندتر ساخته است. دلیل آن بسیار روشن است. صاحبان سرمایه با وام‌های دریافتی دست به سرمایه‌گذاری‌های انبوه‌تر می‌زنند و برای کسب سودهای طلایی‌تر به شکار نیروی کار هر چه ارزان‌تر می‌روند.

۸۷/۱/۲۶

دو ماه تأخیر در پرداخت دستمزد کارگران «خوشه طلایی»

کارخانه «خوشه طلایی» در لارستان فارس قرار دارد و کار آن تهیه تن ماهی است. در این واحد تولیدی ۴۰ کارگر استنثار می‌شوند. کارگران ۲ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده‌اند. صاحب کارگاه در طول این مدت از

پرداخت «عیدی» و «پاداش» کارگران نیز سر باز زده است. در کارخانه «خوشه طلایی» نیز کارفرما به سیاق همه سرمایه‌داران از مشکلات اقتصادی کارخانه صحبت می‌کند و این سخن عمومی و همه‌جا شایع مالکان سرمایه

را بهانه‌ای برای امتناع از پرداخت مردها و مطالبات کارگران قرار داده است.

۸۷/۱/۲۶

همبستگی کارگری و پاسخ سرکوبگرانه سرمایه

کارگران اعزامی آتش‌نشانی از پاشیدن آب جوش بر روی همزنجیران معترض خویش در کارخانه لاستیک البرز خودداری کردند. در جریان پورش نیروهای سرکوب دولت سرمایه‌داری به اعتصاب کنندگان، پلیس ضد کارگر از کارگران آتش‌نشانی خواست که با

گرفتن شلنگ آب جوش به سوی کارگران مقاومت آن‌ها را در هم بشکنند. دستور پلیس سرمایه‌با ترمذ قاطع کارگران آتش‌نشانی مواجه شد. آنان از انجام این جنایت خودداری کردند و نقشه عوامل سرکوب را نقش بر آب ساختند. براساس اطلاع ۶ کارگر آتش

نشانی به همین دلیل و به جرم همبستگی انسانی و طبقاتی با همزنجیرانشان دستگیر و همراه کارگران اعتصابی راهی سپاه‌چال شدند. دستگیرشدگان ۴۸ ساعت است که در زندان به سر می‌برند.

کارگران صنایع فلزی ایران و سه ماه حقوق معوقه

سه ماه است که هیچ ربالی حقوق به کارگران صنایع فلزی ایران پرداخت نشده است. کارگران «عیدی» و «پاداش» سال را نیز دریافت نکرده‌اند. نکته قابل توجه این است که سرمایه‌داران صاحب کارخانه زیر نام احتیاج

به پول برای پرداخت دستمزد کارگران رقمی معادل ۵۰۰ میلیون تومان از بانک وام گرفته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که وام‌های دریافتی صرف هدفی مهم‌تر از حقوق کارگران شده‌اند. این وام‌ها دریافت شده‌اند تا انبوه سودها و

سرمایه‌های حاصل از استنثار کارگران را انبوه‌تر سازند و یکجا برای سرمایه‌گذاری‌های پرسودتر مورد استفاده قرار گیرند.

اخراج ۳۰۰ کارگر قراردادی در شهر اراک

موج اخراج کارگران از کارخانه یا به کارخانه دیگر می‌پیچد. همه‌جا صحبت از بیکارسازی است. هیچ کارگری از هیچ اطمینانی برای داشتن کار فردا برخوردار نیست. رعب و هراس و

وحشت در چهار گوشه کشور بر زندگی تمام توده‌های کارگر مستولی است. هیچ آمارگر فعال و هوشیاری قادر به جمع‌آوری دقیق آمار کارگران اخراجی نیست. برای بیکارسازی کارگر و

پرتاب تمامی افراد خانواده وی به باتلاق سیاه گرسنگی هیچ شرط و شروط و مجوزی مورد نیاز نیست. دولت سرمایه‌داری برای دفاع از هر نوع اراده و تصمیم کارفرمایان و برای سلاخی هر

کارگر معترض و ناراضی در یک چشم به هم زدن تمامی قوای لازم سرکوب را از شرق به غرب و برعکس گسیل می‌دارد. در روزهای اخیر حادثه تازه ای به همه این‌ها اضافه شده است. دولت به روال معمول چیزی به نام حداقل دستمزد تعیین کرده است. شورای عالی کار در تعیین این رقم تضمین کامل سوداندوزی بی‌مرز سرمایه‌داران و قربانی کردن بی‌دریغ هست و نیست کارگران را در پای حرص بی‌انتهای سوداندوزی صاحبان سرمایه بسیار دقیق در نظر گرفته است. با این همه، صاحبان

سرمایه فوج فوج کارگران را به بهانه توقع دریافت حداقل دستمزد مصوب دولت اخراج می‌کنند و همزمان دولت نیز در دفاع از این اقدام کارفرمایان فریاد هر کارگر معترض و ناراضی را در گلو خفه می‌کند. ۳۰۰ کارگر قراردادی در شهر اراک به جرم مطالبه همین میزان دستمزد از کار بیکار شده‌اند. آنان نیز دچار همان مصیبتی شده‌اند که در این چند روز تمامی همزنجیران دیگرشان در خراسان جنوبی، در قزوین، در تهران، در کردستان و در بسیاری مناطق دیگر بدان دچار شده‌اند.

صاحبان سرمایه در اراک همراه با اخراج کارگران قدیمی دست به استخدام شماری کارگر جدید زده‌اند. تفاوت فاحش میان بیکارشدگان و بردگان مزدی جدید این است که اینان به مزدهای بسیار پائین تری رضایت داده‌اند، اخراج آن‌ها از کار با مقاومت بسیار کمتری مواجه است، فشار سهمگین کار را راحت‌تر تحمل می‌کنند و در یک کلام زیر فشار نداری و گرسنگی حاضرند بدون هیچ قید و شرط برای کارفرمایان سود تولید کنند.

اخراج وسیع کارگران به بهانه افزایش دستمزد

بیش از ۷۰۰ کارگر در استان خراسان جنوبی اخراج شده‌اند. شمار بیکارشدگان روزهای اخیر در این استان بسیار بیشتر از این است. کارفرمایان این استان اعلام کرده‌اند که حداقل دستمزد مصوب دولت در سال جاری را قبول ندارند و به همین دلیل هر کارگری که خواستار حصول این دستمزد است باید محیط کار را ترک کند.

میزان مزد نیازهای زندگی خود را تهیه کند. با همه این‌ها سرمایه‌داران اصرار کارگران برای گرفتن همین میزان مزد را جرمی عظیم تلقی می‌کنند و ارتکاب این جرم را دلیل بسیار معتبری برای اخراج کارگران می‌دانند. در این میان نقش نهادهایی به نام «کمیته سازش» بسیار قابل توجه است. این کمیته‌ها تشکیل شده‌اند تا اختلافات میان کارگران و کارفرمایان را حل کنند! کمیته‌های مذکور در استان خراسان جنوبی وظیفه خود را به خوبی انجام داده‌اند! آنان هر نوع ناراضی کارگران از تصمیم کارفرما و اعتراض آنان به

جنایت سرمایه‌دار را مجوز کافی برای محروم ساختن بی‌قید و شرط آن‌ها از کار تلقی کرده‌اند. کمیته‌ها بر همین اساس تکلیف همه کارگران خواستار حداقل حقوق مصوب دولت را روشن ساخته و همه آن‌ها را بیکار کرده‌اند. به نظر می‌رسد که معنای واقعی حل اختلاف میان کارگر و کارفرما چیزی جز این نیز نمی‌تواند باشد. وقتی بناست عده‌ای کارگر و عده‌ای کارفرما باشند سلاخی اولی در آستان سوداندوزی دومی امری بدیهی است.

آنچه دولت سرمایه‌دار به عنوان حداقل حقوق برای سال جاری تعیین کرده است حتی اجاره بهای خانه هیچ کارگری نمی‌شود. هیچ خانواده کارگری حتی در بدترین شرایط زندگی نمی‌تواند با این

کارگران مبارز لاستیک البرز دستگیر و روانه زندان شدند

شب گذشته نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه‌دار در یک یورش هولناک به کارگران مبارز لاستیک البرز، اعتصاب‌کنندگان را دستگیر و راهی سیاهچال کردند. چکمه پوشان مسلح رژیم با هدف تار و مار کردن اعتصاب و مقاومت کارگران دیوارهای کارخانه را تخریب و به صورت برق آسا وارد محیط کارگاه شدند. آنان پس از دستگیری و ضرب و شتم کارگران در یک چشم به هم زدن دیواره را تعمیر و

حتی زده‌های اطراف کارخانه را نیز رنگ کردند. پلیس و پاسدار در این تهاجم وحشتناک همه رسم و رسوم دفاع از سرمایه و آخرین ریال سود سرمایه‌داران را با بیشترین احساس مسولیت و دقت به جای آوردند. قلع و قمع اعتراض کارگران، زندانی کردن کارگران مبارز، جبران هر ریال خسارت کارفرمایان و رفع هر نوع خطر از سر نظام ضد بشری سرمایه‌داری، همه و همه در موج تهاجم نیروهای سرکوب به

صورت یکجا نمایش داده شد. تا لحظه حاضر از سرنوشت کارگران زندانی هیچ خبری در دست نیست. پلیس سرمایه‌دار در جریان این هجوم حتی به جان خبرنگاران نیز رحم نکرده و همه آن‌ها را همراه کارگران بازداشت کرده است.

۲۵ فروردین ۱۳۷۸

اخراج جدید ۳۰ کارگر از شرکت «الغدیر» زابل

را اخراج کرده است. ترجمه زمینی «افزایش سالانه دستمزد توسط دولت» شنیدنی اما رقت بار است. صاحبان سرمایه حق دارند که کارگران خواستار همین سطح نازل دستمزد مصوب دولت سرمایه داری را هر چه سریع تر اخراج کنند!

۲۵ فروردین ۱۳۷۸

همین دلیل فوج فوج کارگران را اخراج می کنند. آنان بی محابا به این کار دست می زنند تا قلاده استثمار را بر گردن شمار دیگری از نفرین شدگان گرسنه این دوزخ، با بهای بسیار نازل تر نیروی کار و شاید هم برای ماه ها بدون هیچ بها، محکم سازند. ۳۰ کارگر شرکت مقطعه کاری «الغدیر» زابل در همین راستا از کار بیکار شده اند. این کارگران در راه سازی کار می کرده اند و صاحب شرکت به بهانه بالا رفتن سطح مزدها در سال جاری همه آن ها

می گویند: در جهنم عقرب هایی است که ساکنان دوزخ از دست آن ها به مار پناه می برند! این البته افسانه است، اما افسانه ای که در جهنم سرمایه داری ایران به حقیقت پیوسته است. آنچه دولت سرمایه زیر نام حداقل دستمزد برای سال ۸۷ اعلام داشته است کفاف نان خالی هیچ خانواده کارگری را نمی دهد اما سرمایه داران صاحب کارگاه ها و مراکز کار تحمل همین حداقل بغایت نازل و ناکافی را صلاح سودآوری دلخواه سرمایه هایشان نمی دانند و به

فاجعه بیکارسازی ها از زبان «نمایندگان کارگری» مؤمن سرمایه!

نیست که مرکز رسیدگی به شکایات کارگران باشد. نقش دولت تحمیل تمامی سیه روزهای نظام بردگی مزدی بر طبقه کارگر است و این کار را نیز به وجه احسن انجام می دهد.

۲۵ فروردین ۱۳۷۸

شورای عالی کار رژیم ۷۰٪ اعلام شده است. آش آن قدر شور است که شهنشاهی نیز از آن شکایت دارد. ایشان می گویند که مقامات دولتی به شکایات کارگران توجه لازم را ندارند! او با این حرف صد البته که به سرمایه ادای دین می کند و تلاش دارد تا بذر توهم به دولت سرمایه داری را در ذهن کارگران کشت و آبیاری کند. دولت بنا نبوده و

شخصی به اسم «رجبعلی شهنشاهی» که رئیس «اتحادیه کارگران پیمانی» است اعلام کرده که در طول چند روز اخیر بیش از ۵۰ هزار کارگر دیگر از کار بیکار شده و به جمعیت عظیم بیکاران پیوسته اند. او اضافه کرده که حدود ۶۵٪ کارگران ایران در چهارچوب قراردادهای موقت کار می کنند (این رقم قبلاً توسط نمایندگان

شهرداری سقز بیش از ۲۰۰ کارگر را اخراج می کند

کارگران در گشت و گذار است. کارگران شهرداری سقز علیه این تصمیم دست به اعتراض زده اند.

۲۵ فروردین ۱۳۷۸

بیکارسازی کارگران در شهرهای کردستان به سبب همه شهرهای دیگر ایران موجی از وحشت و هراس را در زندگی توده های کارگر دامن زده است. هیچ کارگری به اشتغال روز بعد خود امیدوار نیست و شمشیر آخته گرسنه سازی سرمایه همه جا بر فرار سر

بیش از ۲۰۰ کارگر «فضای سبز» در شهرداری و شهرک صنعتی شهرستان سقز به جمع همزنجیران بیکار خویش می پیوندند. این کارگران مدت ها به صورت قراردادی کار می کرده اند و اینک شهرداری اعلام داشته است که به نیروی کار آنان نیاز ندارد. اخراج و

اخراج هزار کارگر «طاهر نیرو» در قزوین

دست به اعتراض زده و خواستار انصراف کارفرما از اخراج شده اند.

۲۵ فروردین ۱۳۷۸

کرده اند. شرایط کار آن ها بسیار سخت و طاقت فرسا است. اخراج کارگران در شرایطی صورت می گیرد که هر کدام بیش از ۵۰۰ هزار تومان دستمزد ماه های اخیر خویش را طلبکارند. کارگران

شرکت پیمانکاری «طاهر نیرو» ۱۰۰۰ کارگر را از کار بیکار می کند. این کارگران همه قراردادی هستند و در طول مدت قرارداد هر روز ۱۰ تا ۱۲ ساعت برای صاحب سرمایه کار می

تسخیر جاده تهران - اسلامشهر توسط کارگران لاستیک البرز

کارخانه لاستیک سازی البرز ۱۰۰۰ کارگر را استنمار می کند. این کارگران حدود ۴ ماه است که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. در طول این مدت تنها پولی که به آنان پرداخت شده است ۱۲۰ هزار تومانی است که کارفرما و طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری ایران آن را « حق بن شب عید» می نامند. در شروع زمستان سال پیش سرمایه دار صاحب کارخانه اعلام داشت که ادامه کار کارخانه به دلیل فقدان مواد اولیه مقدور نیست! او ادامه داد که قادر به پرداخت ۴ ماه حقوق کارگران نیز نیست و به ناچار کل این واحد بزرگ صنعتی تعطیل خواهد شد.

بی پایه بودن حرف های کارفرما برای کارگران در زمره بدیهی ترین بدیهیات بود. در کشوری که نرخ سود عظیم سرمایه در دل سرمایه داران دورترین نقاط دنیا قند آب می کند و سرمایه داران « وطنی» آن در کاخ های افسانه ای خویش به جای استخر شنا دریاچه مصنوعی تأسیس می کنند، سخن از مشکل تهیه موادخام برای کارخانه عوام فریبی چندان آوری به حساب می آید. از این ها که بگذریم کمبود مواد خام مشکل مربوط به کارفرماست و هیچ معلوم نیست که چرا کارگران باید با گرسنگی خویش توان آن را بپردازند.

کارگران کارخانه لاستیک البرز در پی اعلام تصمیم کارفرما دایره تعطیل این واحد صنعتی به طور یکپارچه دست به اعتراض زدند. آنان در همان زمان برای مدت ۲۰ روز چرخ کار و تولید

کارخانه را به طور کامل متوقف ساختند و خواستار الغای کامل تصمیم کارفرما شدند. مقاومت مصمم کارگران و تداوم اعتصاب آنان سرمایه دار و دولت سرمایه داران را بر آن داشت که از تصمیم خود عقب نشینند. آنان با وعده احتمال انصراف از تعطیلی کارخانه، کارگران را متقاعد ساختند که به سر کار خویش باز گردند. کارگران کار را شروع کردند اما سرمایه داران نیز با سرسختی تمام به عوام فریبی ها و دروغ پردازی های خویش ادامه دادند. آنان از خرید مواد اولیه مورد نیاز کارخانه خودداری و همزمان پرداخت دستمزد ماهانه کارگران را به طور کامل قطع کردند. اقدام کارفرما با خشم و نفرت مجدد کارگران مواجه شد و اکنون مدتی است که اعتراض آنان به این وضعیت ادامه دارد.

در هفته گذشته شمار کثیر کارگران با اجتماع در محیط کارخانه و به آتش کشیدن خرمن ها لاستیک کهنه تلاش کردند تا فریاد اعتراض خویش علیه جنایت سرمایه داران را به گوش دیگران برسانند. این کار کارگران مطابق معمول با تهاجم نیروهای سرکوب دولت سرمایه مواجه گردید اما کارگران مقاومت کردند و عوامل سرکوب مجبور به عقب نشینی شدند. مبارزات کارگران همچنان ادامه یافت و در روز ۲۴ فروردین ۸۷ ابعاد کاملاً تازه ای به خود گرفت. در این روز صدها کارگر لاستیک البرز به جاده تهران- اسلامشهر هجوم آوردند. آنان

جاده را به طور کامل بستند. انبوه حلقه های کهنه لاستیک را در وسط جاده به آتش کشیدند و هر نوع رفت و آمد در این مسیر را متوقف کردند.

توسل به راهکار بستن جاده ها یکی از شیوه های رایج و کارآمد جنبش کارگری در سطح بین المللی است. خطوط مواصلاتی میان شهرها در همان حال معابر تجاری سرمایه و جزئی از شریان حیات بازار سرمایه داری است. بستن این راه ها از یک سو خسارت اقتصادی قابل توجهی به کارفرمایان و دولت آن ها وارد می کند و از سوی دیگر افکار عمومی توده های کارگر در مراکز دیگر کار و تولید را متوجه مشکلات و مبارزات همزنجیران خویش می نماید. کارگران آرژانتین بارها از این راهکار به بهترین وجه استفاده کرده اند. آنان در یک خیزش گسترده شورائی در چند سال پیش یکی از بزرگ راه های مهم اقتصادی کشور را به طو کامل بستند و همزمان خواستار دریافت چند صد هزار دلار برای راه اندازی کارگاه هایی شدند که توسط شوراهای کارگری آن ها برنامه ریزی و اداره می شد. کارگران با اتکا به قدرت وسیع شورائی خویش روزها در این سنگر مقاومت کردند. دولت آرژانتین در مقابل این اقدام جز تسلیم چاره دیگری نداشت و سرانجام نیز در برابر مقاومت کارگران سر تسلیم فرو آورد.

۸۷/۱/۲۴

سرکوب وحشیانه کارگران کشتی سازی « ایران صدرا»

بیشتر کارگران ایران در جریان اخبار مبارزات کارگران « ایران صدرا» در بوشهر در طول ماه های اخیر و به ویژه در روزهای تعطیلی نوروز بوده و هستند. خواست کارگران انصراف کارفرمایان از تعطیل کارخانه و تضمین ادامه کار آنان است. کارگران در روزهای اخیر با تسخیر دروازه ورودی کارخانه و تعطیل کردن همه بخش های

تولید و کار بر خواست های خویش پای فشردند. مقاومت کارگران با حملات وحشیانه دستگاه های اعمال قهر سرمایه مواجه گردید. در همان روزهایی که دروازه کارخانه در تسخیر کارگران اخراجی بود، عوامل حفظ نظم تولیدی و سیاسی و امنیت سرمایه داری سر از پا نشناخته برای خاموش ساختن شعله پیکار کارگران وارد میدان شدند. علی

افراشته استاندار بوشهر، ایمانی امام جمعه شهر و سرهنگ جعفر کیگانی فرماندار دستور حمله به اجتماع توده های کارگر را صادر کردند و با اعزام نیروهای ویژه اعمال قهر صفوف کارگران معترض را از هم پاشیدند. آنان به این کار اقدام کردند تا از این طریق با پرتاب صد ها خانواده کارگری به برهوت سیاه گرسنگی از سودآوری هر

۲. مریم خوبی از هفته نامه نصیر بوشهر
۳. اسماعیل جعفری از هفته نامه نصیر بوشهر
۸۷/۱/۲۴

دستگیر و روانه سپاه چال ساختند. اسامی دستگیرشدگان عبارت است از:
۱. میترا انبارک از هفته نامه بیرمی و هفته نامه دریای جنوب

چه کلان تر و انبوه تر سرمایه ها دفاع کنند. چکمه پوشان مسلح سرمایه در جریان این تهاجم حتی به خبرنگاران حاضر در محیط اجتماع کارگران هم رحم نکردند و حداقل ۳ تن از آنان را

اخراج کارگران « غرب استیل» کرمانشاه

حاضر به تحمل تقاضای افزایش حقوق هیچ کارگری نیست.
۸۷/۱/۲۴

سودهای کلان اندوخته است. علت اخراج کارگران تقاضای آنان برای افزایش دستمزد بوده است! معنای شفاف و صریح این کار آن است که کارفرما با دسترسی به خیل بیکارانی که حاضرند نیروی کار خویش را به هر بهای اندکی بفروشند برای دقیقه ای هم

۲۵ کارگر « غرب استیل کرمانشاه» از کار بیکار شدند و به لشکر عظیم بیکاران جامعه سرمایه داری و دنیای سرمایه پیوستند. کارخانه ایران استیل تولید کننده قطعات خودرو در شهر کرمانشاه است. سرمایه دار صاحب کارخانه از محل استنثار کارگران

کارگران آرد سقز اخراج شدند

می کنند و نیروی تازه نفس ارزان بهاتری را به جای آن ها مورد استنثار قرار می دهند.

معرض اخراج و لاجرم گرسنگی و سیاه روزی قرار می گیرند. کارفرمایان با مشاهده صف طول بیکاران و آمادگی آن ها برای فروش شبه رایگان نیروی کار خویش، کارگران قدیمی را اخراج

کارگران آرد سقز نیز همسان همه همزنجیران خویش به صورت قراردادی کار می کنند و سرنوشت آن ها مطابق معمول این است که در پایان هر دوره قرارداد به بی رحمانه ترین شکلی در

بیکاری جدید هزار کارگر در بروجرد

از هزار کارگر را از کار بیکار کردند. کارفرمایان به جای کارگران اخراجی نیروی کار ارزان بهاتری را برای استنثار در حوزه های سلاخی خویش به کار گماردند.
۸۷/۱/۲۴

اندیشند. در شروع سال جاری با افزایش بیش از پیش بهای ارزاق عمومی و نیازهای اولیه زندگی، عده ای از کارگران در مراکز مختلف کار و تولید خواستار مقدارناچیزی افزایش دستمزد شدند. این خواست کارگران ناگهان آتش خشم ضدبشری کارفرمایان را از همه سو برانگیخت و در طول چند روز بیش

شهر بروجرد شاهد وجود بیش از ۴۰۰ کارگر بیکار است. ۴۰ هزار انسان که برای تأمین معیشت خود جز فروش نیروی کار هیچ راه دیگری ندارند و سرمایه داران نیز با مشاهده وفور این نیرو سواى شکار انسان های مجبورتر، محتاج تر و آماده برای فروش ارزان تر نیروی کار به هیچ چیز دیگری نمی

اخراج کارگران «آب طبس» به جرم تقاضای افزایش دستمزد

اساس حکم صادره دادگاه کارفرمایان کارخانه آب طبس، کارگران به علت ارتکاب دو جرم نابخشودنی یعنی درخواست پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه و تقاضای افزایش دستمزد بیکار شده‌اند.
۸۷/۱/۲۴

داران صاحب کارخانه تصفیه آب طبس در این زمینه همسان سایر سرمایه داران دست به شاهکار زده اند. آنان نه فقط تقاضای افزایش دستمزد کارگران را با اخراج پاسخ داده‌اند بلکه همزمان اصرار کارگران برای دریافت ۴ ماه حقوق معوقه خویش را نیز جرمی مزید بر جرم اول و گناهی کبیره تر از گناه نخست قلمداد کرده اند. به این ترتیب بر

خبرهای رسیده از کارخانه ها و مراکز کار در سراسر ایران تقریباً یکسان است. همه جا کارگران زیر فشار گرسنگی و سیاه روزی خواستار چند ریال افزایش دستمزد هستند و پاسخ کارفرمایان نیز در همه جا چرخاندن شمشیر آخته اخراج بر فراز سر کارگران و فشار دادن لبه تیز این شمشیر بر گردن آنان است. سرمایه

تعویق ۳ ماهه دستمزد کارگران « ایران برک »

کلید حل همه مشکلات از جمله مشکلات کارگران است! آنان در نهایت وقاحت در کنار همین دروغ پردازی عظیم دروغ عظیم تری را هم شب و روز در گوش ما پمپاژ می کنند: این که گویا بخش خصوصی وضعیت خوبی ندارد و به این دلیل قادر به پرداخت دستمزدهای سنار یک غاز کارگران نیست! به کدام حرف اینان باید باور کرد؟! به طور قطع به هیچ کدام. هیچ کارگری نباید خود را اسیر این فریب کاری ها و توهم پردازی های صاحبان سرمایه یا دولت آن ها سازد. معضل در خصوصی یا دولتی بودن سرمایه نیست. کل معضل بشر در اساس موجودیت سرمایه و نظام سرمایه داری است.

نظام جنایتکار سرمایه داری برای وارد ساختن فشار هر چه سهمگین تر بر سطح معیشت کارگران و افزایش هر چه بیشتر سود سرمایه ها است جای تردیدی نیست، اما فراموش نکنیم که سرمایه در هر حال سرمایه است. مشکل هیچ کارگری در هیچ کجای این جهان با تغییر در شکل مالکیت سرمایه حل نمی شود. سود سرمایه خصوصی از سرمایه دولتی کمتر نیست و مالکان خصوصی سرمایه ها به خاطر موقعیت بد اقتصادی شان نیست که پرداخت دستمزدها را به تعویق می اندازند. سالهاست که نمایندگان فکری و سیاسی سرمایه از دولت‌مرد گرفته تا غیردولتمرد از پشت هر تریبونی فریاد می زنند که گویا خصوصی سازی مراکز کار و تولید

۳۰۰ کارگر کارخانه نساجی « ایران برک » سه ماه تمام است که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. تأخیر در پرداخت دستمزده چند سال است که در اینجا نیز همسان همه مراکز دیگر کار و تولید در ایران به امری رایج و شاید هم به بخش جدایی ناپذیری از « قانون » نانوخته « کار » در سرمایه داری ایران تبدیل گردیده است. کارخانه ایران برک ۵ سال تمام است که این بلیه را به طور مستمر بر کارگران خود تحمیل کرده است. عده ای از کارگران عقیده دارند که علت این امر انتقال کارگاه از بخش دولتی به مالکان خصوصی سرمایه است. در صحت این حرف که روند خصوصی سازی کارگاه ها یک بخش برنامه ریزی شده داخلی و بین المللی

اجتماع اعتراضی کارگران « پارس و اشرف » در مقابل فرمانداری قزوین

سرمایه و طبقه سرمایه دار است. کارگر ایران و اشرف باید به قدرت طبقه خود رجوع کند. او باید به سراغ همزنجیران شاغل خود در همه واحدهای کار و تولید دیگر برود. این کارگران هستند که باید با احساس درد او در همه شریان های حیات خویش چرخ تولید و کار را بر سر صاحبان سرمایه و دولت آنها خراب کنند و به یاری همزنجیران اخراجی و بیکار خود بشتابند.

۸۷/۱/۲۱

کار می شوند با درهای بسته و قفل شده کارخانه مواجه می شوند. این امر سبب می شود که کارگران به جای ورود به کارگاه راهی محل فرمانداری شهر صنعتی البرز گردند و در مقابل مقر آقای فرماندار دولت سرمایه داری علیه صاحب سرمایه شکایت کنند. پیداست که کارگران باید به هر اعتراضی دست بزنند، اما این نیز بسیار اساسی و حیاتی است که بردن شکایت دزد پیش رئیس دزدان حلال هیچ مشکلی نیست. فرمانداز شهر البرز نماینده قدرت

سرمایه دار صاحب کارخانه « پارس و اشرف » در یک تصمیم ناگهانی و بسیار اضطرابی حکم به تعطیل کارگاه داده است! چنین به نظر می رسد که استعمار سالیان دراز نیروی کار شبه رایگان جامعه حجم سرمایه های وی را تا آنجا بالا برده است که برای دستیابی به سرمایه گذاری های عظیم تر در حوزه های پرسودتر حتی فرصت اطلاع قبلی به کارگران خود را هم نداشته است. درست به همین دلیل یک روز صبح که کارگران او مطابق معمول راهی محل

اعتصاب مجدد کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران همه بخش های کشاورزی و نی بری شرکت دارند.

۸۷/۱/۲۱

و پاداش ها و سایر مطالبات سال گذشته کارگران اعلام گردیده است. مجتمع نیشکر هفت تپه در سال گذشته شاهد وقوع ۱۱ اعتصاب وسیع کارگران بود. در اعتصاب روز بیستم فروردین نیز

کارگران نیشکر هفت تپه یک بار دیگر به صورت بسیار گسترده و پرشور چرخ تولید و کار را از حرکت بازداشتند. علت اعتصاب اجتناب صاحبان سرمایه از پرداخت حقوق اسفند

۳۰ کارگر شهرداری شهر سقز

ملاک ها، مفاهیم و اصطلاحاتش را از واژه نامه پرشرارت سود و باز هم سود استخراج کرده است. اما همین نظام با تمامی بشرستیزی بی مرز و مهارش در

این است که در تمامی این ۱۰ سال مجبور بوده اند که در چهارچوب قرارداد موقت کار کنند. نظام سرمایه داری تاریخاً همه تعاریف، تعابیر،

شهرداری شهر سقز ۳۰ کارگر را از کار بیکار ساخته است. این کارگران هر کدام بیش از ۱۰ سال تمام برای شهرداری کار می کرده اند و تاسف آور

برخی مناطق دنیا زیر فشار قدرت قهر و خشم توده های کارگر مجبور بوده است که اینجا و آنجا به دستکاری های مصلحت جویانه ای در این مفاهیم و تعبیر دست زد. به طور مثال، اگر کارگری یک سال در جایی کار کرد او را نه کارگر موقت بلکه نیروی کار ثابت یا مستمر آنجا به حساب آرد. نظام

سرمایه داری در شرایط کنونی جهان کلا و در همه جای این دنیا با قدرت تمام حتی همین عقب نشینی های عمیق مصلحتی ناچیز را هم به طور کامل سلاخی می کند. سرمایه داران و دولت سرمایه داری ایران نیازی به این سلاخی ندارند. در جهنم سرمایه داری ایران تاریخاً هیچ نوع عقب نشینی

مصلحتی از جانب طبقه سرمایه دار به نفع توده های کارگر صورت نگرفته است که نیاز به سلاخی داشته باشد. در اینجا جنبش کارگری است که در لحظه لحظه حیات خود سلاخی گردیده است.

۸۷/۱/۲۱

اعتراض کارگران «ایران دروس» قزوین

۳۸ کارگر کارخانه «ایران دروس» ۶ ماه تمام است که حتی یک ریال دستمزد دریافت نکرده اند. کارگران به همین دلیل در حریم امامزاده بی اعجازی به نام «تشکیلات کارگری شهر قزوین» اجتماع کرده و خواستار پیگیری مشکلات خویش از سوی این تشکیلات

شدند! به قول معروف، کل اگر طبیب بودی سر خود دوا نمودی! تشکیلات "خانه کارگر" درمانده تر، ناتوان تر و بی اعتبارتر از آن است که بتواند مشکلات کارگران را حل کند. طنز تلخ ماجر نیز در همین جاست: کارگران ایران از فرط بی پشت و پناهی و بی

قدرتی و استیصال به تشکلی روی می آورند که خود زائده و مزدور سرمایه داری است.

۸۷/۱/۲۱

اعتصاب کارگران آرد زابل

«بیگاری» یا کار بدون هیچ مزد و مواجب جنابیتی از سلسله جنایات بی شمار جلادان فنودال علیه توده دهقان در عصر حاکمیت نظام فنودالی بود. با پیدایش رابطه خرید و فروش نیروی کار و توسعه بردگی مزدی به نظر می رسید که این شیوه سلاخی انسان ها جای خود را به شکل ظاهراً مدرن تری از سلاخی و توحش داده است. نظام سرمایه داری مدعی «خرید کار» بردگان مزدی سرمایه شد و نمایندگان فکری نظام با شلیک زرادخانه های عظیم توهم بافی به مغز کارگران تلاش کردند تا خرید نیروی کار آن ها را «خرید کار» جا بزنند. سرمایه داران و دولت سرمایه

داری ایران اینک این کارزار سترگ توهم بافی را دچار انقلابی عظیم ساخته است. بیگاری و کار بدون هیچ مزد زیر نام «خرید کار» کارگران محتوای این انقلاب بزرگ را در جهنم سرمایه داری ایران تعیین می کند. چند سال تمام است که این روش با یک نرخ رشد سرطانی طول و عرض تمامی مراکز کار و تولید را در ایران به هم دوخته است و صاحبان سرمایه در اعمال آن علیه کارگران از همدیگر سبقت می جویند. سرمایه دار صاحب کارخانه آرد زابل نیز از ۵ ماه پیش با مشاهده ارقام کلان سودهایی که سایر سرمایه داران کشورش از محل بیگاری کارگران می

اندوزند یکسره مبهوت قدرت اعجاز این نوع توحش گردیده و درست از همان تاریخ تا امروز ربالی به هیچ کارگری پرداخت نکرده است.

کارگران آرد زابل اینک در اعتراض به این شرارت کارفرمای خویش که در واقع حلقه ای از زنجیره سراسری شرارت همه صاحبان سرمایه در ایران است دست از کار کشیده اند و اعلام داشته اند که تا حصول کامل ۵ ماه دستمزد معوقه به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

۸۷/۱/۲۰

اعتراض کارگران معدن طبس

کارگران معدن زغال سنگ طبس نزدیک ۳ ماه است که ربالی بابت دستمزد خود دریافت نکرده اند. ۱۲۰۰ کارگر این معدن ضمن اعتراض به این وضعیت اعلام داشته اند که از شروع نیمه دوم سال پیش تا حال تأخیر در پرداخت حقوق ماهانه آنان به امر کامل رایج صاحبان و مدیران معدن تبدیل گردیده است. کارفرمایان معدن کسادی بازار فروش محصولات را دلیل اصلی این تأخیر اعلام کرده اند. چنین به نظر

می رسد که پرداخت مزد کارگر در ایران اندک اندک به آرشیو استثنائات رابطه خرید و فروش نیروی کار می پیوندد. برای این که دستمزد کارگران یک کارخانه پرداخت شود باید شرایط بسیار متنوع و دانماً در حال تزایدی یکجا با هم جمع گردند، به طور مثال:

- کارگران بیکاری که به امید یافتن کار با دستمزد حاضرند مدت ها بدون مزد کار کنند در مقابل کارخانه ها صف نکشند. حادثه ای که در ایران احتمال

وقوع آن منتفی است یعنی سرمایه داران ایران خطر وقوع آن را منتفی ساخته اند.

- حوزه انباشت سودآوری در قیاس با رشته کنونی کار و تولید در پیش روی کارفرمایان قرار نداشته باشد.

- امکان فروش محصولات در بازار با قیمت های احتکاری متضمن ارقام نجومی سود حتماً موجود باشد.

- و غیره.....

راهکار آتش سوزی کارخانه قند ورامین و اخراج ۴۰۰ کارگر

مجموعات سودهای هر چه کلان تر نصیب خود ساختند. سوم این که زیر نام آتش سوزی کارگاه خود را از پرداخت هر نوع دیون خویش به کارگران آزاد کردند، چهارم و بالاخره این که به یمن همه این سودهای هنگفت و موفقیت های یکی پس از دیگری راه را برای پیش ریز سرمایه های کلان تر خود در حوزه های دیگر هموار ساختند.

سرمایه داران صاحب کارخانه قند ورامین به همه این پیروزی ها دست یافتند و در عوض ۴۰۰ کارگر این کارخانه اینک زیر فشار سهمگین گرسنگی زن و فرزند راه به هیچ کجا ندارند.

شیوه رایج همه سرمایه داران و سرشت سرمایه است ترجیح می دهند که سرمایه خود را از این قلمرو به حوزه های پرسودتری منتقل کنند. کارخانه قند ورامین نیز از مدت ها پیش در تدارک اجرای همین نقشه بود. صاحبان کارخانه در این گذر با تیزهوشی خاص طبقاتی شان پرسودترین راه را برگزیدند. قبل از هر چیز کل ساختمان کارخانه را یکجا به آتش کشیدند. آنان با انجام این مهم یک تیر را به سه هدف اساسی شلیک کردند. اول این که ۴۰۰ کارگر کارخانه را اخراج و یک راست به برهوت گرسنگی گسیل داشتند. دوم این که دست به کار تأسیس مجامعات مسکونی در زمین کارخانه شدند و از طریق فروش این

در سال گذشته کارخانه قند ورامین نیز همسان بسیاری از واحدهای دیگر تولید قند و شکر در ایران از تحمل آسیب های اقتصادی ناشی از بحران دامنگیر این صنعت شکایت کرد. داستان چگونگی شروع و توسعه این بحران را تقریباً همه کارگران ایران بسیار خوب می دانند. یک تراست عظیم تجارت قند و شکر متشکل از آقازاده ها و دانه درشت ها مدت ها است که انحصار کل واردات این محصولات را به خود اختصاص داده است و در کارزار رقابت با همتایان طبقاتی خود موفق شده است که بیشترین بخش بازار را از دست آن ها خارج سازد. در چنین وضعی سرمایه داران صاحب واحدهای تولید قند آنچنان که

صنایع پمپ انرژی:

فرار کارفرما از پرداخت مالیات، تعطیلی کارگاه و اخراج کارگران

نیروی کار شبه رایگان ایران، نیروی کار بسیار ارزان تری و البته در وهله نخست یک جمعیت آماده « بیگاران » یا کارگران موقت بی هیچ مزد را مورد استثمار قرار خواهد داد.

است. بایگانی پرونده مالیاتی و رهایی از پرداخت ریالی مالیات طبیعتاً تنها سودی نیست که چشم از صاحب کارگاه را سخت به خود دوخته است. ایشان در کنار این پیروزی از معضل توقعات نازل شماری کارگر قدیمی نیز راحت خواهد گردید و در بازار رقابت هولناک

۳۰ کارگر شرکت تولیدی صنایع پمپ انرژی از کار بیکار شدند. مدیریت کارخانه برای فرار از پرداخت مالیات ترجیح داده است که کارخانه را تعطیل و کارگران را اخراج کند. او در این زمینه از تجربیات بسیار گرانبهای همه همتایان سرمایه دار خویش برخوردار

تجمع کارگران " اشکان چینی" در مقابل اداره کار قزوین

کارگران به صورت معوق فقط و فقط معلول حرص سیری ناپذیر سرمایه برای کسب سود هرچه بیشتر است، حرصی که تنها بر بستر پراکندگی و از هم گسیختگی صفوف کارگران است که این گونه مهار ناپذیر به پیش می تازد.

۱۹/۱/۸۷

او اضافه کرده که شرکت مذکور از وضعیت مالی مناسبی برخوردار بوده و چندی پیش نیز از میلیارد ها تومان وام بهره برده است.

این خبر به خوبی نشان می دهد که این ادعا که تعویق در پرداخت دستمزد کارگران به علت کاهش سود یا ضرر! سرمایه داران است چیزی جز یک دروغ آشکار نیست. حقیقت درست عکس این است: پرداخت دستمزد

بیش از ۱۰۰ کارگر قراردادی کارخانه " اشکان چینی" قزوین صبح امروز در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق و مطالبات معوقه در مقابل اداره کار شهر البرز دست به تجمع اعتراض آمیز زدند.

یک فعال کارگری در قزوین به سایت "دسترنج" گفته است: مدیریت این واحد تولیدی قرارداد های موقت ۲ تا ۳ ماه منعقد کرده و حقوق کارگران خود را به تاخیر پرداخت می کند.

کارگران ایران صدرا قربانیان سودجویی بی مهار سرمایه

کارگر ایرانی در چند بخش صنعتی کشور غیر از بخش اقتصادی عظیمی چون نفت در طول سال ۱۳۸۲ بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان سود خالص برای صاحبان سرمایه تولید کرده اند. کارخانه ایران صدرا نیز یک واحد صنعتی از خیل عظیم صناعی است که این ارقام نجومی سود را تصاحب کرده اند. کارگران ایران صدرا و سایر همزنجیرانشان دیروز با کار شاق خویش این سود ها را برای صاحبان سرمایه تولید کرده اند و امروز کارفرمایان فقط به این دلیل که می‌توانند نیروی کار ارزان تر به چنگ آرند و سود خود را باز هم کلان تر سازند، ۴۰۰ کارگر ایران صدرا و خیل کثیر زن و فرزندان آن ها را به باتلاق گرسنگی پرتاب می‌کنند.

استدلال های عموم صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داران در عبارات بسیار تکراری و همگون فوق خلاصه می‌گردد و بسیار بعید به نظر می‌رسد که هیچ کارگری، حتی کارگر کمتر آگاهی، در دروغین و جعلی و وارونه بودن این حرفها کمترین شکی به خود راه دهد یا تا حال راه داده باشد. در پشت تمامی این لفظ پردازی ها و دلیل بافی ها فقط یک چیز خوابیده است: سرمایه سود بیشتر و بازهم بیشتر می‌خواهد، سرمایه از حوزه کم سودتر به حوزه پرسودتر می‌رود، و نیروی کار هر چه ارزان تر و هر چه شبه رایگان تر کارگران را وثیقه حصول سودهای هر چه عظیم تر و باز هم عظیم تر خود می‌سازد. دلیل اصلی اخراج های گسترده ما فقط این است و تمامی آنچه که سرمایه داران و دولتشان به هم می‌بافند سوای عوام فریبی و دروغ هیچ نیست. بر اساس آمارهای خود نظام سرمایه داری فقط چند میلیون

۴۰۰ کارگر کشتی سازی ایران صدرا در معرض اخراج قطعی گرفته اند و شمار کارگرانی که حتی در همین روزهای اخیر از کار بیکار شده اند، سر به چندین هزار می‌زند. بیکار سازی ها به طور بسیار عادی موج جدیدی از وحشت و هراس را در میان توده های کارگر دامن زده است و واکنش کارگران در همه جا به صورت خشم و نفرت و بیکار علیه صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داران شدت یافته است. پاسخ کارفرمایان و دولت آن ها در قبال تمامی اعتراضات و خشم و مبارزات کارگران فرمولبندی آشنای بسیار یکسانی است: بازار فروش کافی نداریم!! سفارشات لازم را دریافت نکرده ایم!! تولید صرف نمی‌کند!! و مجبور به تعطیل کارگاه هستیم!! اگر عده ای از کارگران را اخراج نکنیم باید همه بساط کار و تولید را جمع کنیم و تمامی کارگران را یکجا بیکار سازیم!!

کارگران ایران صدرا و راهکار تازه بیکار علیه سرمایه

چرخ تولید سود سرمایه را متوقف سازید. اقدام کارگران در همان حال پیامی بسیار شفاف به صاحبان سرمایه بود: وقتی شما با اتکا به قدرت دولتی و طبقاتی خود ما را بیکار می‌کنید ما نیز با توسل به قدرت متحد خود چرخ تولید را از کار می‌اندازیم. ما این کار را بسیار مصمم انجام می‌دهیم حتی اگر کارگر بیکار باشیم.

هستیم. هر جنایت کارفرمایان علیه هر کدام ما جنایتی علیه همه ماست. هر ریال افزایش دستمزد هر کدام ما در گرو مبارزه متحد همه ما است. اخراج و گرسنگی هر کارگر معضل کل کارگران است. وقتی که صاحبان سرمایه ما را از کار بیکار و فرزندان ما را راهی جهنم گرسنگی می‌سازند، شما وظیفه دارید که علیه این شقاوت اعتراض کنید و

۴۰۰ کارگر اخراجی ایران صدر در استان بوشهر دروازه ورودی کارخانه را به تصرف خود درآوردند. آنان در مقابل در ورودی این واحد بزرگ صنعتی اجتماع کرده و از ورود کارگران شاغل به درون کارخانه جلوگیری نمودند. حرف دل این کارگران با همزنجیرانشان این بود که ما تن واحدی از یک طبقه اجتماعی واحد

به بهانه شیوع آنفلوآنزای مرگی کل کارگران کارخانه را از کار بیکار کردند!

وسیع ترین اقدامات پیشگیری می‌گردند. حال به راستی اگر شیوع آنفلوآنزای مرگی در این واحد تولیدی و کل جامعه ایران موضوعی تا این حد بالفعل و جدی است پس چرا در هیچ کجا هیچ اثری از هیچ نوع اقدامات پیشگیری دیده یا حتی شنیده نمی‌شود؟

دولت نماینده و مظهر قدرت او باید پرسید که:

۱. آنفلوآنزای مرگی یکی از مهلک ترین، سریع‌الانتشارترین و پرمرگ و میرترین بیماریها در دنیاست. خطر این بیماری در سطحی از اهمیت است که در همه جوامع به محض مشاهده کمترین علامت شیوع آن بلافاصله دست به کار

یکی از واحدهای مرغداری غرب تهران به بهانه شیوع آنفلوآنزای مرگی کل کارگران را از کار اخراج کرده است. صاحب کارخانه در زمستان گذشته حکم اخراج را در مورد ۲۰۰ کارگر به اجرا نهاد و اینک دامنه شمول حکم را به تمامی کارگران این کارگاه توسعه داده است. از این کارفرما و

سودهای کلان لازم باشد، در غیر این صورت او محکوم به نابودی است. تکمیل این پاسخ، از جمله در رابطه با اخراج کارگران همین واحد معین نیز این است که سرمایه دار با مشاهده نیروی کار شبه رایگان تر مختار و مخیر و مجاز است که کارگران شاغل خود را به باتلاق گرسنگی و مرگ بسپارد.

۴. چرا کارفرما باید آخرین ریال خسارات خود را از آنچه که صندوق دولت نامیده می شود و یا در واقع از محل اضافه ارزش های انبوهی که کارگران تولید کرده اند دریافت دارد اما کارگران نباید از هیچ تضمینی برای معیشت خود برخوردار باشند؟

پاسخ کارفرمایان و دولت آن ها روشن است: کارگر فقط تا جایی حق حیات دارد که نیروی کارش برای تولید

۲. چرا در زمستان گذشته ۲۰۰ کارگر به این بهانه از کار بیکار شدند اما هیچ مرگی در هیچ کجای این کشور به هیچ آنفلوآنزایی دچار نشد؟

۳. فرض کنیم که یک واحد صنعتی دچار نوعی مشکل گردد. چرا باید کارگران آن به دره گرسنگی سقوط کنند؟

اخراج کارگران سد "سیاه زاخ"

اعتراض اینک در شکل صدور حکم اخراج صد کارگر به آنان ابلاغ گردیده است!

(متعلق به اپوزیسیون درونی دولت بورژوازی) کارگران مدتی پیش با سازمان دادن یک اعتصاب ۲۰ روزه خواستار دریافت دستمزدهای معوقه خود بودند. پاسخ کارفرما به این

بیش از ۱۰۰ کارگر قراردادی سد "سیاه زاخ" دیواندره در شرایطی که سه ماه تمام ریالی بابت حقوق و سایر مطالبات خود دریافت نکرده اند از کار بیکار شدند. به گفته گزارشگر سایت دسترنج

چند اعتصاب در کردستان، بازهم برای دستمزد معوقه

دلیل به فعل درنیاوردن و متحد و متشکل نکردن نیروی عظیم سرمایه ستیزش چنان به موضع ضعف افتاده که با آن که می داند آخرماه حقوق ندارد و با آن که برای مخارج زندگی خود و خانواده اش مرتب از این و آن پول قرض می کند اما در عین بیچارگی به طور کاملاً مجانی فعلاً برای سرمایه دار کار می کند به این امید که چندین ماه بعد، آن هم به زور اعتصاب، دستمزدش را از کارفرما بگیرد! این بیچارگی و درماندگی به هزار زبان به ما می گوید که ننگ این زندگی را تنها با متشکل شدن علیه سرمایه می توانیم از دامن خود برداریم.

اکنون کارگاه سد نیز تعطیل شده است. پیش از ایام تعطیلی سال جدید، کارگران سد سیازخ دیواندره به علت عدم پرداخت حقوق معوقه خود که از مهر ماه سال گذشته تا روزهای پایانی سال در حدود ۶ ماه از شرکت طلب داشتند، دست به اعتصاب زدند.

آخرین خبر اعتصاب کارگران سیازخ حاکی از آن است که با وجود پرداخت ۲/۵ ماه از حقوق معوقه کارگران همچنان در اعتصاب به سر می برند و این پروژه به صورت کامل به تعطیلی کشیده شده است.

اعتصاب برای گرفتن دستمزد معوقه از داستان های دردناک و غم انگیز طبقه کارگر ایران است، طبقه کارگری که به

۴۰۰ کارگر شاغل در پروژه سد "گاووشان" کامیاران طی ۱ ماه گذشته دست به اعتصاب زده و ۴ بار نیز در مقابل فرمانداری کامیاران دست به تجمع زده و موفق شدند ۲ ماه از ۴ ماه حقوق معوقه خود را دریافت کنند، اما پرداخت ۲ ماه حقوق باقیمانده آنان به بعد از تعطیلات نوروزی موکول شد. اعتصاب کارگران شاغل در پروژه سد "زیویه"، در کامیاران که از ۱۵ روز قبل در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. مدیران شرکت سازنده سد "زیویه"، ۶ ماه حقوق معوقه کارگران را پرداخت نکرده و وعده پرداخت مطالبات آنان پس از تعطیلات نوروزی را داده اند و

اعتصاب در کارخانه سیمان لوشان

برای پی بردن به دلایل استتکاف سرمایه داران از تبدیل قراردادهای موقت به قراردادهای دائم و ضرورت مبارزه با این پدیده نظام سرمایه داری به مقاله مندرج در همین سایت (بخش مطالبات روز کارگران) تحت عنوان "سرمایه و قراردادهای موقت کار" رجوع کنید.

کشیدند که این امر موجب شد در تولید این مجموعه اختلال به وجود آید و برخی از تعهدات کارخانه با تاخیر به مرحله اجر در آید.

بر اساس گزارشات، دست کم ۵۰ کارگر با قرارداد موقت سال هاست که منتظرند مدیریت آن ها را به استخدام دائم درآورد تا از بلاتکلیفی رها شوند.

کارگران قراردادی سیمان لوشان در اعتراض به مشخص نبودن وضعیت استخدامی خود در اولین روز کاری سال جدید (۸۷) دست از کار کشیدند.

ده ها تن از کارگران قراردادی سیمان لوشان در اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست خود که تبدیل قراردادهای موقت به قرارداد دائمی کار است در اولین روزکاری سال جدید دست از کار

گزارشی از بخش نوزادان بیمارستان میلاد در تهران

رها کرده و بیمارستان را ترک کرده بودند.

برای به دست آوردن آمار نوزادان رها شده، می‌توان منطقه کرج در تهران و تعداد زیاد بیمارستان‌های زنان و زایمان آن را در نظر گرفت. آن وقت متوجه خواهیم شد که فقر و فلاکت و وجود زنان صیغه‌ای و عدم توانایی خانواده‌ها در نگه‌داری فرزندان خود چگونه باعث می‌گردد که هر روز به تعداد این نوزادان رها شده افزوده شود.

منیرالسادات موسوی، کارگر بیمارستان میلاد تهران

۴ فروردین ۸۷

زایشگاه‌ها و بیمارستان‌های زنان و زایمان دید. در بیمارستان میلاد تهران که یکی از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های تهران و ایران است می‌توان شاهد بود که در طبقه دوم - بخش زنان و زایمان - روزانه تعداد ۳ یا ۴ یا حتی بیشتر نوزاد توسط خانواده‌ها و زنانی که توانایی نگه‌داری آنان را ندارند جا گذاشته می‌شوند. این زنان که پس از زایمان به طریق بیمارستان را ترک می‌کنند غالباً زنانی صیغه‌ای هستند که شوهرانشان به آنان تکلیف کرده‌اند که به هر طریقی شر نوزاد خود را کم کنند. در روز اول فروردین ۸۷ در بخش نوزادان بیمارستان میلاد مادران ۴ نوزاد خود را

بیکاری و بیکار سازی و در نتیجه افزایش روزافزون فقر و فلاکت در جامعه توسط سرمایه و عدم توانایی ادامه زندگی خانوادگی و عدم آشنایی بیشتر خانواده‌های زحمتکش با روابط اجتماعی و بالا رفتن روز افزون آمار طلاق به علت بیکار شدن نان‌آور خانواده و بالا رفتن اختلاف خانوادگی و در نتیجه جدایی و وجود زنان صیغه‌ای که بیشتر به خاطر حفظ جان و فرار از گرسنگی و فقر و فلاکت هرچه بیشتر تن به رابطه ناخواسته با مردان می‌دهند، نمود خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد. یکی از موارد این فقر و فلاکت و تن‌فروشی را می‌توان در

اعتصاب ۸ روزه کارگران قزوین

کرسی نشاندن این تهدید در چند مورد بوده است. انگار سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری ایران مصمم هستند تا در رابطه خرید و فروش نیروی کار بدعتی تاریخی را به نام خویش ثبت کنند. محتوای این بدعت جایگزینی بیکاری مطلق توده‌های کارگر برای سرمایه‌به‌جای خرید نیروی کار آنها است. در سرمایه‌داری هیچ گونه بدعت ضدانسانی‌ای جای تعجب ندارد.

27 اسفند ۱۳۸۶

بافت»، «قوه پارس» و «نازنج» چندین بار در مقابل استانداری و سایر مؤسسات دولتی شهر دست به اجتماع زده و خواستار پرداخت فوری حقوق معوقه خود شده‌اند. بنا به گفته ایشان، کارگران معترض و اعتصابی تا لحظه حاضر هیچ پاسخ مثبتی دریافت نکرده‌اند. کارفرمایان و دولت آن‌ها بسیار سرسختانه در مقابل اعتراض کارگران مقاومت کرده و به خواست‌های آنها هیچ‌وقتی نگذاشته‌اند. تنها واکنش صاحبان سرمایه مثل همیشه تهدید کارگران به تعطیل کارخانه و این بار به

به گزارش سایت دسترنج کارگران ۵ واحد بزرگ تولیدی و صنعتی استان قزوین ۸ روز است که به طور پی‌در پی چرخ تولید را می‌خوابانند و برای تحقق مطالبات خویش به اعتراض، تحصن و اعتصاب دست می‌زنند. کارگران خواستار پرداخت ۲ تا ۱۰ ماه دستمزد معوقه و سایر مطالبات پرداخته نشده خویش هستند. «عیدعلی کریمی» کارگر مقیم قزوین در مصاحبه با سایت بالا توضیح داده است که در طول این ۸ روز کارگران کارخانه‌های «پلی اورتان»، «پارس واش»، «پوشینه

کارگران سد آزاد در آستانه اعتصاب

گلی به سر کارگران تحت پوشش خود زده‌اند که سایت دسترنج و منبع خبری‌اش به عنوان و بهانه‌های مختلف آن‌ها را به عنوان بدیل شرکت‌های پیمانکاری مطرح می‌کنند؟ بدیل کارگران در مقابل شرکت‌های پیمانکاری نه سرمایه‌داری دولتی بلکه مبارزه با سرمایه‌داری به طور کلی برای الغای استثمار و بردگی مزدی است.

۲۷ اسفند ۱۳۸۶

البته همان‌گونه که منبع خبری سایت دسترنج گفته طبیعی است که کارگران مسئول مستقیم تأخیر در پرداخت دستمزدشان را شرکت پیمانکار بدانند. و شرکت‌های پیمانکار نیز به راستی دست همه کلاهبرداران را از پشت بسته‌اند. اما اولاً دولتی که نعره مستضعف‌پناهی‌اش گوش فلک را کر کرده است در اینجا چه کاره است؟! و چرا حق و حقوق کارگران را از این شرکت‌های کلاهبردار نمی‌گیرد؟ ثانیاً مگر دولت و شرکت‌های سرمایه‌داری دولتی چه

به گزارش سایت دسترنج ۵۰۰ کارگر قراردادی شاغل در «سد آزاد سندج» اعلام کرده‌اند که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد دست به اعتصاب خواهند زد. این کارگران زیر نظر یک شرکت پیمانکاری کار می‌کنند و این شرکت را مسئول تأخیر پرداخت دستمزدهای خود می‌دانند. کارگران ۲ روز را به عنوان ضرب‌العجل پرداخت مزدها تعیین نموده و تأکید کرده‌اند که در پایان این مهلت اعتصاب خویش را آغاز خواهند کرد.

کارگران قطعات فولادی به دلان نیروی کار سپرده شدند

بیشتر حق و حقوق اولیه کارگران به نفع سرمایه است. بر اساس خبرها او پیش از این در کارخانه کفش ملی و کارخانه های بحران زده دیگر در سطحی وسیع این سیاست ها را علیه کارگران اعمال کرده و در این گذر اعتماد کافی صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری را به خود جلب کرده است. "شادبخش" اضافه کرده که کارگران برای مدتی با تمامی توان در مقابل تصمیم کارفرما مقاومت کرده اند. اما اخراج شماری از همکاران آنان و تهدید همه کارگران باقی مانده به اخراج و بیکاری راهی برای پایداری بیشترشان باقی نگذاشته است.

27 اسفند ۱۳۸۶

بیکاری همه آن ها به دست دلان نیروی کار می افتد.

آنچه در مورد کارگران کارخانه قطعات فولادی رخ داده است حادثه ای است که در بسیاری جاهای دیگر نیز در شرف وقوع است. به طور مثال کارگران برخی واحدهای دیگر نورد قطعات فولادی به طور مکرر از این که به سرنوشت همزنجیران خود در واحد صنعتی بالا دچار شوند ابراز نگرانی کرده و علیه چنین تصمیمی اعتراض کرده اند. «مدیر منابع انسانی» جدید کارخانه از جمله کسانی است که در تحمیل این نوع شیوه های تشدید استثمار بر کارگران سابقه بس "درخشانی" دارد. او ظاهراً از خبرگان و متخصصان صاحب نام در سلاخی

به گزارش سایت دسترنج، متعلق به تشکل های "کارگری" وابسته به اپوزیسیون درونی دولت بورژوازی ایران، اعتراض کارگران «کارخانه قطعات فولادی» به تصمیم «مدیریت منابع انسانی» کارخانه پیرامون ارجاع استخدام نیروی کار به شرکت های آدم فروشی موسوم به پیمانکاری بدون هیچ نتیجه ای پایان یافت. کشمکش میان کارگران و صاحب کارخانه بر سر این موضوع برای مدتی به دراز کشید. کارگران به اقدام کارفرما سخت معترض بودند و خواستار انصراف او از احاله استخدام خویش به شرکت های واسطه بودند. "قلی شادبخش" به سایت مذکور گفته است که ۲۰۰ کارگر در این کارخانه به صورت قراردادی مشغول کارند که از این پس سرنوشت اشتغال و

تجمع کارگران کارخانه لامپ الوند

زیر فشار فقر نیروی کارشان را به ارزان ترین بها بفروشد کارگران حاضر خود را بیکار و به باتلاق گرسنگی پرتاب می کند. با سرعت از شهری به شهری و از کشوری به کشور دیگر نقل مکان می کند و در این انتقال به تنها چیزی که نمی اندیشد زندگی کارگر و خانواده اوست. سرمایه از عرصه صنعت به تجارت، از تولید دارو به فروش مواد مخدر، از خرید و فروش کتاب های درسی به تجارت سکس یا هر منجلاب دیگری می رود صرفاً به این خاطر که سود بیشتری به چنگ آورد. انجام همه این کاره جزء جدایی ناپذیری از سرشت سرمایه است.

سر کار خود هستند. بر اساس گفته وی مدیریت کارخانه زیر فشار اعتراضات کارگران تلاش دارد تا شاید زمان بیمه بیکاری آنان را تمدید کند اما کارگران از این اقدام سخت ناراضی هستند و در اعتراض به ادامه بیکاری به طور دسته جمعی در مقابل ساختمان کارخانه اجتماع کرده اند. کارگران در جریان این تجمع، توطئه سرمایه دار صاحب کارخانه را محکوم کردند و خواستار بازگشت خویش به کار، دریافت حقوق اشتغال و دریافت جریمه ناشی از بیکار شدن خود شدند.

سرمایه به دنبال سود بیشتر به هرکاری دست می زند. از حوزه کم سودتر با سرعت تمام به حوزه پرسودتر پرواز می کند. به محض یافتن کارگرانی که

کارگران کارخانه لامپ الوند قزوین در اعتراض به اتمام بیمه بیکاری و بلا تکلیفی شغلی خود در مقابل این واحد تولیدی دست به تجمع زدند. سرمایه دار صاحب کارخانه لامپ الوند به حکم طبیعت سرمایه و در جستجوی سود بیشتر یک سال قبل تصمیم گرفت به جای لامپ دست به کار تولید ظروف یکبار مصرف گردد. او قبل از هر چیز نیمی از کارگران را از کار بیکار کرد و آنان را برای مدت یک سال به سازمان تأمین اجتماعی ارجاع داد. «عید علی کریمی» برای نشریه «دسترنج» توضیح داده است که این مدت اکنون به پایان رسیده است. بیمه بیکاری کارگران اخراجی در شرف قطع است و آنان خواستار بازگشت به

مرگ یک کارگر در کارخانه سیمان خزر لوشان

فقط با نابودی سرمایه از میان می رود. مرگ جوانشیر بشارتی، کارگر مکانیک کارخانه سیمان خزر لوشان، نمونه دیگری از ویژگی ذاتی این نظام انسان کش است.

دگرگون شود. در این دنیای وارونه، کارگران و زحمتکشانشان برای صاحبان سرمایه بهشت درست می کنند اما خود از حداقلی که شایسته زندگی یک انسان شریف است محرومند. و این ویژگی ضدانسانی در ذات سرمایه نهفته است و

این دنیای وارونه سرمایه، این نظام نابرابر و جابرانه ستم، که بر پایه مالکیت خصوصی و استثمار و بهره کشی انسان از انسان و بردگی مزدی بنا گشته و همواره در گوشه و کنار جهان کارگران را به اعماق مرگ فرو می برد، باید

تغییر اوضاع و ایجاد وضعیت بهتر در تلاش و تقلا بود و این روحیه مبارزه طلبی از او چهره یا حق طلب و دوست داشتنی ساخته بود. او در جمع کارگران از محبوبیت و احترام خاصی برخوردار بود. افسوس و دریغ که او دیگر در جمع ما نیست. یادش گرامی باد.

احمد کارگر، فعال جنبش کارگری

۸۶/۱۲/۱۵

در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۵ در لایه لای دستگاه الواتور سیمان جان باخت بی آن که حتی فرصت فریاد کشیدن و طلب کمک را پیدا کند. همکاران جوانشیر پس از ساعت‌ها تلاش پیکر خرد و خمیر و غرقه در خون او را از درون خروارها سیمان بیرون کشیدند و او را به بیمارستان منتقل کردند. ما چه سود! جوانشیر در میان راه جان باخته و چشم از جهان فرو بسته بود.

جوانشیر بشارتی از آن دسته کارگران معترض و پیشرو بود که همواره برای

کارخانه سیمان خزر لوشان در سال ۱۳۵۶ تاسیس و راه اندازی شد. این کارخانه روزانه حدود ۲۰۰۰ تن سیمان تولید می‌کند. حدود ۹۰ درصد کارگران این کارخانه به صورت پیمانی و قراردادی کار می‌کنند. این کارخانه قبلاً وابسته به سازمان صنایع بود اما به علت بدهی زیاد به سازمان تامین اجتماعی فروخته شد.

جوانشیر بشارتی، که در آستانه بازنشستگی بود و در انتظار دریافت برگه بازنشستگی خود به سر می‌برد،

کارخانه تولید صنعتی هود در استان گیلان

همان چندرغاز دستمزد کارگران را هم پرداخت کند. کارگران تا کنون چند بار اعتراض کرده و در مقابل دفتر وی تجمع کرده اند اما با توپ و تشر و تهدید او مبنی بر اخراج کارگران مواجه شده اند.

اما با ورود به تعاونی آهنگران رشت و عضویت در هیئت مدیره آن توانست از دو نرخی بودن آهن و زدویند با تعاونی و فروش آهن در بازار سیاه به ثروت هنگفتی برسد. او، با آن که در قراردادهای خود مبلغ قرارداد را تا پایان مهلت قرارداد طی سه مرحله از طرف مقابلش دریافت می‌کند، حاضر نیست

کارخانه تولید صنعت هود که در زمینه تولید قطعات پل و راه سازی فعالیت می‌کند و اخیراً با راه آهن قرارداد بسته دارای ۸۰ کارگر است که از شهریور ۸۶ تا کنون دستمزد خود را دریافت نکرده اند. صاحب این کارخانه، باباعلیان، آهنگر مقاطعه کاری است که در اوایل دهه ۶۰ سرمایه کافی نداشت

در اداره جهاد کشاورزی استان گیلان

تراکتورها، حجت پسند در جهاد استان گیلان بود.

۳ دستگاه توزیع و ۴۴ دستگاه دیگر به بهانه این که سهمیه استان مازندران است با قیمت آزاد در بازار مازندران به فروش رسید. مسئول توزیع این

چندی پیش قرار بود اداره جهاد کشاورزی استان گیلان تعداد ۴۷ دستگاه تراکتور را بین خانواده های شهدا و جانبازان استان توزیع کند. از این تعداد،

خودکشی یک مادر زحمتکش زیر فشار فقر

خودکشی کرد و به زندگی خود خاتمه داد.

صاحب خانه و به علت نداشتن پول پیش برای کرایه خانه با خوردن قرص برنج

حاجیه قناعتی، مادر زحمتکشی که سرپرستی نوه ها یا دختری خود را در رشت به عهده داشت، در اثر فشار

چینی سازی گیلان

توضیح است که این کارخانه به همت کارگران و مقاومت آنان در برابر بیکاری مجدد شروع به تولید کرده و اخیراً تولیدات آن در بازارهای ماوراء قفقاز مشتری پیدا کرده است.

کارگران، یک نفر از خانه کارگر و رئیس سازمان ورشکستگی، توافق شد که با دریافت یک وام ۲۲۰ میلیون تومانی از دولت این کارخانه نیمه ورشکسته را سرپا نگه دارند. لازم به

کارخانه چینی سازی گیلان (ایرپرسلان سابق) : پس از نشست مشترک بین تحریری نماینده رشت در مجلس، معاون استاندار، حنیف رئیس اداره کار، خسرو سیاری نماینده

کارخانه بهشیر در شهر صنعتی سیاهکل

روزانه این کارخانه یک شیف ۱۲ ساعته است. به کارگران باسابقه ماهی ۱۵۰ هزار تومان و به کارگران

محصولات این کارخانه شیر و ماست و دوغ است که بیش از ۵۰ درصد آن ها از شیرخشک تامین می‌گردد. زمان کار

کارخانه بهشیر واقع در شهرک صنعتی سیاهکل دارای ۳۵ کارگر بومی است که بیشتر آنان زن هستند.

قراردادی کم سابقه (که اکثراً زن هستند) ماهی ۶۰ الی ۷۰ هزار تومان دستمزد پرداخت می‌شود. کارگران سرویس

ایاب و ذهاب ندارند. به آنان صبحانه و نهار داده نمی‌شود. بیمه نیستند و هنگام آمدن نمایشی مامور بیمه مجبورند خود

را پنهان کنند و الا اخراج می‌شوند. کارفرما فردی به نام حاجی لاهیجی است.

کارخانه کلوجه امید

- کارگاه تولیدی کلوجه امید نیز در شهرک صنعتی سیاهکل قرار دارد. ۱۵ نفر کارگر دارد که بیشتر آنان زن هستند. زمان کار، یک شیفت ۱۲ ساعته

است. دستمزد ماهانه کارگران ۱۵۰ هزار تومان در ازای ۱۲ ساعت کار روزانه است. کارگران سرویس ایاب و ذهاب دارند، ما تمامی آنان فاقد بیمه

هستند و هنگام ورود مامور بیمه با هماهنگی و توصیه سرپرست کارگاه خود را مخفی می‌کنند.

مراسم بزرگداشت « صفر یگانه » کارگر کارخانه فرش گیلان توسط کارگران

جمعه سوم اسفند ۱۳۸۶ مراسم چهارم "صفر یگانه"، کارگر فرش گیلان، در منطقه "گیل پرده سر" در جاده رشت- سنگر بود. حدود چهار نفر از همکاران سابق وی همراه با اهالی محل در این مراسم شرکت کرده بودند. صفر کارگر مهربان و دلسوزی بود که در اواخر دی ماه امسال در حالی که برای گرم کردن خود به لوله آگروز یک لودر چسبیده بود با حرکت لودر به عقب به طرز فجیع و

دلخراشی در زیر چرخ‌های لودر کشته شد. مالک لودر در دادگاه ادعا کرده که صفر قصد خودکشی داشته و به همین دلیل به پشت لودر او رفته است. او می‌خواهد به این ترتیب از دادن خون بهای او فرار کند. خانواده صفر هم پول ندارند وکیل بگیرند. در میان کارگران همکار سابق صفر در کارخانه فرش گیلان، کارگری به نام امیری از محبت‌های او و محبوبیت اش هنگام مبارزه با

کارفرما و مدیران کارخانه سخن می‌گفت. او مثال می‌زد که زمانی که خود وی (امیری) خانه نداشت صفر به او پناه داده و یکی از اتاق‌های خانه خودش را در اختیار وی و زن و بچه اش قرار داده بود. یا این که بارها به مشکل مالی برخورد و صفر به وی کمک کرده بود. صفر یگانه نه تنها به همکاران خود بلکه در حد توانش حتی به بچه محل‌ها ای خود نیز کمک می‌کرد.

کارخانه کف کار گیلان

- کارخانه کف کار: قبل از بارش برف سنگین امسال در رشت به کارگران این کارخانه نفری یک میلیون تومان بابت دستمزد معوقه آن‌ها پرداخت گردید. در حال حاضر حدود ۲۰۰ نفر از کارگران این کارخانه در انتظار تعیین سرنوشت خود و بازگشایی کارخانه هستند. از این تعداد ۵۰ نفر در حدود بازنشستگی هستند. لازم به ذکر است که کارفرما ۱۷ ماه حق بیمه کارگران را به تامین اجتماعی بدهکار است و این خود مانعی بر سر راه بازنشستگی این کارگران است.

طلب هر کارگر بابت دستمزد معوقه تا مهرماه ۸۶ چهار میلیون و پانصد هزار تومان است که تا کنون دو میلیون تومان آن دریافت شده است. هم چنین کارگران دستمزد معوقه بهمین و اسفند و عیدی و پاداش امسال خود را طلب کارند.

در حال حاضر یک تریلر مواد اولیه جهت تولید وارد کارخانه شده و قرار است ۵ تریلر دیگر وارد شود. کارگران سه هفته قبل از بارش برف سنگین امسال یعنی در آذر ماه دستگاه ه را سرویس کاری و آماده شروع تولید کرده اند.

این‌ها همه ناشی از پیگیری و استمرار مبارزه و مقاومت کارگران در مقابل دسیسه‌ها و توطئه‌های کارفرما و ضرب و شتم کارگران در چند دور تجمع در کارخانه و اداره صنایع و استانداردی بود. در این میان، چنان که در گزارش‌های قبلی آمده، دو تن از کارگران این کارخانه اقدام به خودکشی کردند و جان خود را از دست دادند که خبر آن در رسانه‌های عمومی انعکاس یافت. انعکاس اخبار مبارزات این کارگران چه در سطح محلی و چه در سطح سراسری و یا از طریق سایت‌های کارگری نیز تا حدودی توانست اتحاد و مبارزه این کارگران و مقاومت آنان در مقابل کارفرما را آشکار سازد. کارگران کف کار با درس آموزی از شکست‌ها و اشتباهات کارگران ایران الکتریک، فرش گیلان، فومنات و خاور توانستند به رغم مشکلات فراوان مبارزات متحدانه خود علیه سرمایه را پیش ببرند.

اسپانسر کارخانه (جزایری عرب) اعلام کرده که بانک تجارت طبق قول اصغریان مدیر کل صنایع و معادن استان با حدود ۳ میلیارد تومان وام برای راه اندازی کارخانه موافقت کرده و قرار است بخشی از این وام تا پایان سال ۸۶ و بقیه در اوایل سال ۸۷ پرداخت شود.

در طول این مدت، کارگران مبلغ دو میلیون تومان پول بن خود را نزد نمایندگان خویش نگه داشته اند تا صرف هزینه‌های پیگیری شکایت و طی کردن مراحل حقوقی و قانونی اموری چون توقیف اموال کارخانه در ازای طلب کارگران گردد.

کارخانه نساجی پارس ایران - رشت

تحقیر کارگران روبه رو گردید، اما با کمال وقاحت نزد کارگران رفته و از آنان خواست تا مانع خروج ۲ دستگاه خشک کن پارچه از کارخانه، که به مبلغ ۴۰ میلیون تومان به چند سرمایه دار اصفهانی فروخته شده است، نشوند. کارگران مانع خروج این دو دستگاه تا قبل از دریافت حقوق معوقه خود شده اند.

اداره کار نوشت و خواستار احقاق حقوق این کارگران شد. به دنبال این پیگیری و پافشاری کارگران، در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۴ جواد افراشته به کارخانه آمد و قول داد دستمزد معوقه و عیدی و پاداش این کارگران و هم چنین ۶ نفر از نگهبانان قراردادی را تا تاریخ ۸۶/۱۲/۱۸ بپردازد. گرچه افراشته پس از ورود به کارخانه با بی‌اعتنایی و

در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۲ ده نفر از کارگران رسمی این کارخانه که متعلق به جواد افراشته است به استانداری گیلان مراجعه کردند و خواستار دریافت دو ماه حقوق معوقه خود (بهمین و اسفند) به اضافه عیدی و پاداش سال ۸۶ از کارفرما شدند. استانداری در پاسخ به درخواست کارگران دو نامه یکی برای اداره صنایع و معادن و دیگری برای

کارخانه ایران برک

کارگران بازگشتند تا این مسئله را با همکاران خود در میان گذارند و دسته جمعی به چاره جویی بپردازند.

خود با معاون استاندار به مذاکره پرداختند. اما این مقام استانداری، کارگران را بی جواب گذاشت و هیچ اقدامی برای حل مشکل آنان انجام نداد.

رشت: در تاریخ ۸۶/۱۲/۱۲، ۴ نفر از کارگران این کارخانه به نمایندگی از طرف سایر کارگران به استانداری مراجعه و در مورد ۵ ماه دستمزد معوقه



اخبار جنبش کارگری بین‌المللی:

تظاهرات اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در کشورهای مختلف

روز اول ماه مه در مسکو

تن فروشی زنان و اجبار کودکان به کار بوده است.

نمایش اعتراضی بزرگ کارگران در لبنان در روز اول ماه مه

بیش از ۲۰۰۰ کارگر لبنانی صبح روز اول ماه مه در شهر بیروت دست به تظاهرات و راه پیمایی زدند. زنان و دختران در این راه پیمایی حضوری فعال و بسیار چشمگیر داشتند. راه پیمایان پرچم سرخ انترناسیونال با خود حمل می کردند. آنان با خشم و نفرت زیاد علیه دولت « فؤاد سینیوره » شعار می دادند و خواستار افزایش فوری دستمزدها برای همه کارگران بودند. حداقل دستمزد ماهانه در لبنان چیزی معادل ۲۰۰ دلار آمریکا است که در شرایط استیلاهی هولناک گرانی ها برای نان روزانه خانواده های کارگری هم کفاف نمی دهد. یکی از شعارهای محوری تظاهرات روز اول ماه مه کارگران لبنانی این بود: « آنچه اکنون مردم را می کشد خلاء قدرت نیست بلکه فقدان مواد غذایی است.»

مجسمه « لنین » در میدان « کالوگا » ی شهر مسکو شروع و به میدان مجسمه کارل مارکس ختم گردید ضمن حمل پرچم سرخ انترناسیونال این شعار را فریاد می زدند: « به گرسنگان نان بدهید و گر نه قدرت را به کارگران بسپارید ». کارگران در تظاهرات دیگری که در « سن پترزبورگ » (لنین گراد) به راه انداختند دولت بورژوازی را آماج شعارهای اعتراضی خود قرار دادند.

سرمایه داری روسیه در چند سال اخیر یکی از بالاترین نرخ رشدهای اقتصادی را در سطح بین المللی داشته است، نرخ رشد اقتصادی بسیار چشمگیری که بنا به سرشت سرمایه از محل فشار هر چه سهمگین تر بر سطح زندگی و دار و ندار توده های کارگر روسیه و توده های کارگر کل جهان نصیب سرمایه داران روس شده است. حاصل این رشد برای طبقه کارگر روسیه سقوط هر چه هولناک تر در ورطه گرسنگی و فقر و

تظاهرات اول ماه مه با حضور چشمگیر کارگران در شهرها و مناطق مختلف روسیه بر گزار گردید. فقط در شهر مسکو بیش از ۳۰۰۰۰ کارگر در میتینگ های مختلف شرکت کردند. در این روز حدود ۵۰۰۰ کارگر در کنار مجسمه کارل مارکس در مسکو اجتماع کردند. « گنادی زیوگائف » رهبر « حزب کمونیست » روسیه یکی از سخنرانان این اجتماع بود. او گفت که بیش از یک سوم توده های کارگر روسیه به طور واقعی در گرسنگی محض به سر می برند. دستمزد سالانه این بخش از کارگران چیزی معادل ۱۳۵ یورو یا حتی کمتر است.

سطح نازل دستمزدها و فشار گرانی های سرسام آور ناشی از تعرض سرمایه به نان بخورنمیر طبقه کارگر موج اعتراضات و اعتصابات کارگری را به ویژه در طول سال اخیر در نواحی مختلف روسیه دامن زده است. در روز اول ماه مه بیش از چند هزار کارگر در یک راه پیمایی بزرگ که از مقابل

اول ماه مه در فیلیپین

چندین هزار کارگر فیلیپینی در روز اول ماه مه به خیابان ها آمدند تا خشم و اعتراض خویش علیه شدت استثمار، گرسنگی، فقر و سیه روزی های فزاینده ناشی از موجودیت و استیلای نظام سرمایه داری را بر سر و روی زمامداران و حاکمان سرمایه داری فرو ریزند. دولت سرمایه داری فیلیپین برای کنترل و سرکوب این تظاهرات حدود ۱۲۰۰ پلیس ضد شورش و ۴۰۰ نفر از نیروی ارتش کشور را بسیج کرده بود. کارگران از سه نقطه مختلف شهر «مانیل» آغاز به راه پیمایی کردند و سپس همه آن ها در نقطه ای مجاور کاخ رئیس جمهوری اجتماع کردند. اعتراض علیه تشدید وخامت وضعیت معیشتی و خواست افزایش دستمزد محتوای اصلی و غالب شعارهای کارگران بود.

کارگران صربستان و تظاهرات اول ماه مه

کارگران شهرهای مختلف صربستان (یوگسلاوی سابق) در روز اول ماه مه با تشکیل صفوف طولانی مراسم این روز را برگزار کردند. در شهر بلگراد چند هزار کارگر در جریان تظاهرات خویش علیه دولت صرب شعار دادند. آنان به سطح نازل دستمزدها، فشار سرسام آور گرانی ها و شرایط بسیار دشوار معیشتی توده های طبقه خویش اعتراض کردند و دولت را به دلیل تحمیل این وضعیت بر کارگران سخت به باد حمله گرفتند.

آمریکا

بیش از ۲۵۰۰۰ کارگر در ۲۹ بندر سواحل غربی آمریکا با وجود این که روز چهارشنبه از طرف دادگاه به آن ها ابلاغ شد که حق ندارند روز اول ماه مه کار را تعطیل کنند، براساس تصمیمی که در ماه فوریه اتخاذ کرده بودند از حق کارگری خود برای تعطیل اول ماه استفاده کردند و با تظاهرات علیه جنگ خواهان پایان فوری جنگ شدند. کارمندان شاغل در بنادر که اغلب برای شرکت های خارجی بزرگ کار می کنند از همراه شدن با همکاران کارگر خود خود داری کردند و در سرکارهای شان حاضر شدند.

باب مک ال رات رئیس اتحادیه ILWU در سخنانی - البته نه از موضع رادیکال کارگری - اعلام کرد که توده های کارگر تصمیم دموکراتیک خود را در اوایل فوریه برای این اقدام گرفتند اما کارمندان از موضع کارگران حمایت نکردند زیرا آن ها که با شرکت های بزرگ کار می کنند فقط در فکر پول هستند اما کارگران این طور نیستند و با آن ها فرق دارند. ما به آمریکا وفادار هستیم. ما جنگی را که نیروهای نظامی ما، کشور ما و اقتصاد ما را ویران کرد نمی خواهیم. جنگی که برای ما ۳ تریلیون دلار خرج برداشت. اکنون زمان به پا خاستن است و ما امروز سهم خود را انجام می دهیم.

همان گونه که می بینیم ال رات از موضع میهن پرستی به مسئله نگاه می کند و از نیروهای نظامی "ما" و اقتصاد "ما" سخن می گوید. از کی نیروهای نظامی دولت جنگ افروز و سرکوبگر آمریکا نیروی کارگران محسوب شده اند؟ آیا ننگه داری و مخارج هنگفت این نیروها جز این که بار سنگینی بر دوش کارگران باشد حاصلی دیگری برای طبقه کارگر داشته است؟ آیا در تمام طول تاریخ ایالات متحده نیروها و یگان های نظامی آن جز کشتار و سرکوب در تمام جهان کار دیگری کرده اند؟ هنوز که هنوز است بمب های فروریخته در ویتنام پیدا می شوند و نمونه های دیگر این شرارت ها کم نیست. این نیروها نیروهای مدافع سرمایه اند و برای منافع سرمایه به اقصی نقاط جهان فرستاده می شوند. نیروهای نظامی همواره در خدمت طبقه حاکم و ماشین سرکوب داخلی و خارجی آن هستند.

این جنگ و هر جنگ دیگری که جریان دارد یا در آینده برای منافع سرمایه آغاز خواهد شد هم باید محکوم شود و هم باید بلافاصله پایان گیرد، اما از موضع رادیکال کارگری. از طریق عدم شرکت کارگران در ساخت وسایل جنگی، از طریق سرپیچی کارگران حمل و نقل زمینی و دریایی و هوایی در انتقال سلاح ها و مهمات آن، از طریق عدم شرکت کارگران در جنگ به عنوان سرباز و غیره. و نه فقط از موضع مخارج جنگ بلکه از موضع همبستگی با توده مردم کارگر و زحمتکش کشوری

که این نیروها آن را تخریب و از هستی ساقط می کنند.

ترکیه

در ترکیه تظاهرات در روز کارگر ممنوع اعلام شد. با وجود این کارگران در محله تقسیم که در مرکز شهر استانبول قرار دارد و از نظر سیاسی مکان مهمی برای کارگران است اجتماع کردند. اهمیت این مکان به این دلیل است که در اول ماه مه سال ۱۹۷۷ اجتماع کارگران مورد حمله پلیس قرار گرفت و در اثر آن ۴۰ نفر از شرکت کنندگان در گردهمایی کشته شدند.

حدود ۳۰۰۰۰ نیروی امنیتی برای جلوگیری از تظاهرات کارگران و فعالان کارگری به حالت آماده باش در آمده بودند. آن ها با خودروهای مسلح، گاز اشک آور، اسپری فلفل و ماشین آب پاش منطقه را در محاصره گرفتند. درگیری ساعت ها ادامه داشت و طی آن ۸ نفر به شدت زخمی شدند و ۵۰۰ نفر نیز دستگیر گردیدند.

روسیه

۳۰۰۰۰ نفر در مسکو در راه پیمایی روز کارگر شرکت کردند.

جاکارتا

۱۰۰۰۰ نفر در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند.

باتکوک

در باتکوک کارگران شرکت کننده در تظاهرات روز کارگر خواهان افزایش حداقل دستمزد شدند.

یونان

در اول ماه مه کارگران بخش حمل و نقل و خدمات عمومی اعلام یک اعتصاب ۲۴ ساعته کردند.

قابل ذکر است که اولاً در بسیاری از کشورهای اروپایی اول ماه مه روز کارگر نامیده نمی شود بلکه به آن روز کار می گویند! دوماً روزهای دیگری از هفته اول ماه مه را تعطیل اعلام می کنند تا هم از پذیرش روز جهانی کارگر که به زعم آن ها سنتی سوسیالیستی است خودداری کنند و هم امکان همبستگی جهانی کارگری را منتفی سازند.

مه ۲۰۰۸

کارگران حمل زباله در استکهلم، اعتراض علیه سرمایه و اتحادیه کارگری مطیع سرمایه

ذریب در پاسخ خبرنگاران جویای چگونگی ماجرا اظهار داشت که قرار است برای بررسی مشکل یک گروه کاری تشکیل گردد! خبرنگار مذکور به دنبال شنیدن حرف اتحادیه با یکی از کارگران گفتگو کرد. کارگر مذکور که در بهشت دموکراسی و قانونمداری و قانونسالاری سرمایه و در سرزمین اقتدار عظیم ترین اتحادیه های کارگری و یک قرن حاکمیت سوسیال دموکراسی از ترس اخراج و بیکاری و تحمل قهر سرمایه قدریه افشای نام خود نبود پاسخ داد که: تشکیل گروه کاری حلال معضل نیست. ما خواستار تغییرات جدی شرایط کار و تعیین یک سقف معین و مناسب میزان کار هستیم.

مه ۲۰۰۸

اتحادیه کارفرمایان هیچ سقف محدود کننده میزان کار برای این کارگران وجود ندارد. دریافت هر کرون دستمزد بیشتر در گرو زمان کار طولانی تر، شدت و سرعت بیشتر کار و در یک کلام فرساینده‌گی مرگبارتر ناشی از کارمزدی است. کارگران از مدت ها قبل مسؤلان اتحادیه متبوع خود را زیر فشار گذاشته اند که برای پایان دادن به این وضعیت تلاش کنند، اما اتحادیه خود یکی از سه ضلع مثلث تدوین این « قانون» و اعمال آن بر کارگران حمل زباله است. کارگران در روز اول ماه مه با سازمان دادن نمایش بزرگ بالا فریاد خشم خویش علیه سرمایه و اتحادیه کارگری عصای دست سرمایه داران را به گوش همه توده های کارگر سوئد و کارگران سراسر جهان رساندند. متعاقب اجرای این نمایش از سوی کارگران حمل زباله، یکی از نمایندگان اتحادیه

در روز اول ماه مه کارگران حمل زباله در شهر استکهلم پایتخت کشور سوئد با اجرای مراسمی پرشکوه توجه تمامی شرکت کنندگان در مراسم این روز را به خود جلب کردند. شمار کثیری از کارگران سوار بر ۵۰ کامیون حمل زباله در خیابان های مرکز استکهلم به حرکت در آمدند و یک قطار طولانی اعتراضی را علیه کارفرمایان و اتحادیه کارگری همدست آن ها در طول چند خیابان به راه انداختند. کارگران مدت هاست که به شرایط بسیار وخیم کار خویش اعتراض دارند. آنان به کرات اعلام کرده اند که قادر به تحمل شرایط فرساینده و مرگبار کنونی کار خویش نیستند. روزها به دلیل ساعات طولانی و پرمشقت کار هیچ فرصتی برای حداقل استراحت و گفتگوی لازم با افراد خانواده خویش را پیدا نمی کنند. بر اساس توافق اتحادیه های کارگری و

۵۰ زن کارگر در شعله های آتش سرمایه سوختند

مراکش بر پایه همین منطق فاقد هر نوع وسائل ایمنی بوده است. کارگاه به همین دلیل دچار حریق می شود و ۵۰ کارگر زن در لایه لای شعله های آتش سرمایه جان خویش را از دست می دهند. صداها کودک به سوگ مادران خویش می نشینند و همزمان به خیل گرسنگان نظام بشرکش سرمایه داری می پیوندند.

مه ۲۰۰۸

است که امروز آخرین قطره های خون کارگر را برای باروری هر چه بیشتر کشتزار سود بکنند، اگر او زنده ماند فردا هم همین کار را می کنند و همین فاجعه را بر او تحمیل می نمایند، در غیر این صورت یعنی اگر کارگر زیر فشار کار یا در اثر سوانح و مشقات ناشی از شرایط هولناک کار از بین رفت، کارگران فراوان دیگری را با بهای ارزان تر نیروی کار به زنجیر استثمار می کشند. کارخانه تشک سازی

این فاجعه سیاه در کشور سرمایه داری مراکش رخ داده است. محل وقوع حادثه یک کارخانه تولید تشک بوده است. در محل کار این ۵۰ زن کارگر از بهداشت محیط کار و وسائل ایمنی مورد نیاز کارگران هیچ خبری نبوده است. سرمایه داران مراکشی نیز درست همسان سرمایه داران ایرانی هیچ گاه به این فکر نمی کنند که کارگر امروزشان زنده بماند تا فردا هم برایشان کار کند و ارزش اضافی تولید کند. منطق آنان این

اعتصاب کارگران راه آهن در مسکو

روسیه حکم به «غیرقانونی»! بودن آن داده اند. سال هاست که توده های کارگر کشورهای اروپای غربی و شرقی عاصی از مهار مبارزات خویش توسط اتحادیه های سلاح دست سرمایه و مایوس از حداقل همکاری این نهادها در مبارزه با سرمایه داران، شیوه امتناع از رجوع به اتحادیه، توسل به سازماندهی خودجوش اعتصاب ها و اعمال قدرت

نیژنی نووگراد و مناطق واقع در این مسیرها دچار اختلال جدی شده و ازدحام بیش از حد مسافران در ترمینال های راه آهن مسکو مشکلات بسیار زیادی را به دستگاه های مسؤل دولتی تحمیل کرده است. اعتصاب در آستانه روز کارگر و مراسم همبستگی انترناسیونالیستی کارگران جهان به وقوع پیوسته است و مقامات دولتی

کارگران ۱۴ حوزه مختلف کار در راه آهن شامل رانندگان، کارگران نظیف، بلیط فروشان و ... با طرح مطالبات معیشتی و رفاهی خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در خارج از مدار دخالت و تصمیم اتحادیه سازمان یافته و در همان لحظه شروع ۲۶ قطار بین شهری را از حرکت باز داشته است. خطوط مواصلاتی میان شهرهای مسکو،

علیه صاحبان سرمایه را در پیش گرفته اند. این اعتصاب ها به طور معمول آماج تهاجمات مشترک دولت ها، طبقه سرمایه دار و اتحادیه های کارگری قرار گرفته و می گیرند. مثلث مالکان سرمایه، دولت سرمایه و اتحادیه های سلاح دست سرمایه در همه جا این

اعتصاب ها را « وحشی» قلمداد می کنند، کارگران را به جرم مبارزه برای تحمیل مطالباتشان بر سرمایه و به جرم تلاش برای اعمال قدرت جمعی علیه سرمایه داران آدم های وحشی می خوانند و به زندان و شکنجه و پرداخت جریمه های سنگین محکوم می کنند. با

همه این ها در طول این چند سال شمار این نوع اعتصاب ها در همه این کشورها، حتی در کشورهای اسکانندیناوی که حوزه بیشترین یکه تازی های رفرمیسم راست اتحادیه ای است، به صورت خیره کننده ای رو به افزایش بوده است. مه ۲۰۰۸

همکاری کارفرمایان، دولت و اتحادیه کارگری کانادا علیه کارگران

۹۰۰۰ کارگر راننده اتوبوس، قطار، مترو، باجه های بلیط فروشی، بخش های مکانیک، تاسیسات و کل سیستم حمل و نقل شهری تورنتو کانادا خواستند تا با آوردن نیروی خویش به صحنه جدال مطالبات روز خود را بر صاحبان سرمایه تحمیل کنند. این مطالبات عبارت بود از: افزایش دستمزد، بهبود وضعیت بازنشستگی و بیمه سوانح و صدمات محیط کار.

در این میان، اتحادیه کارگری منطقه ۱۱۳ به روال معمول همه اتحادیه ها، جریان مذاکرات را از بالای سر کارگران به پیش می برد. کارگران در انتظار اعلام خیر مذاکرات دقیقه شماری می کردند تا در صورت تمرد کارفرمایان زنگ شروع اعتصاب را به صدا در آورند و متعاقب آن کل سیستم حمل و نقل شهری را از کار ببندازند. اتحادیه ها در تشخیص مصالح سرمایه به اندازه کاردان ترین نمایندگان سیاسی و فکر سرمایه داری هشیارند. آن ها تمامی وظایف مزدوری را با همه این کاردانی ها و هشیاری ها یکجا در وجود خود جمع دارند. در لحظه وقوع

اعتصاب سران اتحادیه سراسیمه به میان کارگران آمدند و بدون این که توافق هیچ کارفرمایی را در هیچ زمینه ای برای قبول هیچ کدام از مطالبات بالا به دست آورده باشند اعلام کردند که توافق کامل در همه زمینه ها حاصل گردیده و بنابراین هیچ اعتصابی نباید به وقوع بپیوندد. کارگران از اعتصاب منصرف شدند اما چند روز بعد دریافتند که سران اتحادیه مطابق معمول، زندگی، مطالبات و جنبش آنان را یکجا به صاحبان سرمایه به ارزان ترین قیمت فروخته اند. ۳٪ اضافه دستمزد ماهانه تنها چیزی بود که کارفرمایان با نخوت و تفرعن به این جماعت قول داده بودند و تازه این قول را در زمانی می دادند که به استیصال و فروماندگی اتحادیه کارگری در خاموش ساختن شعله های اعتصاب یقین داشتند. خبر برای کارگران دردآور بود، به گونه ای که با یک اکثریت ۶۰ درصدی حکم آغاز اعتصاب را به زور بر رؤسای خودفروخته اتحادیه تحمیل کردند. اعتصاب در نیمروز ۲۶ آوریل شروع شد. اما در روز بعد ناگهان دولت

بورژوازی با اعلام « قانون» ضدکارگری مورد توافق اتحادیه های کارگری و کارفرمایی یعنی « قانون بازگشت به کار» اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد و کارگران را که تا آن لحظه توسط مزدوران اتحادیه چی به اندازه کافی تضعیف، متفرق و سردرگم شده بودند مجبور به پایان اعتصاب ساخت. مطابق این «قانون» که مورد تأیید و حمایت اتحادیه کارگری نیز هست دولت حق دارد هر زمانی که منافع سرمایه ایجاب کند اعتصاب اعلام شده توسط اتحادیه کارگری را بدون قبول هیچ یک از خواست های کارگران الغاء و کارگران را به زور به سر کار بازگرداند. جنبش اتحادیه ای در همه جای دنیا به این نوع قوانین منحننگین که حتی سر سوزنی اعتبار و حیثیت برای خود اتحادیه ها هم باقی نگذاشته و نمی گذارد تن داده است. دلیل این کار هم روشن است. اتحادیه ها نوکر سرمایه اند و اعتبار آنها قرار نیست اعتبار خارج از مدار مصالح سود اندوزی سرمایه باشد.

آوریل ۲۰۰۸

ادامه اعتصاب کارگران پالایشگاه های انگلیس

شرکت نفت انگلیس (BP) اعتراف کرد که زیر فشار موج کوبنده اعتصاب بزرگ کارگران پالایشگاه Grangemouth مجبور شده است تمامی فعالیت خط لوله مهم انتقال نفت فوریتز پایپ لاین (Forties Pipeline) را متوقف کند. خط لوله مذکور وظیفه انتقال روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت یا در واقع نیمی از کل تولید یک میلیون و نیم بشکه ای روز کشور

را به عهده دارد و نفت استخراج شده در دریای شمال را به حوزه خلیج « کرودن» در جنوب جزیره انگلیس هدایت می کند. با توقف این خط لوله ۴۲ کیلومتری به طور قطع اختلال بسیار گسترده ای در سیستم انتقال سوخت انگلیس روی خواهد داد.

شمار کارگران حدود ۱۲۰۰ نفر است. آنان خواستار افزایش دستمزد ماهانه خود هستند و همزمان با ۴۰۰ هزار

همزنجیر معلم خویش دست به اعتصاب زده اند. در طول ۷۰ سال اخیر این نخستین بار است که کارگران با اعتصاب خود این پالایشگاه و خطوط انتقال نفت را به طور کامل از کار می اندازند. میزان خسارتی که هر روز زیر فشار اعتصاب بر کارفرمایان و دولت وارد می شود به رقم ۵۰ میلیون پوند (۱۰۰ میلیون دلار) بالغ می گردد.

بر اساس اعلام خبرگزاری ها، «گروه نفت و گاز بریتانیا» متشکل از ۶۰ شرکت بزرگ نفت و گاز از جمله «شورون»، «کونوکو»، «فیلیپس»، «اکسون»، «موبیل»، «هس امریکا»، «او ام وی اتریش»، «رویال داچ شل»، «توتال فرانسه» و مانند این ها دولت انگلیس را زیر فشار قرار داده اند که برای پایان دادن به اعتصاب دست به کار شود. این شرکت ها مطابق عرف سرمایه و به شیوه رایج همه مؤسسات و انحصارات سرمایه داری، در مقام ستاد فرماندهی تعیین کننده چند و چون کار

همه دولت های موجود دنیا به دولت «گوردون براون» اخطار کرده اند که ۸۰ شرکت مختلف تحت پوشش آن ها قرار نیست متحمل هیچ زیانی شوند! حرف آن ها بسیار صریح این بوده و این است که دولت ها وجود دارند تا نظم تولیدی و سیاسی سرمایه را تضمین کنند و توده های کارگر معترض به بربریت سرمایه داری را سر جای خودش بنشانند. «گوردون براون» در پی این اخطار یک بار دیگر به صد ها هزار کارگر معلم و نفت و کارگران دیگر در حال اعتصاب توصیه کرده که به جای

مطالبه دستمزد بیشتر بهتر است به کارهای تولیدی و آموزشی بپردازند! پاسخ کارگران به این گفته های شرم ور دمیدن بسیار نیرومندتر در شیپور اعتصاب بوده است. اتحادیه های کارگری از همه سو در تلاشند تا موج اعتصاب را در باتلاق مذاکرات سازش با کارفرمایان و دولت آن ها خفه کنند. این کار تا کنون با شکست مواجه شده است.

آوریل ۲۰۰۸

غلبه کارگران کانادا بر توطئه سازش اتحادیه کارگری

کارگران حمل و نقل شهری «تورنتو» توطئه سازش اتحادیه کارگری متبوع خود با صاحبان سرمایه را خنثی کردند. چند روز پیش در لحظاتی که کارگران برای تحمیل مطالبات خویش بر کارفرمایان در تدارک آغاز اعتصاب بودند، رهبران اتحادیه اعلام کردند که با کارفرمایان و صاحبان سرمایه به توافق رسیده اند. اتحادیه به طور همزمان مدعی شد که محتوای توافق عجالتاً محرمانه است و کارگران برای اطلاع از آن باید مدتی منتظر بمانند! شنیدن این حرف یک سؤال را برای هر شنونده صاحب عقل سلیم پیش می آورد که مگر ممکن است کسانی به خود جرأت دهند و زیر نام نمایندگی کارگران چنین وقیحانه سخن بگویند؟ اگر قرارداد در مورد مطالبات عاجل توده های کارگر منعقد شده و اگر قرار است کارگران اراده مصمم خویش برای اعتصاب را با توجه به مفاد این قرارداد باطل سازند چرا باید سرمایه داران و دولت و اتحادیه چی های مزدور آن ها همگی از محتوای توافق مطلع باشند اما فقط کارگران به طور کامل از آن بی اطلاع بمانند؟ این سؤال طبیعتاً بسیار منطقی، مطرح و جدی است. اما برای یافتن پاسخ کافی است به خاطر آوریم که ما داریم از اتحادیه کارگری یعنی ابزار تحمیل بردگی مزدی بر کارگران صحبت می کنیم و نهاد ایفای چنین نقشی قرار نیست به معیارها و موازین انسانی پای بند باشد. به هر حال اتحادیه حمل و

نقل تورنتو از اعلام علنی مفاد قرارداد سرباز زد و در پی آن با دسیسه چینی بسیار تلاش کرد تا از طریق پاکاران و عمله و اکره خاص سازمان یافته اش بخشی از توده های کارگر را فریب دهد و به قبول قرارداد متقاعد کند. توطئه اتحادیه اما توسط کارگران نقش بر آب گردید. ۶۰٪ کارگران با اطلاع از مفاد توافق، اقدام اتحادیه را مورد اعتراض قرار دادند. آنان اعلام کردند که اعتصاب تنها راه است. فریاد خشم و اعتراض کارگران سردمداران سرمایه پرست اتحادیه را سخت سراسیمه کرد و برای یافتن راه چاره به دست و پا انداخت. آن ها پیش تر اعلام کرده بودند که در صورت وقوع اعتصاب ۴۸ ساعت قبل خبر آن را به اطلاع عموم خواهند رساند تا از این طریق مردم برای تنظیم برنامه ایاب و ذهاب خود در سطح شهر برنامه ریزی کنند. اما موج فشار کارگران بر اتحادیه چنان کل حساب و کتاب اینان را بر هم ریخت. آن ها خود را با وضع بسیار دشواری مواجه یافتند. اگر شمشیر سرمایه را از غلاف بیرون کشند و در مقابل موج رو به طغیان اعتصاب مقاومت کنند، قدرت کنترل جنبش نیرومند کارگران را از دست خواهند داد و در این صورت جواب سرمایه را چه دهند؟ و اگر با موج اعتصاب همراه شوند باز هم در پاسخ سرمایه چه گویند و مزدورمنشی نهادین خود به نظام سرمایه داری را چگونه اثبات کنند. سران اتحادیه در پیچ

و خم این تناقضات و سراسیمگی ها سرانجام به خاطر آوردند که وظیفه آن ها به سان گردانندگان هر نهاد دیگر نظم سرمایه ترجیح منافع درازمدت نظام بردگی مزدی بر منافع کوتاه مدت تر این بخش و آن بخش سرمایه داران است. آنان در این راستا فکر کردند که باید بسیار عوامفریبانه با کارگران معترض همسویی نشان دهند تا از این طریق شانس کنترل مبارزات و به بن بست کشاندن اعتصاب در گام بعدی را از دست ندهند. اتحادیه چنان در همان حال به خود اطمینان دادند که این اقدام آنان با استقبال صاحبان سرمایه نیز مواجه خواهد شد و بالاخره بر پایه همه این محاسبات بود که به شروع اعتصاب کارگران در صبح روز شنبه ۲۶ آوریل رضایت دادند. اتحادیه چنان در تکمیل خدمتگزاری های خود به سرمایه داران در لحظات آخر زشت ترین تهمت ها را هم نثار کارگران و توده های فرودست جامعه کردند. آنان همه جا شایع کردند که علت اعلام شتاب زده اعتصاب هراس از مردم و نگرانی از حمله شهروندان به رانندگان بوده است! معنای این حرف آنان این است که کل شهروندان و طبعاً همه توده های کارگر چماق کشتان سرمایه علیه همزنجیران خویش هستند!

آوریل ۲۰۰۸

۴۰۰۰۰۰ معلم انگلیسی وارد اعتصاب شدند

بنا بر اعلام اتاق بازرگانی انگلیس ۶۸ میلیون پوند به صاحبان سرمایه خسارت وارد خواهد ساخت.

آوریل ۲۰۰۸

اند. معلمان خواستار افزایش حقوق هستند. دولت انگلیس از قبول خواسته های آنان سر باز زده و افزایش حقوق را موجب بالا رفتن قیمت ها دانسته است! استدلال بی پایه دولت سرمایه داری با نکوهش و اعتراض گسترده معلمان مواجه شده است. این اعتصاب

اعتصاب معلمان انگلیس آغاز شد. ۴۰۰ نفر دست از کار کشیدند و در همان دقایق نخست ۸۰۰۰ مدرسه را به طور کامل تعطیل کردند. جزمعلمان، کارگران گارد ساحلی، مربیان آموزش رانندگی، شاغلان مراکز کارایی نیز به اعتصاب پیوسته و دست از کار کشیده

اعتصاب در « ولوو »

رفرمیسم راست اتحادیه ای راه و رسم ستیز با بردگی مزدی را از یاد برده اند اینک در مقابل موج تعرض سرمایه سخت مستأصل و مبهوتند. آنان به جای طرح مصمم و خشمگین خواسته های خویش، به جای اعمال قدرت علیه سرمایه، به جای تکیه بر قدرت سترگ طبقاتی همزنجیرانشان، آری به جای همه این کارها و راهکارها، شیوه کارهیئت های عزاداری را پیشه می کنند، زانوی غم به سینه می گیرند و مسیر راه پیمایی را در سکوت محض خویش مه آلود می سازند، تا جایی که رهگذران از فهم واقعیت ماجرا عاجز می مانند. به راستی که اتحادیه ها در خاموش ساختن شعله های آگاهی و عصیان و قهر ضد سرمایه داری طبقه کارگر جهانی دست کمی از دستگاه های قهر و سرکوب و توحش سرمایه در بخش های دیگر دنیا نداشته اند و ندارند.

آوریل ۲۰۰۸

روز چهارشنبه ۲۳ آوریل شرکت ولوو اعلام کرد که بخش بدنه سازی اتوبوس در تمپره سوئد را در اواخر ماه اوت خواهد بست و در نتیجه ۲۳۰ کارگر کارخانه که بین ۱۰ تا ۴۰ سال در اتوبوس سازی با به طور کلی در ولوو سابقه کار دارند، بیکار خواهند شد. ولوو می خواهد کارخانه را به ورشو منتقل کند. در آن جا کارگران غیرماهر را با دستمزد ماهانه ای حدود ۸۵۰ یورو به کار گیرد و قرار است تولید را به ۸۰۰ اتوبوس در سال برساند. رقم بالا به طور تقریب فقط ۳۵٪ دستمزدی است که هم اکنون به کارگران سوئدی می پردازد.

عصر چهارشنبه ۲۳/۴/۲۰۰۸ حدود صد کارگر ولوو به عنوان اعتراض در یک راه پیمایی به صورت تشییع جنازه! شرکت کردند و در سکوتی دردناک راه پیمودند. به گفته یک کارگر بعضی از لحظات تظاهرات و مارش چنان غم انگیز بود که نومیدی کارگران شعله های خشم آنان را به عقب می راند. کارگرانی که ده ها سال زیر فشار

کنسرن عظیم ولوو در سال ۱۹۱۵ در سوئد تاسیس شد. بخش اتومبیل ولوو در سال های اخیر در شرکت فورد ادغام شده است. گروه تولیدی ولوو اتوبوس، کامیون، قایق، کشتی، ماشین های راه سازی، موتورهای صنعتی، موتور جت برای هواپیماهای جنگی کشورها و قطعات لازم هواپیماها را تولید می کند. کامیون ماک و رنو نیز به این شرکت تعلق دارند. تعداد کارکنان کنسرن ولوو در سراسر جهان در سال ۲۰۰۷ برابر با ۱۰۰ هزار نفر بوده و فروشی برابر با ۲۳۱۲۲ میلیارد کرون داشته است. ولوو از سال ۱۹۹۵ تا امروز هر سال شمار زیادی از کارگران را اخراج و بیکار کرده است. بالا رفتن مستمر بارآوری کار در این کنسرن یک عامل اصلی این بیکارسازی ها بوده است. در طول این مدت به رغم کاهش شمار کارگران، میزان تولید ولوو در بخش های مختلف رشدی غول آسا داشته است و سود خالص سالانه آن از ۳ تا ۴ میلیارد در شروع دهه ۹۰ به نزدیک ۳۰ میلیارد دلار در سال های اخیر رسیده است.

کارگران بنادر فرانسه اعتصاب می کنند

سراسری در فرانسه در طول سال های اخیر از همه جاهای دیگر اروپا بیشتر و چشمگیرتر بوده است. یک دلیل مهم این امر نفوذ بسیار محدودتر اتحادیه های کارگری در این کشور در قیاس با سایر کشورهای اروپای غربی و شمالی است.

آوریل ۲۰۰۸

تحمل بدترین شرایط کاری و بیشترین میزان بی حقوقی بر کارگران بنادر با هدف افزایش بیشتر سود سرمایه ها نیز مسئله ای است که در دستور کار دولت سرمایه داری قرار دارد. اقدام اخیر دولت موج جدید اعتراض کارگران را دامن زده است و کارگران بنادر فرانسه اعلام کرده اند که برای مدت ۲۴ ساعت دست از کار خواهند کشید. شورش ها و خیزش های کارگری عظیم و گاه

دولت سرمایه داری فرانسه سلاخی تمامی دستاوردهای روزگار پیشین جنبش کارگری این کشور را با حداکثر شتاب ممکن به پیش برده است و می برد. افزایش سن بازنشستگان، کاهش مشاغل آموزشی و از بین بردن بسیاری از امکانات مدارس از جمله مواردی بود که چندی قبل آتش خشم توده های کارگر را دامن زد. برنامه دولت سارکوزی برای تغییر وضعیت بنادر کشور و

اعتصاب معلمان انگلیس ۸ هزار مدرسه را تعطیل می‌کند

کننده در تاریخ ۲۰ سال اخیر انگلیس به طور کامل بی سابقه است.
آوریل ۲۰۰۸

آخرین گزارشات شمار مدارس محکوم به تعطیل را تا ۸۰۰۰ اعلام کرده اند. اعتصاب در اعتراض به سطح نازل دستمزدها صورت گرفته و به لحاظ میزان گستردگی و شمار معلمان شرکت

پیش تر صحبت از این بود که در روزهای اعتصاب معلمان انگلیس حدود ۲۰۰۰ مدرسه در این کشور به طور کامل تعطیل خواهد شد. خبرها اکنون حکایت از سیر صعودی ارقام دارد.

اعتصاب بزرگ معلمان در انگلیس

مطلوب خود بهای کالاها را چند متر چند متر به قله گرانی می رانند اصلاً باعث گرانی نمی شوند! جغد شوم سرمایه در گوش کارگران جهان کثیف ترین نوع خرافه پردازی ها را نجوا می کند و مدعی است که گویا افزایش یک سنت دستمزد اضافی به حقوق روزی یک دلار کارگر بنگالی و هندی و ایرانی به گرانی بهای ارزاق منجر می شود! ما تبدیل بی امان و مستمر محصول کار چند میلیارد کارگر دنیا به سرمایه و فشار بشردستیز این سرمایه ها برای تبدیل آخرین بازمانده قوت لایموت طبقه کارگر به سود و بازهم سود سرمایه های تولید شده اصلاً مایه هیچ نوع گرانی نیست! تار و پود نظام سرمایه داری از وقاحت و انسان ستیزی سرشته شده است و محتوای استدلال های مدافعان آن جز این نمی تواند باشد.

آوریل ۲۰۰۸

روز پنجشنبه آغاز می شود و تا حصول نتیجه ادامه می یابد. دولت سرمایه داری انگلیس به رسم تمامی دولت های سرمایه داری جهان و به شیوه همه نمایندگان فکری و سیاسی سرمایه، با وقاحت بسیار بی مانندی اعلام کرده اند که افزایش دستمزدها موجب گرانی ارزاق عمومی خواهد شد. دولت سرمایه در راستای طرح و سرهم بندی همین خزعبلات از معلمان خواسته است که به جای تقاضای افزایش دستمزد اهل حرف و گفتگو باشند!

از دید مزدوران و عمال جنایت پیشه سرمایه، چند میلیارد کارگر دنیا که هر کدام چندین برابر بهای نیروی کارشان اضافه ارزش تولید می کنند و کار اضافی و سودهای کلان تولید شده توسط آن ها سر به آسمان می زند، اگر یک ریال به دستمزدشان اضافه شود فاجعه گرانی پدید می آید! ما سرمایه ها که در هر دور بازتولید خود عظیم تر و فربه تر می شوند و برای نرخ سودهای

معلمان ۲۰۰۰ مدرسه در انگلیس دست به اعتصاب می زنند. اعتصاب بخش اعظم انگلیس و منطقه «ولز» را فرا خواهد گرفت و در تاریخ ۲۰ سال اخیر این کشور از لحاظ وسعت تأثیر و کثرت شمار معلمان اعتصابی کاملاً بی سابقه خواهد بود. خواست اعتصاب افزایش دستمزد است، موضوعی که با مخالفت دولت سرمایه داری انگلیس و وزارت آموزش و پرورش آن رو به رو شده است. سطح حقوق معلمان انگلیسی از سال ۲۰۰۴ تا امروز سیر قهقراپی داشته و هر چه بهای حداقل معیشت توده های کارگر فزونی گرفته، دستمزدهای آنان رو به کاهش نهاده است. اعتصاب همه سطوح آموزشی را زیر فشار موج خود می گیرد. فقط ۱۰۰۰ مدرسه راهنمایی به طور کامل تعطیل خواهد گردید. روزنامه گاردین می نویسد که تنها در ناحیه مرکزی انگلیس شمار مدارس تعطیل در روزهای اعتصاب از مرز ۱۳۶ خواهد گذشت. اعتصاب از

کارگران پست آلمان اعتصاب خویش را آغاز کردند

پس از اول ماه مه، روز جهانی کارگر، به راه می افتد. در این روز کارگران پست ۱۶ ایالت آلمان به موج مبارزات جاری همزنجیران خویش ملحق می شوند. کارفرمایان تا امروز حاضر به قبول خواست های کارگران نشده اند. آنان اعلام کرده اند که ۵ / ۵ درصد افزایش دستمزد و ۳۸ / ۵ ساعت زمان کار هفتگی چیزی است که می توانند حول آن مذاکره کنند.

آوریل ۲۰۰۸

با شروع اعتصاب سیستم ارتباطات پستی کشور از هم پاشید و میلیون ها شهروند آلمانی از دریافت محموله های پستی خویش محروم ماندند. ادامه اعتصاب روال کار مؤسسات مختلف جامعه را نیز وسیعاً دچار اختلال خواهد ساخت و مشکلات اقتصادی و اجتماعی انبوهی را به دنبال خواهد آورد.

کارگران پست اعلام کرده اند که در صورت امتناع کارفرمایان از قبول مطالبات بالا دامنه اعتصاب را توسعه خواهند داد. موج دوم اعتصاب یک روز

چند هزار کارگر پست آلمان از صبح روز دوشنبه بیست و یکم آوریل در چند شهر مهم این کشور دست از کار کشیدند و اعلام کردند که تا رسیدن به همه مطالبات خویش به اعتصاب ادامه خواهند داد. خواسته های کارگران عبارت است از:

۱. حداقل ۷٪ افزایش دستمزد
۲. کاهش ساعات کار به سطح ۳۸ ساعت در هفته

جنبش کارگران مهاجر در فرانسه

غیرقانونی! و آماج بیشترین فشار قهر و توحش سرمایه را به خوبی حدس زد. این کارگران دیری است که برای اخذ پروانه رسمی حق سکونت در فرانسه به اشکال مختلف تلاش و مبارزه می کنند. آنان در روزهای اخیر برای تحقق خواست خود دست به اعتصاب زده و از همه شهروندان خواستار حمایت مؤثر شده اند. این مبارزات تا زمان حاضر به جایی نرسیده است، به طوری که هنوز هم بیش از ۵۰۰ کارگر پروانه اقامت ندارند.

آوریل ۲۰۰۸

این کارگران نه فقط خودشان که چند نسل گذشته آنان نیز توسط سرمایه های فرانسوی به بربرمنشانه ترین شکلی استثمار شده اند و نسل بعد از نسل استثمار می شوند. با این وجود بخش اعظم آن ها مجبورند به صورت نفرین شدگان دوزخ سرمایه در بیغوله های دوردست و محله های مطرود فاقد حداقل امکانات زیستی ساکن باشند و با بیکاری و گرسنگی و تحقیر و همه بلیه های قهری سرمایه دست و پنجه نرم کنند. این وضع تازه موهبتی است که نظام سرمایه داری به توده کثیر کارگران دارای پروانه اقامت تفویض کرده است! از همین جا می توان تکلیف انبوه کارگران محکوم به اقامت

شمار کارگران مهاجر که بدون هیچ پروانه اقامت و بدون داشتن هیچ نوع حق و حقوق ابتدایی انسانی در کشور فرانسه سخت ترین شکل استثمار سرمایه را تحمل می کنند زیاد است. وضعیت طبقه کارگر علی العموم در همه جای جهان رقت بار است. کارگران مهاجر در تمامی جوامع محل اقامت خویش در میان توده های همزنجیر خود وضعیتی باز هم بدتر دارند و در این میان توده کارگر مهاجر فاقد هر نوع پروانه اقامت و شرایط معمولی حیات از همه درناک تر و رقت بارتر است. جنبش کارگران مهاجر در فرانسه در طول سال های اخیر برای همه مردم دنیا پدیده آشنایی است. غالب

اعلام اعتصاب کارگران در پالایشگاه های انگلیس

دولت سرمایه داری این کشور را عامل مصائب و بدبختی های خویش می دانند. اعتصاب کارگران بر اساس پیش بینی فعالین آن ها یک ماه به درازا خواهد کشید و در این مدت مشکل تهیه مواد سوختی در قیاس با حالا باز هم بیشتر خواهد شد. آوریل ۲۰۰۸

همین شرایط موجود به اندازه کافی آنان را کلافه کرده و مشکلات معیشتی زیادی را بر آنان تحمیل نموده است. آنان می دانند که با شروع اعتصاب کارگران پالایشگاه ها اوضاع بازهم بدتر و وخیم تر خواهد شد. توده های کارگر انگلیس از مطالبات کارگران پالایشگاه ها جانبداری می کنند. آنان

کارگران پالایشگاه های انگلیس در اعتراض به سطح پائین دستمزدهایشان اعلام کرده اند که به اعتصابی طولانی مدت دست خواهند زد. خبر اعتصاب کارگران موج نگرانی همه شهروندان انگلیسی را دامن زده است. رعب و هراس مردم به این دلیل است که فشار گرانی سرسام آور بهای سوخت در

آزیر اعتصاب کارگران حمل و نقل کانادا و سراسیمگی اتحادیه کارگری

غیرقانونی» یا به بیان درست طبقاتی و کارگری اش با کوبیدن لگد به چهارچوب قانون سرمایه چرخ کار را از حرکت بازداشتند. اتحادیه کارگری پس از وقوع اعتصاب اعتراف کرد که در تمامی طول تدارک آن، از سوی کارگران نسبت به آنچه جریان داشته به طور کامل بی اطلاع مانده است. اتحادیه با اعلام غافلگیر شدن خود از آستان قدرت سرمایه پوزش خواست و به طور ضمنی تعهد سپرد که از این پس بیشتر مواظب جنب و جوش توده های کارگر خواهد بود و برای جلوگیری از وقوع مبارزات کارگری و زیان های احتمالی صاحبان سرمایه تلاش بسیار وسیع تری را سازمان خواهد داد. آوریل ۲۰۰۸

بالاخره اینک اتحادیه کارگران حمل و نقل تورنتو کانادا نیز مفتخر است که در خدمتگزاری به بورژوازی از دیگران عقب نمانده است. این اتحادیه موفق شده است که با جلب رضایت کارفرمایان به ۳٪ افزایش حقوق سالانه کارگران طومار اعتصاب ۹۰۰۰ راننده قطار و اتوبوس و مترو و کارگران باجه های فروش بلیط را در هم پیچد.

در همین جا یادآوری این نکته نیز مهم است که کارگران حمل و نقل تورنتو در سال ۲۰۰۶ در خارج از مدار دخالت اتحادیه کارگری و در واقع دور از چشم کنترل و نظارت عمال این نهاد یک اعتصاب بسیار گسترده را سازمان دادند. آنان به صورت «

پدیده موسوم به « اتحادیه کارگری» در همه جای دنیا نقش یکسانی را ایفا می کند. رفع خطر مبارزات کارگران از سر سرمایه وظیفه مهمی است که در سراسر جهان توسط این نهادها ایفا می شود. چند روز پیش در خبرها خواندیم که چگونه اتحادیه سراسری کارگران نروژ آتشکده مشتعل اعتراض کارگران را یکبار به گلستان سرمایه تبدیل کرد. در سوئد هم اکنون همه تلاش اتحادیه ها این است که مبارزات گسترده کارگران پرستار را به باتلاق سازش سوق دهند. در آلمان اتحادیه ها شکست پشت سر شکست را بر جنبش کارگری تحمیل کرده اند. در فرانسه به رغم نفوذ بسیار اندکشان بالاخره ضربه جدی به موج عصیان کارگران وارد ساختند. و

ادامه اعتصاب کارگران معدن مس در شیلی

است. سود خالص شرکت در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۱/۳۴۴ میلیون دلار گزارش شده است. اتحادیه کارگری شیلی به رسم متعارف همه اتحادیه های کارگری دنیا دست به کار رایزنی برای پایان دادن به اعتصاب و رفع خطر مبارزات کارگران از سر سرمایه است. اتحادیه در همان حال اعلام کرده است که هیچ مسئولیتی را در قبال خرابکاری ماشین های حفاری، که گفته می شود توسط کارگران قراردادی انجام شده است، به عهده نمی گیرد.

آوریل ۲۰۰۸

تهاجم نیروی پلیس ضد شورش و قوای سرکوب سرمایه قرار گرفته است. کارگران اعلام کرده اند که در مقابل جنایات سرمایه عقب نشینی نخواهند کرد و اعتصاب را تا تحقق کامل همه خواسته هایشان ادامه خواهند داد. سازماندهی اعتصاب به صورت خودجوش توسط خود کارگران صورت گرفته است. آنان در نخستین دقایق شروع اعتصاب معدن مس شیلی را به طور کامل اشغال کردند.

شرکت کودالکو Codelco یا همان شرکت معروف مس شیلی بیش از ۴۷۰۰۰ کارگر را استثمار می کند. شمار کارگرانی که بر پایه قراردادهای موقت کار می کنند بیش از ۳۰۰۰۰ نفر

اعتصاب کارگران معدن مس شیلی ادامه دارد. این اعتصاب به تهدیدی بسیار جدی برای صاحبان سرمایه و شرکت های بزرگ طرف قرارداد شرکت عظیم مس شیلی در سطح بین المللی تبدیل شده و تا همین امروز خساراتی بسیار سنگین به شرکت اخیر وارد ساخته است. خواست کارگران افزایش دستمزد و تضمین امنیت شغلی خویش است. همه این کارگران در چهارچوب قراردادهای موقت کار می کنند و مطابق معمول از حداقل تأمین شغلی و ابتدائی ترین حقوق انسانی و اجتماعی برخوردار نیستند.

اعتصاب کارگران از ۱۶ آوریل آغاز شده و تا لحظه حاضر به کرات آماج

پایان اعتصاب غذای کارگران معدن در روسیه

۱۷ کشور دارای شرکت های بزرگ جانبی است و بیش از ۱۰۰۰۰۰ کارگر را در سراسر دنیا به طور مستقیم به وحشیانه ترین شکل استثمار می کند. سود خالص این شرکت در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۴/۳ میلیون دلار گزارش شده است.

آوریل ۲۰۰۸

تراست صنعتی بسیار عظیم Rusal است. این تراست یکی از شرکت های غول پیکر استخراج و تولید آلومینیم در جهان است. ۱۲/۵ درصد آلومینیم اولیه و ۱۶/۵ درصد آلومینیم پرورده کل جهان را تولید می کند. در سال ۲۰۰۷ با شرکت بزرگ موسوم به Sual ادغام شده و دامنه کار و تولیدات خود را بسیار بیش از پیش توسعه داده است. Rusal در ۵ قاره جهان و در

کارگران معدن اورال Urals به اعتصاب غذای خویش پایان دادند. اعتصاب غذای کارگران در اعتراض به سطح بسیار نازل دستمزدها از هفته پیش آغاز گردید. آنان پیش از این نیز در ۲۶ ماه مارس سال جاری برای تحقق همین مطالبه دست به اعتراض زدند و اعلام کردند که تا تحقق خواسته های خویش در عمق معدن ها خواهند ماند. معدن اورال متعلق به

ادامه مبارزات کارگران پست در آلمان

وضعیت به نوبه خود موج مبارزات کارگران را به صورت وسیع دامن زده است. یک معضل اساسی جنبش کارگری آلمان همان گونه که در گزارشات مختلف مندرج در این سایت انعکاس یافته است، فشار اتحادیه کارگری برای وادارسازی کارگران معترض به تمکین در مقابل سرمایه است.

آوریل ۲۰۰۸

المللی فرانکفورت برای ۸ ساعت دست از کار کشیدند. اعتصاب آنان کل برنامه های پرواز و روند کار فرودگاه را برای ساعت ها در سطحی بسیار گسترده مختل کرد. در طول چند سال اخیر فشار هولناک سرمایه بر سطح معیشت کارگران، بیکارسازی های انبوه، از بین رفتن امنیت شغلی، گرانی سرسام آور نیازهای زندگی، افزایش سن بازنشستگی و روزانه کار موضوعاتی هستند که طبقه کارگر آلمان را سخت دچار وحشت کرده است. وقوع این

کارگران شرکت پست آلمان موسوم به «دویچه پست» اعلام کردند که برای مدتی نامعلوم دست به اعتصاب خواهند زد. مبارزات و اعتصابات کارگران مدت ها است که ادامه دارد. افزایش دستمزد و تضمین امنیت شغلی از جمله مطالبات مهم و بالفعل آنان در این مبارزات است. کارگران بر افزایش ۷ درصدی دستمزدها اصرار می کنند و سرمایه داران این میزان افزایش را قبول نمی کنند. چند روز پیش کارگران همین شرکت پستی در فرودگاه بین

تظاهرات عظیم کارگران در ترکیه

مختلف به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهرات و اعتراض زده‌اند. کارگران اعلام کرده‌اند که در صورت امتناع پارلمان از بازپس‌گیری مصوبات جدید، دست به اعتصاب عمومی خواهند زد و کل چرخ کار و تولید را از کار خواهند انداخت.

آوریل ۲۰۰۸

تضمین شغلی افراد و اجبار گسترده کارگران به قبول تمامی شرایط هولناک کار، راه را برای ورود سرمایه‌های خارجی هموار سازد. اردوغان مصمم است که با انجام این کاره توافق اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول را برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به چنگ آورد. تصویب این تغییرات جنایتکارانه ضد کارگری موج خشم و نفرت را در سراسر کشور برانگیخته است. هزاران کارگر در شهرهای

دولت ترکیه در تلاش برای راه یافتن به اتحادیه اروپا و جلب حمایت صندوق بین‌المللی پول پدیده موسوم به «قانون تأمین اجتماعی» را، که از آغاز هم فاقد حداقل تأمین معیشتی و اجتماعی برای کارگران بوده است، یک بار دیگر به زبان توده‌های کارگر و فرودست تغییر داده است. تلاش دولت اردوغان این است که با محور هر چه بیشتر حداقل تأمین اجتماعی، تنزل هر چه فاحش‌تر بهای واقعی نیروی کار، از بین بردن

اعتصاب کارگران کارخانه فولاد سازی "سیدور" در ونزوئلا

اتحادیه سوسیالیستی در بیانیه‌ای گومز، مدیریت کارخانه، و ریورو، وزیر کار را در برابر این حمله مسئول و پاسخگو اعلام کرد و گفت کارگران با برگرداندن پیشنهاد وزیر کار به مسئله پاسخی سیاسی دادند و آن پاسخ کنترل کارگری و اداره جمعی کارخانه بود که جناب وزیر با آن موافق نبود و پاسخش به این پیشنهاد حمله پلیس به کارگران بود.

اتحادیه United Steel Workers (SUTISS) نیز حمله ۱۲۰ نیروی گارد ملی و پلیس به کارگران را با این عنوان که آن‌ها قبل از اخطار دست به حمله زدند محکوم کرد و تاکید نمود که آن‌ها حتی سعی نکردند از طریق مذاکره مسئله را حل کنند! آیا اگر پلیس اول اخطار می‌کرد - که مسلم کارگران به آن وقعی نمی‌نهادند- و سپس حمله می‌کرد، عمل او موجه بود؟ و اصولاً کارگران با پلیس چه مذاکره‌ای داشتند در حالی که مذاکره ۱۴ ماهه با وزیر کار که مسئول امر بود، به جایی نرسیده بود؟ سیاست مذاکره و چانه زنی بر سر مطالبات کارگران چنان با اتحادیه عجین شده است که حتی پلیس سرکوبگر را دارای حق مذاکره می‌داند.

کارخانه مذکور در ۹ آوریل ۲۰۰۸ توسط دولت چاوز ملی اعلام شد و پس از ملی کردن کارخانه سیمان این دومین مورد ملی کردن بود. حال باید دید آیا این ملی کردن به همان مفهوم کنترل جمعی است که کارگران پیشنهادش را داده بودند یا به مفهوم دولتی کردن کارخانه

خانواده دستگیرشدگان و دوستان شان در جلوی دادگاه اجتماع کردند و خواهان آزادی فوری آن‌ها شدند. بازداشت شدگان همگی ساعت ۲۳ شب آزاد شدند. بعد از این حمله ۱۲۰۰۰ کارگر کارخانه تصمیم به یک اعتصاب ۸۰ ساعته گرفتند. کارگران در یک بیانیه توضیحی جمعی خطاب به رئیس جمهور وظیفه دولت چاوز را بازپس‌گیری کارخانه از سرمایه داران و قراردادن آن در کنترل کارگران و شورای شهر گویان و دولت محلی اعلام کردند.

فونتنس، فرماندار ایالت بولیوار، گفت این حمله از آن رو صورت گرفت که کارگران پیشنهاد یک کمیسیون مذاکره کننده حکومت ایالتی را در مورد دستمزد که می‌بایستی به یک مباحثه ۱۴ ماهه خاتمه می‌داد، رد کردند. گومز، یکی دیگر از مسئولان، از کارگران خواست برای حل مسئله به مواد قانونی متوسل شوند و گفت به نیروها دستور داده شده است که جلوی هرگونه بستن جاده‌ها را بگیرند.

قضیه پیشنهاد کمیسیون مذاکره کننده این بود که اتحادیه SUTISS بعد از همه‌پرسی از کارگران در رابطه با دستمزد، پیشنهادی را مبنی بر افزایش دستمزد روزانه به ۲۴ دلار آمریکا به وزارت کار ارائه داده و منتظر پاسخ بود. کمیسیون در مقابل پیشنهاد ۲۰ دلار را داده بود که کارگران آن را قبول نکردند و متعاقب آن به بستن جاده اقدام کردند.

کارخانه فولاد سازی سیدور در جنوب ونزوئلا در ایالت بولیوار یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید فولاد در آمریکای لاتین است و تولید سالانه آن ۴/۸ تن فولاد در سال است. این کارخانه در سال ۱۹۹۷ به بخش خصوصی واگذار شد.

۶۰ درصد سهام آن به سرمایه داران ایتالیایی و آرژانتینی، ۲۰ درصد به دولت ونزوئلا و ۲۰ درصد دیگر سهام آن به کارگران شاغل و بازنشسته آن تعلق دارد. دو سوم کارگران کارخانه با قرار داد موقت کار می‌کنند. سال گذشته کارگران کارزاری را درمورد صحبت‌های چاوز در رابطه با ملی کردن شرکت‌های خصوصی برپا کردند و خواهان بازپس‌گیری کارخانه و کنترل کارگری برآن شدند. با وجود تهدیدهای چاوز به ملی سازی، سرمایه داران و دولت به توافق رسیدند.

بعد از آن که مذاکره با کارفرمایان برای افزایش دستمزد به نتیجه نرسید کارگران جاده اصلی به کویباد و گویان را با قرار دادن اتومبیل بستند تا توجه مسئولان را به خواسته‌های خود جلب کنند. اقدام کارگران از سوی گارد ملی و پلیس مورد تهاجم قرار گرفت. آن‌ها با گاز اشک آور و گلوله‌های پلاستیکی به کارگران حمله کردند که تعدادی به دلیل شدت جراحات به بیمارستان منتقل شدند. سرکوبگران بعد از باز کردن جاده ۵۰ نفر را نیز دستگیر کردند که اکثرشان از کارگران سیدور بودند.

به سیاق آن چه که در بلوک شرق سابق گذشت، یعنی گماردن مدیریت دولتی و

ادامه استعمار کارگران.
آوریل ۲۰۰۸

گسترش موج اعتصاب پرستاران در سوئد

به دنبال اعلام اعتصاب کارگران پرستار ۱۳ بخش مهم در مرکز بزرگ پژوهشی و درمانی شهر اوپسالا در سوئد «Akademiska Sjukhuset» کارگران پرستار و تکنیسین مراکز درمانی منطقه Tierp نیز آمادگی خویش را برای شروع اعتصاب اعلام کردند. بخش‌های اورژانس و رادیوسکوپی این ناحیه از جمله مراکزی هستند که به اعتصاب می‌پیوندند. همزمان کارکنان

امور مشاوره پزشکی Tierp نیز کار را تعطیل خواهند کرد. Björn Rangarsson معاون مدیریت بیمارستاهای اوپسالا در مصاحبه با خبرنگاران گفت: موج اعتصاب سیستم درمانی کل منطقه را وسیع مختل می‌کند. او افزود که به ویژه تعطیل بخش‌های اورژانس بر وخامت اوضاع خواهد افزود. Björn ادامه می‌دهد که در روزهای اعتصاب و توقف کار، بیماران

بسیار بیشتری به مراکز مراقبت‌های فوری رجوع خواهند کرد و این درست در حالی است که خود این بخش‌ها در آستانه شروع اعتصاب قرار گرفته‌اند. کارگران پرستار و تکنیسین Tierp اعتصاب خویش را در اوایل ماه مه آغاز می‌کنند.

آوریل ۲۰۰۸

سرکوب مبارزت کارگران در شیلی

آسمان دنیای سرمایه‌داری همه جا یکرنگ است و مادام که انسان‌ها در زیر آسمان رعب و وحشت این نظام زندگی می‌کنند تنها رعد و برق و توفان مبارزات توده‌های کارگر است که می‌تواند میزان آلودگی‌های مرگبار و خفه‌کننده این آسمان را کاهش دهد. در سرمایه‌داری شیلی نیز به سیاق جهنم سرمایه‌داری ایران دستمزد کارگران را با تعویق پرداخت می‌کنند. در اینجا نیز مثل ایران و همه جوامع سرمایه‌داری دنی بخش عظیمی از فروشندگان نیروی کار در چهارچوب قراردادهای موقت استثمار می‌شوند و سطح دستمزدشان حتی در قیاس با برخی از همزنجیران دیگرشان بسیار پایین است. در اینجا نیز مبارزات کارگران مثل همه جاهای

دیگر با تهاجم پلیس ضد شورش سرکوب می‌گردد. شرکت مس «کودالکو» یا شیلی از جمله شرکت‌های تحت مالکیت دولت بورژوازی است و کارگران این شرکت با دستمزدی نازل بر پایه قرارداد موقت کار می‌کنند. این کارگران چند روز است که علیه سطح نازل دستمزد و شرایط بی‌رحمانه استثمار خویش دست به اعتصاب زده‌اند. آنان خواستار بالا رفتن میزان مزدها و تضمین اشتغال خویش هستند. دولت بورژوازی در برابر موج اعتراض کارگران دست به کار سرکوب مبارزات آنان شده است. در جنگ و ستیز میان کارگران و قوای سرکوب سرمایه‌داری روز سه‌شنبه ۱۶ آوریل، پلیس برای متفرق کردن کارگران اعتصاب‌کننده

شمار زیادی ماشین‌های آب‌پاش را وارد صحنه جدال کرد. پلیس شیلی برای تار و مار کردن اعتصاب کارگران معدن «کودالکو» از همان شیوه‌ای سود جست که دستگاه‌های سرکوب سرمایه‌داری در ایران برای متلاشی کردن صفوف اعتصاب کارگران لاستیک‌البرز سود جستند. شاید تنه تفاوت میان این‌ها سرد بودن با ماشین‌ها در شیلی و جوش بودن با ماشین‌های پلیس سرکوب در ایران بود. طبقه سرمایه‌دار و دولت‌های سرمایه‌داری در سطح جهانی به شیوه‌های مختلف کار یکسانی را انجام می‌دهد. آنان هر گونه نفس کشیدن علیه سرمایه‌داری در نطفه خفه می‌کنند.

آوریل ۲۰۰۸

اعتصاب کارگران پست در آلمان

کارگران پست آلمان خواستار ۷٪ افزایش دستمزد هستند. آنان اعلام کرده‌اند که برای تحمیل این مطالبه خویش بر صاحبان سرمایه برای مدتی نامعلوم دست به اعتصاب خواهند زد. ۳۰۰ کارگر پست در این اعتصاب

شرکت می‌کنند و موج اول پیکار هم اکنون در فرودگاه بین‌المللی فرانکفورت توسط کارگران «دویچه پست» آغاز شده است. بر اساس گزارشات، با شروع و ادامه اعتصاب حداقل نیم میلیون

مراسله پستی با تأخیر به دست گیرندگان آن خواهد رسید.

آوریل ۲۰۰۸

اجبار بازنشستگان به کار در آلمان

سرمایه‌داری آلمان در شمار عظیم‌ترین قطب‌های سرمایه‌داری جهانی است. قانون اساسی سرمایه‌داری این است که هر

چه سرمایه‌عظیم‌تر گردد کارگران حقیرتر و مفلوک‌تر می‌شوند، هر چه سرمایه‌فربه‌تر گردد کارگران فرسوده

تر و مستهلک‌تر می‌شوند، هر چه سرمایه‌رشد کند کارگران بیشتر از رشد فرومی‌مانند، هر چه سرمایه‌نیرومندتر

اقتصادی بسیار مهم و مؤثر در ناگزیر ساختن بازنشستگان به کار است. بورژوازی آلمان به سان بورژوازی همه کشورها از این سیاست تبهکارانه حداکثر سود را می برد. بهای واقعی نیروی کار در این کشور در طول ۶ سال اخیر حدود ۹٪ کاهش یافته است و به موازات آن شمار بازنشستگان مجبور به کار در همین مدت با ۴۰٪ افزایش به ۷۰۲۰۰۰ نفر رسیده است.

آوریل ۲۰۰۸

برند. آنان از این طریق قادر می گردند که بهای نیروی کار را در مقیاس وسیع در سطح جامعه و جهان تقلیل دهند. نظام سرمایه داری ما برای رسیدن به این هدف شوم ضدانسانی به «قانون گذاری» و مصوبات پارلمانی اکتفا نمی کند و به همکاری ها و همدلی های صرف اتحادیه های کارگری ابزار دست خویش و نتایج مطلوب ناشی از آن هم رضایت نمی دهد. فشار بر سطح دستمزده و تلاش همه جانبه برای تنزل سطح معیشت کارگران یک ساز و کار

و مسلط تر گردد کارگران بیشتر از هستی خود ساقط می شوند. این قانون جبری و تغییرناپذیر نظام بشرستیز سرمایه داری است. در آلمان این قطب عظیم سرمایه جهانی هر روز که می گذرد شمار بسیار بیشتری از کارگران بازنشسته بالای ۶۵ سال مجبور می شوند که برای ادامه معاش ساده خود به سر کار باز گردند. دولت های سرمایه داری در سراسر جهان با سرسختی جنایت آمیزی اصرار دارند که سن بازنشستگی کارگران را بالاتر و بالاتر

مبارزات متحد معلمان و دانش آموزان در فرانسه

بورژوازی فرانسه به دنبال همان پیروزی ها اینک دست به کار تعرضات دیگر است. دولت سارکوزی مصمم است که برای سال تحصیلی آینده بسیاری از امکانات آموزشی را به کلی نابود سازد، ۱۱۰۰۰ شغل آموزشی، مشاوره و مددکاری مدارس را از میان بردارد و برنامه آموزشی روز را حول محور کاهش هزینه ها دچار تغییرات جدی سازد. اقدامات دولت سرمایه داری با مقاومت گسترده معلمان و دانش آموزان فرانسه رو به رو است. معلمان و دانش آموزان فرانسوی اعلام کرده اند که در روزهای ۱۵ و ۲۴ ماه مه در اعتراض به اقدامات دولت در سرتاسر فرانسه دست به اعتصاب خواهند زد.

آوریل ۲۰۰۸

دستور کار دولت ها بوده است، اما دولت وقت این کشور بسیار هارتر از اسلاف خود کمر به تسویه حساب نهایی با تمامی باقی مانده های امکانات رفاهی و اجتماعی کارگران به نفع سوداندوزی انبوه تر سرمایه ها گرفته است. دولت سارکوزی در همین راستا چندی پیش موفق گردید که، به رغم مقاومت گسترده و پرشور کارگران، افزایش سن بازنشستگی و بسیاری بی حقوقی های تازه دیگر را بر توده های کارگر تحمیل کند. سارکوزی در این گذر مطابق معمول از نقش مخرب اتحادیه های کارگری به اندازه کافی بهره گرفت و میدان داری رایج این نهاد به نفع سرمایه و علیه هر اعتراض رادیکال ضد سرمایه داری کارگران را ابزار پیشبرد اهداف جنایتکارانه خود ساخت.

از بین بردن همه امکانات اجتماعی و رفاهی با هدف افزایش سود سرمایه ها محور اساسی برنامه ریزی، تلاش و سیاست گذاری همه دولت های سرمایه داری دنیا است. بستن مدرسه ها، کاهش وسیع شمار معلمان، حذف مشاغل مانند مشاوره تحصیلی، امور بهداشتی و پزشکی و روان پزشکی دانش آموزان، فشار حداکثر بر سطح حقوق و زندگی کارگران، برچیدن بیمارستان ها و مراکز درمان، تقلیل رقت بار امکانات نگه داری سالخوردهگان و معلولان و در یک کلام محو تمامی آنچه که روزی کارگران دنیا به ضرب مبارزه و قدرت متحد خویش بر بورژوازی تحمیل کرده بودند، همه و همه مشغله لحظه به لحظه تمامی این دولت هاست. این روند در فرانسه نیز در طول همه این سال ها در

اعتصاب ۲۰ هزار کارگر پرستار در دانمارک

کرده اند و همزمان بیش از نصف جمعیت دانمارک خواستار عقب نشینی دولت و نهادهای قدرت سرمایه در مقابل مبارزات کارگران شده اند.

آوریل ۲۰۰۸

شوند. ۲۰ هزار کارگر پرستار کشور دانمارک نیز اعلام کرده اند که در اعتراض به سطح پائین دستمزدهای خود دست به اعتصاب خواهند زد. موج جدید مبارزات کارگران با اعتصاب ۲۰ هزار پرستار آغاز می شود. ۱۳ هزار پرستار دیگر حمایت خود را از اعتصاب اعلام

فاجعه گرانی و سطح نازل دستمزده موج مبارزات کارگران را در سرتاسر جهان وسعت و قدرت بخشیده است. هر روز شمار انبوه تری از توده های کارگر در چهارگوشه جهان سرمایه داری علیه ستم ها و تعرض های این نظام وارد میدان اعتراض و مبارزه می

اعتصاب کارگران کفش در ویتنام

سرمایه بر سطح معیشت توده های کارگر در همه مناطق دنیا به گونه ای سرسام آور تشدید شده است و در این میان کارگران کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین وضعیت

معیشتی در جهان، دستمزد بسیار ناچیزی که صاحبان سرمایه به عنوان بهای بازتولید نیروی کار به کارگران پرداخت می کنند، کفاف هیچ بخشی از هزینه زندگی آنان را نمی دهد. فشار

۳۰۰۰ کارگر کفش در کارخانه ای متعلق به یک شرکت بزرگ تایوانی در کشور ویتنام برای افزایش دستمزد خویش دست به اعتصاب زدند. با سیر صعودی بی سابقه بهای نیازهای

بسیار هولناک تری دارند. بهای نیروی کار در این بخش از جهان تاریخاً به گونه دهشتناکی نازل بوده است و امروز در توفان تعرض نظام سرمایه داری بهای واقعی این کالا باز هم به شکلی رقت بار رو به تنزل گذاشته است.

کارگران در این اعتصاب خواستار ۱۰٪ افزایش دستمزد شده اند. اعتصاب از روز جمعه ۱۱ آوریل شروع شده

است. در حال حاضر نمایندگان کارگران با کارفرما ها در حال گفتگو هستند. اعتصاب حاضر دومین موج مبارزه وسیع کارگران در صنعت کفش در کشور ویتنام در طول همین روزهای اخیر است. اولین اعتصاب توسط کارگران «نایک» با شرکت بیش از ۱۵۰۰۰ کارگر آغاز شد. «نایک» بیش از ۳۰۰۰۰ کارگر را در سراسر جهان استنمار می کند. غالب این

کارگران در کشورهای چین، ویتنام، مکزیک و اندونزی زندگی می کنند و شدت استنمار آنان بسیار وحشیانه و بیرمزشانه است. دفتر مرکزی این شرکت در آمریکا قرار دارد. سود خالص «نایک» در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۶ میلیارد دلار آمریکا گزارش شده است.

اعتصاب کارگران صنعت فولاد در رومانی

۳۶۰۰ کارگر فولاد در کشور رومانی از صبح روز دوشنبه ۱۴ آوریل در اعتراض به سطح نازل دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار افزایش ۱۲۳ دلار امریک به حقوق ماهانه خود هستند. کارفرمایان از قبول خواست کارگران امتناع می کنند. آنان اعلام کرده اند که فقط با پرداخت ۴۴ دلار در ماه آن هم صرف به کارگرانی که پایین ترین میزان مزد را می گیرند، رضایت خواهند داد!

کارگران اعتصابی فولاد با عزم مصمم از قبول حرف کارفرمایان سر باز زدند. آنان تأکید کردند که تا حصول همه خواسته های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد. در روز شروع اعتصاب پلیس دولت سرمایه به سیاق پلیس همه دولت های سرمایه داری دنی به صفوف کارگران اعتصاب کننده یورش برد. کارگران با پرتاب سنگ و شیشه به سوی قوای سرکوب از خویش دفاع کردند و به مقاومت ادامه دادند.

شرکت فولاد (Mittal Steel Company) یکی از بزرگ ترین شرکت های فولاد جهان است و در حال حاضر بخشی از شرکت بسیار عظیم تر (Arcelor Mittal) را تشکیل می دهد. انحصار مذکور ۳۲۰۰۰۰ کارگر را در سراسر جهان استنمار می کند. سود ناخالص سالانه شرکت در سال ۲۰۰۵ حدود ۲۹ میلیارد دلار گزارش شده است. آوریل ۲۰۰۸

خیزش کارگران بنگلادش علیه فشار استثمار سرمایه

بیش از ۱۰۰۰۰ کارگر بنگلادش در اعتراض به سطح نازل دستمزده و گرانی سرسام آور مایحتاج اولیه معیشتی در نزدیکی شهر داک دست به تظاهرات زدند. کارگران در شورش عظیم و گسترده تمامی خودروها، وسائل حمل و نقل و ساختمان کارخانه ها را آماج حمله قرار دادند. کارگران واحدهای بزرگ نساجی در راه اندازی تظاهرات و سازمان دادن این خیزش بزرگ نقش

فعال دارند. موج عظیم خشم و عصبانیت توده های کارگر بنگلادش مطابق معمول با تهاجم نیروهای سرکوبگر سرمایه مواجه گردیده است. کارگران در مقابل یورش عوامل سرکوب دست به مقاومت زده و حمله پلیس را با پرتاب سنگ و هجوم متقابل پاسخ گفته اند. شمار زیادی از کارگران و افراد پلیس در جریان درگیری ها مجروح شده اند. از شمار کارگران دستگیر شده خبری

در دست نیست. دستمزده کارگر بنگلادش به صورت رقت انگیزی پائین است و موج بی مهار گرانی ارزاق عمومی سایه سیاه گرسنگی و مرگ را بیش از پیش بر سر توده های کارگر در بنگلادش گسترده است. آوریل ۲۰۰۸

تظاهرات عظیم کارگران در کروواسی

حدود ۵۰۰۰۰ کارگر کروواسی با اجتماع در میدان بزرگ شهر زاگرب پایتخت این کشور علیه گرانی سرسام آور وسائل معیشتی و سطح نازل دستمزدها اعتراض کردند. کارگران خواستار اقدام فوری دولت برای افزایش دستمزدها هستند. فشار مبارزات و اعتراضات توده های کارگر در سطحی

است که دولت بورژوازی ناچار به دادن وعده و وعید شده است. تظاهرات ۵۰ هزار نفری کارگران زاگرب در تاریخ سال های اخیر کشور کروواسی کاملاً بی سابقه است و نخست وزیر کشور زیر فشار موج این خیزش ناگزیر شد که تظاهرات گسترده کارگران را اقدامی «قانونی» اعلام کند. متوسط دستمزدها

در کروواسی ۶۹۰ یورو در ماه است. نرخ بیکاری بسیار بالا است و دامنه فقر و گرسنگی توده های کارگر پیوسته رو به گسترش است. آوریل ۲۰۰۸

۱۴ کارگر معدن در چین جان باختند

خبرگزاری "شینخوا" هنگامی رخ داده است که کارگران به دستور کارفرما در حوزه های غیرمجاز حفاری مشغول کردن زمین بوده اند. این حادثه دلخراش مرگ ۱۴ کارگر، مجروح شدن ۲ نفر و ناپدید شدن ۲ کارگر دیگر و بالاخره گرسنگی افراد خانواده همه این ها را به دنبال داشته است. آوریل ۲۰۰۸

وامی دارد که از هزینه لازم برای ایمنی شرایط کار و تأمین امنیت جانی کارگران خودداری کنند. انفجار اخیر در یکی از معدن شرق چین تنها نمونه یا از صدها حادث مرگباری است که هر سال در مراکز کار و تولید این کشور به ویژه در بخش معدن روی می دهد. حادثه انفجار معدن "هولونادو" در استان "لیائونینگ" بر اساس گزارش

در چین مثل همه ممالک دیگر دنیای سرمایه داری جان کارگر از هر کالایی ارزان تر است. صرفه جویی در هزینه سرمایه گذاری ها، حرص سرمایه برای تشدید استثمار نیروی کار و در یک کلام سلاخی هرچه ددمنشانه تر جسم و جان کارگران با هدف تولید سودهای کلان تر دولت سرمایه داری چین یا صاحبان سرمایه های خصوصی این کشور را

اعتصاب غذای معدنچیان اورال در روسیه

است. کارگران افزایش ۵٪ دستمزد را چاره درد زندگی خویش نمی دانند و اعلام کرده اند که تا تحقق خواسته هایشان به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد. آوریل ۲۰۰۸

خویش با دولت کشمکش دارند. آنان در ماه گذشته برای مدتی از معدن خارج نشدند و خواستار اقدامات فوری عوامل سرمایه برای بهبود وضع خویش شدند. در روزهای اخیر نمایندگانی از «دومای» روسیه زیر فشار اعتراض کارگران راهی حوزه اورال شدند و تلاش کردند تا کارگران را به ادامه کار و انصراف از مطالبات خویش راضی کنند. تلاش این افراد ما به ثمر نرسیده

۷۱ کارگر معدن روسیه در اعتراض به کمی میزان دستمزدهایشان دست به اعتصاب غذا زده اند. کارگران معدن این کشور به لحاظ شرایط کار و میزان مرزها در موقعیت بسیار وخیمی به سر می برند. آنان بارها دست به مبارزه و اعتصاب زده و برای روزها چرخ کار و تولید را متوقف کرده اند. کارگرانی که اکنون در حال اعتصاب غذا به سر می برند مدت هاست که بر سر مطالبات

موج اعتصاب و اعتراض کارگران در مصر

راه پیمایی کردند و علیه وضعیت وخیم زندگی خود زبان به اعتراض گشودند. امواج نارضایی کارگران همچنان در حال گسترش است. آنان در اعتصاب ماه پیش نوک تیز حمله را به سوی کارفرمایان نشانه می رفتند، اما در اعتصاب اخیر خویش صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری را یکجا آماج اعتراض قرار داده اند. گرانی در مصر همسان همه ممالک دیگر دنیا و بسیار بیشتر از برخی کشورها، بیداد می کند و منحنی صعودی پر شتاب آن، دستمزد ناچیز توده های کارگر را در کام خود می بلعد و امکان ادامه حتی همان زندگی جهنمی توأم با فقر و نکبت و مشقت را از آن ها سلب می کند.

مبارزات کارگران مطابق معمول با تهاجم توحش بار نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه داری مواجه گردیده است. در جریان این تهاجم یک جوان ۱۵ ساله با ضرب گلوله پلیس دژخیم از پای در آمده است. شماری از کارگران زخمی شده اند و عده زیادی دستگیر و در سپاهچال های دولت بورژوازی به سر می برند. ماشین سرکوب سرمایه با تمامی قدرت برای درهم شکستن اعتصاب وارد میدان شده است. نیروهای امنیتی دولت مبارک کلیه جاده های مواصلاتی منتهی به شهر را بسته و از رساندن هر نوع خواربار، مواد غذایی و امکانات دارو و درمان به کارگران به طور کامل جلوگیری می کنند.

۲۰۰۰۰ کارگر کارخانه نساجی در یکی از شهرهای مصر برای بار دوم چرخ کار و تولید را به طور کامل از کار انداختند. نساجی این شهر بزرگ ترین کارخانه نساجی خاورمیانه است و موج اعتراض کارگران آن تأثیر چشمگیری بر روی بخش های دیگر طبقه کارگر مصر گذاشته است. اعتصاب از ماه پیش آغاز شد ما دولت حسنی مبارک تلاش کرد تا با وعده و وعید، کارگران عاصی و خشمگین را به سر کار باز گرداند. دلیل اعتصاب بهای بسیار نازل نیروی کار همراه با اوچگیری روزافزون بهای نیازهای اولیه زندگی توده های کارگر است. سطح دستمزد این کارگران از سال ۱۹۸۴ تا حال ثابت مانده است، در حالی که بهای کالاهای اساسی در مصر در طول همین مدت به صورت هولناکی بالا رفته است. کارگران اعتصاب خویش را آغاز کرده اند و خواستار افزایشی معادل ۱۱۲ پوند در ماه هستند. آنان با قاطعیت تمام گفته اند که تا حصول پیروزی به اعتصاب ادامه خواهند داد.

۴۰٪ مردم مصر زیر خط رسمی فقر زندگی می کنند و درآمد روزانه شان کمتر از ۲ دلار آمریک است. دولت مبارک با هدف غلبه بر نارضایی روز افزون کارگران، برای نان سوبسید تعیین کرده است، ما نان کمیاب است و مردم باید ساعت ها در صف های

اعتصاب ماه پیش این نساجی موج اعتراض کارگران و کارمندان را در سایر مراکز کار و تولید به دنبال آورد. جمعیت وسیع معلمان، پزشکان، کارکنان اداره دارایی و ائتشار مختلف توده تهیدست در خیابان های مختلف شهرها

طولانی بایستند. دولت سرمایه در همان حال زیر فشار اعتراضات اخیر و در هراس از اوج گیری بیشتر مبارزات کارگران و مردم فقیر مجبور شده قیمت بعضی از کالاهای اساسی را پایین آورد.

به جز گرانی، رقابت رقت بار درون بازار نیروی کار در مصر و در سطح جهانی نیز به کاهش مرگبار مرزها کمک کرده است. پایین بودن دستمزد کارگران نساجی در دیگر کشوره مثل چین و هند، وجود صف طولانی بیکاران و امکان جایگزینی فوری نیروی کار توسط صاحبان سرمایه به عاملی برای کاهش بیشتر دستمزده توسط شرکت های نساجی تبدیل گردیده است. سرمایه داران دنیا از وجود این وضعیت علیه کارگران استفاده می کنند و توده های کارگر دنیا تنها از طریق

توسل به یک همبستگی سراسری و انترناسیونالیستی است که می توانند در مقابل این توحش به مقاومت برخیزند.

محمود عبدالوهاب کارگری که ۹ سال است در این کارخانه کار می کند می گوید: ما دیگر از وعده و وعید خسته شده ایم. من تنها ۳۰۰ پوند مصری حقوق می گیرم و با آن فقط می توانم مواد غذایی تهیه کنم. نمی توانم لباس بخرم. سال آینده دختر بزرگم به مدرسه می رود و من هیچ پولی برای خرید روپوش مدرسه اش ندارم. او می گوید ما خواهان عدالت اجتماعی برای همه کارگران در مصر هستیم و ادامه می دهد که جنگ برای گذران زندگی امر جاری ما کارگران شده است. زیر فشار بدبختی ها و نداری ها به جای انتظار داشتن یک زندگی مرفه و شاد به قبول

دستمزد نازلی برای تهیه نان کودکان مان سقوط کرده ایم و کمرمان از تحمل بار تولید سودهای انبوه برای مثنی سرمایه دار خون آشام در هم شکسته است. این چیزی است که نظام سرمایه داری می خواهد و بر ما تحمیل کرده است. خرید نیروی کار به ارزان ترین بهای ممکن سیاستی است که سرمایه در همه جای جهان دنبال می کند و امروز بیش از هر زمان دیگری برای تحمیل آن بر توده های کارگر اصرار می ورزد. برای مقابله با این وضعیت و برای پایان دادن به فاجعه موجودیت نظام سرمایه داری سوای اتحاد آهنگین کارگران در سطحی سراسری و انترناسیونالیستی هیچ چاره دیگری وجود ندارد.

اعتصاب کارگران ساختمانی ورزشگاه جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰

جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی برگزار خواهد شد. کارگرانی که ورزشگاه های این جام را می سازند درخواست حقوق بیشتری دارند و به همین منظور دست به "اعتصاب غیرقانونی" زده اند. درحال حاضر، آن ها دستمزد بنایان را می گیرند نه دستمزد "مهندسان". خواست کارگران اعتصابی همسان شدن مزدشان با دیگر کارگران ورزشگاه ها یعنی افزایش دستمزد از ساعتی ۱۰ راند به ساعتی ۱۹ راند است.

شرکت های ساختمانی آفریقای جنوبی موعدی را برای اتمام ساخت ورزشگاه ها تعیین کرده و کارگران را تهدید نموده اند که در صورت ادامه اعتصاب به قراردادهای بنایان خواهند داد. به گفته

شرکت ساختمانی "بیسبل رید" این سومین اعتصاب غیرقانونی کارگران علیه شرکت های ساختمانی در سال ۲۰۰۸ است.

در مارس ۲۰۰۸، نایب رئیس بزرگ ترین اتحادیه کارگران ساختمانی آفریقای جنوبی، که ۲۸۰۰۰۰ نفر عضو دارد، در ملاقاتی با رئیس فیفا، ژوزف بلاتر، کارزار "مسابقه عادلانه- بازی عادلانه: شرایط کار انسانی" را به او معرفی کرد. سخنان او را این گونه نقل کرده اند: "کارگران به ویژه آنان که در بخش ساختمان کار می کنند باید دستمزدی بگیرند که بتوانند با آن زندگی کنند و از محیط سالم و ایمن و نیز مزایای اجتماعی برخوردار باشند. ما شک نداریم که فیفا می تواند کمک مهمی بکند

تا کارگران به این اهداف برسند". علاوه بر این، وب سایت فیفا اعلام کرده که "خوشبختانه تاکنون در ساخت ورزشگاه های جام جهانی فوتبال هیچ حادثه مرگباری روی نداده است". کمتر از یک هفته از این سخنان نگذشته بود که کارگران اعتصاب کردند. روشن است که تنه کارگران می توانند درباره مسائل خود تصمیم بگیرند و مبارزات خویش را رهبری کنند، و اهمیتی ندارد که اتحادیه و نایب رئیس آن چه می گویند. همچنین تنها کارگران هستند که به نیازهای خود واقفند و می توانند در مبارزه برای افزایش دستمزد و شرایط بهتر کار شرکت کنند.

آوریل ۲۰۰۸

کارگران انگلیس و تهدید به اعتصاب

صد هزار کارگر انگلیسی اعلام کرده اند که در اعتراض به گرانی نیازهای زندگی و سیاست های عمیق ضد کارگری دولت «گوردون براون» دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران سطح کنونی دستمزده را مطلق پاسخگوی تأمین معاش روز خود نمی دانند و

خواستار اقدام فوری دولت «براون» برای حل این مشکل هستند. تهدید به اعتصاب قرار است تا دو هفته دیگر و در پایان ماه آوریل جامه عمل پوشد و دولت سرمایه داری در طول این دو هفته مهلت دارد تا برای تأمین مطالبات کارگران اقدام کند. اعتصاب در «ولز»

و انگلیس انجام می شود و در نخستین گام حداقل ۱۰ نهاد بزرگ دولتی را مختل خواهد ساخت. هزار معلم انگلیسی در اعتصاب شرکت خواهند کرد و به این ترتیب شمار کثیری از مدارس این کشور به طور کامل تعطیل خواهد گردید. بخش گشت ساحلی، امداد،

آزمایش رانندگی، امور مهاجرت، حمل و نقل و پاره یا حوزه های دیگر اعتصاب را همراهی می کنند. دولت انگلیس همسان همه دولت های دیگر سرمایه داری و اساس به روال معمول

همه نمایندگان سیاسی و فکری سرمایه اعلام داشته است که افزایش دستمزد موجب گرانی کالاها می شود و به ناچار باید از این کار اجتناب کرد! گرانی پدیده ذاتی و اجتناب ناپذیر شیوه تولید سرمایه

داری و جبر سودجویی هرچه انبوه تر سرمایه است. کارگران نباید گول این عوام فریبی ها را بخورند.
آوریل ۲۰۰۸

اعتصاب کارگران رنو در رومانی و حمایت انترناسیونالیستی کارگران فرانسوی

دو هفته است که کارگران اتوموبیل سازی رنو در رومانی در حال اعتصاب به سر می برند. افزایش دستمزد محور اساسی مطالبات کارگران است. سود سالانه این شرکت بر اساس گزارشات منتشره صاحبان آن، از رقم ۳۰۰ میلیون یورو بالاتر است. با وجود این دستمزد ماهانه کارگران تا امروز از رقم ۲۵۸ یورو تجاوز نکرده است. چیزی که حتی در قیاس با دستمزد متعارف کارگران در اروپای غربی به

صورت بسیار چشمگیری نازل تر است. اعتصاب کارگران رنو رومانی موجی از همبستگی و حمایت را در میان همزنجیران فرانسوی آن ها دامن زده است. کارگران فرانسوی ضمن اعلام پشتیبانی از اعتصاب در همان نخستین گام دست به کار سازمان دادن کارزار جمع آوری کمک های مالی برای اعتصاب کنندگان شدند. آنان تا لحظه حاضر رقمی معادل ۲۰۵۰ یورو به همزنجیران رومانیایی خویش اهدا کرده

اند. اقدام کارگران فرانسوی یادآور همبستگی های انترناسیونالیستی بسیار پرشوری است که در سال های نیمه دوم قرن نوزدهم توسط جنبش کارگری سراسر اروپا در حمایت از مبارزات کارگران کشورهای مختلف به نمایش گذاشته شد.
آوریل ۲۰۰۸

کارگران آفریقای جنوبی و تهدید به اعتصاب

آفریقای جنوبی نیز همسان همه ممالک دیگر جهان شاهد افزایش سرسام آور قیمت ها به ویژه بهای مواد غذایی و نیازهای اولیه معیشتی توده های کارگر است. گرانی پدیده اجتناب ناپذیر سرمایه و مشکل رایج هر جامعه سرمایه داری است. معنای مستقیم افزایش قیمت ها برای کارگران کاهش بسیار تعیین کننده و فاحش بهای واقعی نیروی کار آن

هاست. وقتی که نرخ فروش ارزاق عمومی به طور جهشی دو برابر می شود، بهای واقعی نیروی کار یک کارگر نصف می شود. نظام سرمایه داری در این گذر عمل و به صورت اعلام نشده و نامکتوب سطح دستمزد را به گونه یا چنانچه کارانه تنزل می دهد و حداقل معیشتی کارگران را بیش از پیش دچار سلاخی می سازد. کارگران

آفریقای جنوبی زیر فشار موج سرکش گرانی ها دست به عصیان زده و اعلام داشته اند که در صورت تداوم این وضعیت در همه مراکز کار و تولید دست به اعتصاب خواهند زد.
آوریل ۲۰۰۸

فراخوان برای اعتراض به جنگ در روز اول ماه مه در آمریکا

ILWU، اتحادیه کارگران بندر در ساحل غربی منطقه ۱۰ سانفرانسیسکو، در یک کنفرانس مرکب از ۱۰۰ نماینده کارگری در ۸ فوریه ۲۰۰۸ تصمیم گرفت در اول ماه مه که در آمریکا به عنوان روز کارگر شناخته نمی شود و تعطیل نیست، یک اعتصاب یک روزه اعتراضی سیاسی علیه جنگ و پایان فوری آن و برگرداندن فوری سربازان آمریکایی از عراق و افغانستان را سازماندهی کند.

این اتحادیه در اطلاعیه خود آورده است: نظر به این که

- ما در اول ماه مه ۲۰۰۳ خواهان پایان جنگ و اشغال عراق شدیم،
- اکثریت بزرگی از مردم اکنون مخالف جنگ در عراق و افغانستان هستند ما دوحزب بزرگ سیاسی دموکرات و جمهوری خواه به جنگ ادامه می دهند،
- میلیون ها نفر در سراسر جهان علیه جنگ در عراق و افغانستان راه پیمایی

کردند اما موفق نشدند به جنگ خاتمه دهند،

- گسترش جنگ خاورمیانه را تهدید می کند و امکان حمله نیروی هوایی آمریکا به ایران و یا امکان مداخله نظامی آمریکا در سوریه و یا بی ثبات کردن اوضاع پاکستان وجود دارد،

زمان آن فرارسیده است که اعتراضات کارگری با فراخوان مردم کارگر و اتحادیه ها در ایالات متحده و سراسر جهان برای آماده سازی اول ماه مه سال

۲۰۰۸ با شعار " نه جنگ نه صلح" (No Peace No war) و با خواست خاتمه فوری جنگ و اشغال در عراق و افغانستان و خروج نیروهای آمریکایی از خاور میانه به سمت یک مبارزه قدرتمندتر حرکت کند.

این فراخوانی است برای اتحاد عمل از طرف ILWU به " ائتلاف تغییر برای پیروزی" * و همه سازمان های جهانی کارگری که مانند ما می خواهند به این جنگ خونین بلافاصله و برای همیشه پایان داده شود.

ILWU هم چنین نامه سرگشاده یا خطاب به دو اتحادیه مرکزی آمریکا فرستاده و از آنان پرسیده است که آیا اتحادیه های دیگری وجود دارند که بخواهند به خواسته اکثریت مردم کارگر تن دهند و برای شرکت در اقدام علیه جنگ آماده باشند؟ که البته منظورش دو اتحادیه سراسری مذکور است که بنا به خصلت خود دست به عصا راه می روند و فقط به کار میانجی گری بین کارگر و کارفرما مشغول هستند.

آوریل ۲۰۰۸

* " ائتلاف تغییر برای پیروزی"، حاصل خودسازمان دهی میلیون ها کارگر مهاجر و خانواده های آن ها در مزارع فلورید است که از آن به عنوان یکی از معدود حرکات موفق کارگری توسط خود کارگران و بیانی از قدرت کارگری که می تواند به تغییرات عمده یا منجر شود، نام برده می شود.

اعتصاب کارگران نایکی در ویتنام ادامه دارد

در نوامبر ۲۰۰۷ تعداد ۱۰ هزار کارگر شاغل در صنعت تولید لباس و کفش نایکی با خواست افزایش حقوق راه پیمایی کردند. این اعتراض و اعتصاب در ادامه اعتصابات متعدد سال ۲۰۰۷ انجام گرفته بود. در این سال نرخ تورم دائم رو به افزایش بود و به ۱۹ درصد رسیده بود. کارگران صنایع مختلف به ویژه صنعت دوزندگی و نساجی که اکثر زن هستند قادر به تامین یک حداقل زندگی با ساعات کار طولانی نبودند. حداقل دستمزد ماهانه بین ۴۵ تا ۵۵ دلار آمریکا بود. ۳۰۰ اعتصاب در سال ۲۰۰۷ دولت را مجبور ساخت که حداقل دستمزدها را در کارخانه های با سرمایه گذار خارجی بالا ببرد و به ۶۲ دلار در ماه برساند. ما این افزایش دردی را دوا نمی کرد و نمی توانست با

تورم و گرانی افسارگریخته هموردی کند.

در اول آوریل ۲۰۰۸ کارگران نایکی دوباره تصمیم به اعتصاب گرفتند. ۴۰ هزار کارگر به راه پیمایی پرداختند و خواهان افزایش ۲۲ درصدی دستمزده شدند. طبق معمول کارفرما و اتحادیه به مذاکره نشستند و در پایان اتحادیه با قبول افزایش ۱۰ درصدی دستمزدها از کارگران خواست به سرکار برگردند. در این باره خانمی که رئیس اتحادیه است به خبرنگاران گفته که ما از کارگران خواستیم به سرکار برگردند ما مطمئن نیستیم که آیا آن ها به کار خواهند گشت یا تصمیم به ادامه اعتصاب خواهند گرفت. این گفتگو نشان می دهد که کارگران به اتحادیه اعتماد ندارند و

تصمیمات آن را به نفع خود نمی دانند. روز بعد از این توافق کارگران به کارخانه برگشتند اما درگیری لفظی یکی از کارگران سابق با نیروی امنیتی کارخانه منجر به فراخواندن پلیس به کارخانه و ضرب و شتم تعداد زیادی از کارگران شد. کارگران ناراضی از تصمیم اتحادیه با بقیه کارگران به گفتگو پرداختند و در پایان همگی تصمیم گرفتند که برای کسب ۲۲ درصد اضافه دستمزد به اعتصاب ادامه دهند. برای محاسبه سود نایکی از استثمار شدید کارگران کافی است به قیمت تمام شده یک تی شرت نایکی در ویتنام که حدود ۲ دلار است و فروش آن در اروپا به قیمت ۷۰ یورو توجه کنید.

میلیون ها کارگر در یونان در اعتصاب به سر می‌برند

میلیون ها کارگر طی دو ماه گذشته، بسیاری با نقطه نظرات متفاوت، ارائه خدمات را تعطیل کردند. دو اتحادیه بزرگ یعنی کنفدراسیون عمومی کارگران یونان و اتحادیه کارکنان دولت که بیش از ۲.۵ میلیون کارگر را نمایندگی می کنند، هدایت اعتصاب را با همراهی سایر اتحادیه ها به عهده دارند.

یونان از آغاز قرن ۲۱ اعتصاب های عمومی بسیاری را تجربه کرده است. فهرست وار این اعصاب عبارتند از اعتصاب عمومی سال ۲۰۰۱ که مهم

ترین اعتصاب و علیه جنگ بود. سپس اعتصاب عمومی سال ۲۰۰۲ که کم اهمیت تر بود. در سال ۲۰۰۲ یونان شاهد اعتصابات عمومی متعدد بود. از زمان روی کار آمدن جناح راست در یونان طبقه کارگر دوبار عزم خود را برای مبارزه جزم کرد. اولین اعتصاب عمومی درست یک سال بعد از روی کار آمدن این حکومت در سال ۲۰۰۵ انجام شد. حکومت محافظه کار طی یک سال سلسله ای از اعمال ضد کارگری را انجام داده بود. از جمله مالیات کالاهای اساسی را که نیاز روزانه توده مردم بود بالا برده بود. می خواست

کارگران را روزانه وادار به کار بیشتر از ۸ ساعت کند. به بازنشستگی حمله برده بود و می خواست سن بازنشستگی را بالا ببرد. کارگران می خروشدند اما رهبران اتحادیه به جای افروختن بیشتر تنور مبارزه ای که جان گرفته بود با دولت وارد مذاکره شدند. به بستن مالیات بیشتر بر دستمزد کارگران برای تامین امنیت اجتماعی!! رضایت دادند اما فشار کارگران از پایین آنان را وادار کرد که اعتصاب عمومی را اعلام کنند. اعتصابی که ۹۰٪ بخش عمومی را راكد گذاشت و مشارکت کارگران بخش خصوصی در صنایع در بعضی نقاط

۱۰۰٪ بود و از آن با عنوان "طبقه کارگر یونان، آتشفشان غران" یاد شده است. و امروز دومین اعتصاب عمومی جریان دارد.

حکومت محافظه کار یونان می خواهد بسیاری از وجوه بازنشستگی را به خاطر صرفه جویی در مخارج اجرایی با ادغام آن ها در یک مجموعه کوچک سرهم بندی کند. این کار به از دست رفتن امکانات بازنشستگان، افزایش سن بازنشستگی و زیان هایی برای مادران شاغل و به طور کلی از دست رفتن امکانات عظیم همه کارگران منجر خواهد شد.

اعتصاب سبب آشفتگی کامل امور شد. از کارگران جمع آوری و حمل زباله، پزشکان، داروخانه ها، کارمندان بانک ها، مهندسين، روزنامه نگاران، وکلا، کارکنان شهرداری ها، کارگران برق، کارکنان کنترل هوایی و سایر کارگران حمل و نقل همه با نقطه نظرات متفاوت در نکات معینی برای توقف توده ای کار، باهم مشارکت کردند. بورس به خاطر این که کارکنان بانک ها از انجام

معاملات امتناع کردند، تعطیل شد. در حین اعتصاب، کارگران جمع آوری زباله آشغال ها را به سمت پلیس ضد شورش پرتاب کردند و به این طریق نظرشان را در مورد اوضاع بدشان نشان دادند. با وجود این حکومت در موضع خود پابرجا ماند.

۱۹ مارس برای انجام اعتصاب عمومی در کل کشور تعیین شده بود. اهمیت این اعتصاب فقط در این نیست که نشان دهد که چقدر جامعه به خدمات کارگران وابسته است، بلکه بیشتر مربوط است به همبستگی بین کارگران مختلف و فرزندی آن ها در درک این مساله که آن ها برای موقعیت های فردی مبارزه نمی کنند بلکه به خاطر رفقاییشان در سایر بخش ها و هم چنین برای کارگران نسل بعدی نیز مبارزه می کنند.

مطالبات مربوط به بازنشستگی، مطالبه برای حداقلی از پول است که با آن کارگران منابع کافی برای یک زندگی شایسته داشته باشند؛ که آن ها در پایان سال های زیاد خدمت خود به کارفرما، ذره بسیار ناچیز و بسیار نامحسوسی از

آن همه ثروت را که تولید کرده اند برای ارتزاق روزانه خود باز یابند.

تکه پاره کردن امکانات بازنشستگی به آشفته سازی آینده کارگران، فرزندان و نوه هایشان و به این منجر می شود که انسان های مسن بقیه عمرشان را در فقر سپری کنند.

کارگران برای رهایی از این شرایط، برای یک زندگی شایسته در همین امروز که کار می کنند و برای فردای خود و فرزندان خود به تشکل های سراسری خود نیاز دارند تا بتوانند برای خود و در هماهنگی با هم در مورد این که چه بکنند؟ چگونه مبارزه کنند؟ چه خواسته هایی را داشته باشند؟ چگونه در مقابل سرمایه بایستند و چگونه حرکت خود را از حالت دفاعی به حمله تبدیل کنند، تصمیم بگیرند. تا مجبور نباشند بخشی از نیروی خود را به جای مبارزه مستقیم با سرمایه صرف متقاعد کردن رهبران اتحادیه به مبارزه کنند، آن هم بعد از شکست مذاکراتی که نتیجه اش را هر کارگری می دانست. مارس ۲۰۰۸

یک اعتصاب موفق!

اعتصاب در کشتی سازی Tuzla در ترکیه

که " ما نمی خواهیم بمیریم، ما کارگریم، ما حق داریم".

اعتصاب را کارگران بخش کشتی سازی آغاز کردند و این اولین اعتصاب در این منطقه صنعتی بود و در آن کارگران دائم و کارگران قرار دار موقت با هم و دست در دست هم شرکت کردند. و این آن جایی است که باید کارگرانی که شرایط بهتر کار و مزد دارند به نفع کارگران سطوح پایین تر همبستگی نشان دهند تا هم شرایط خود و هم شرایط کار و زندگی سایر کارگران را بهتر کنند. زیرا حرکات و مطالبات کارگری در یک جا ساکن نمی ماند بلکه از جایی به جای دیگر، از کارخانه ای به کارخانه دیگر و از بخشی به بخش دیگر می رود و در خدمت کل طبقه قرار می گیرد.

و تضمین ایمنی ضمن کار طفره می رود و ما هر روز می شنویم که کارگری عضوی از اعضای بدنش یا تمام زندگی اش را در راه ارزش افزایی سرمایه سرمایه داران از دست داده است. همین دیروز بود که کارگر ایران خودرو دنده هایش لای چرخ دنده های ماشین سرمایه نرم شد. هنوز عکس های کارگران یک دست و یک پای چینی، غول جدید سرمایه جهانی در مقابل چشمان مان رژه می رود ما این حوادث هر روز تکرار می شود.

کارگران کشتی سازی توزل که قلب صنایع کشتی سازی ترکیه است یک اعتصاب دو روزه موفق را در اعتراض به شرایط نا امن کار پیش بردند. اعتصاب توسط اتحادیه Limter-IS که بخشی از فدراسیون اتحادیه های کارگری انقلابی (DISK) است رهبری می شد. شعار اعتصاب این بود

در هشت ماه گذشته در این کارخانه ۱۸ کارگر در اثر حوادث ضمن کار کشته شدند. برای سرمایه داران تنها موضوع مهمی که وجود دارد تضمین ارزش افزایی سرمایه است و این کار حاصل نمی شود مگر با استثمار بیشتر نیروی کار. و به حساب خود واریز کردن ارزش کار اضافی کارگران. برای سرمایه مهم نیست که نیروی کار تحت چه شرایطی کار می کند. آیا سلامت جسمی و روانی اش تضمین است؟ آیا شرایط ایمنی کار برایش فراهم است؟ یا کارگر در محیط کار احساس امنیت و اطمینان می کند؟ یا دستمزدش کفاف تامین زندگی و خانواده اش را می دهد؟ و هزاران آبی دیگر که لحظه ای شادی زندگی شان را برهم نمی زند. تنها استثمار بیشتر و باز هم بیشتر. به همین سبب است که کارفرما از تخصیص بخشی از کار اضافی کارگر برای تامین

اتحادیه کمتر یا اس سال ها همزمان همراه با کارگران در دو جبهه می جنگید: از طرفی با کارفرما و از طرف دیگر با اتحادیه سنتی که رفیق دزد و شریک قافله بود. با اعلام اعتصاب کارفرما دستپاچه شده شیفت اول کار را برای ساعت ۶:۳۰ دقیقه اعلام کرد. کارگران ساعت ۶ در کارخانه حضور یافتند و راه های ورود به مراکز تولید را سد کردند و سپس جلوی دفتر توزل جمع شدند. بر روی یک پلاکارد بزرگ پارچه ای مطالبات خود را نوشتند که عبارت بود از " محکوم کردن حوادث مرگرای کار و پاسخگویی به آن ها، انجام اقدامات امنیتی و تامین سلامت کارکنان، لغو قراردادهای موقت کار، تامین تغذیه سالم تر برای کارگران خارجی، ایجاد اتاق رخت کن برای کارگران و به رسمیت شناختن حق اتحادیه لیتمتر یا اس در کارخانه. کارگران خیابان های اطراف را مسدود کردند. با حمله پلیس به اجتماع کارگران ۷۵ نفر دستگیر شدند و سپس خواست آزادی فوری دستگیر شده گان نیز به خواست های قبلی اضافه شد. ۶۰٪ کل کارگران کشتی سازی در اعتصاب شرکت کردند بنا براین ۴۰٪ بقیه نیز قادر به کار نبودند در نتیجه تولید متوقف ماند.

موج همبستگی از جانب کارگران دیگر اعتصاب را در پشتیبانی خود گرفت. در آغاز کارگران شاغل در دانشگاه کوکائلی و کارگران آرسلیک اعلام پشتیبانی کردند و با پلاکات ها و پرچم خود در محل اجتماع حاضر شدند. سازمان های متعددی اعلام همبستگی

کردند از جمله DISK، کنفدراسیون اتحادیه های کارگران بخش عمومی، مهندسين، پزشکان، بهداشت، حمل و نقل، نساجی، چرم، شیشه و پتروشیمی و بسیاری از سازمان های دیگر به اضافه احزاب چپ ترکیه. حتی مغازه داران خیابان غازی به عنوان همبستگی مغازه های خود را تعطیل کردند.

از ساعت ۱۱ برای احتراز از درگیری یک اعتصاب نشست ۲۴ ساعته آغاز شد. ۷۵ کارگر دستگیر شده در طی روز آزاد شدند و مستقیم به اعتصاب پیوستند. همه دست اندرکاران از کارفرما گرفته تا وزیر کار از اعتصاب و پشتیبانی کارگران دیگر از اعتصاب عصبانی بودند. وزیر کار گفت این اعتصاب دارای اهداف ایدئولوژیک است. همه کوشش ها برای شکست اعتصاب عقیم ماند.

روز دوم در ۲۸ فوریه کارگران دوباره از صبح زود در محل اعتصاب با شعار " اعتصاب اعتصاب اعتصاب ، کارگران برده نیستند، زنده باد مقاومت ما در توزلا" اجتماع کردند. بالاخره اتحادیه کارفرمایان پذیرفت که با DISK نشستنی در رابطه با مطالبات مطرح شده داشته باشد. خواسته هایی که مطرح شد عبارت بود از تشکیل یک شورا در کارخانه مرکب از نمایندگان کارگران، کارفرما، مهندسين و پزشکان. این شور باید شرایط بهداشتی و ایمنی کار در کارخانه را به سطح استاندارد بین المللی برساند، قبول حق سازمان یابی برای کارگران و برسمیت شناخته شدن اتحادیه آنها یعنی لیتمتر و مقرراتی

برای کارگاه های سخت. کارفرما مطالبات را پذیرفت و یک هفته وقت خواست. بعد از مهلت یک هفته ای نشست دیگری انجام یافت و نتیجه به اطلاع کارگران رسید و کارگران با توافق با همدیگر به اقدام خود پایان دادند و برای ختم اعتصاب تظاهراتی را در محله کادیگوی استانبول با خواست ایجاد قوانین بیمه های اجتماعی و بیمه بهداشتی عمومی برای همه آحاد مردم جامعه سازمان دادند.

زنده باد همبستگی و اتحاد کارگری

اگر کارگران به حقوق خود آگاه باشند، اگر همبستگی کارگری بین آحاد طبقه کارگر وجود داشته باشد، اگر کارگران خود را عضو تنی واحد ببینند که رنج یک عضو سایر اعضا را نیز می رنجاند؛ آنگاه سرمایه عقب می نشیند اما عقب نشینی چاره کار نیست زیرا وقتی کفه ترازوی قدرت دوباره به نفع سرمایه شود نه تنها تهاجم می کند بلکه ستانده ها را بازپس می گیرد. تنها راهی که این راه مسدود می شود و سرمایه دیگر سرمایه را نمی شود خلع ید سرمایه داران از سرمایه و اجتماعی کردن آن است. برای این منظور باید از دل همین اعتصابات و حرکت ها و مقاومت ها در برابر ددمنشی سرمایه عزم خود را برای مبارزه ای ضد سرمایه داری و علیه کارمزدی جزم کنیم. زیر تنها و تنها در این صورت است که به این شرایط وحشتناک خاتمه داده می شود.

منبع: سایت MLKP

گسترش مستمر فقر در کنار رونق اقتصادی سرمایه داری

۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ شمار اعتصاباتی که در فاصله سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ و تا امروز رخ داده کاملاً بی سابقه است. در میانه همین ماه مارس با افزایش قیمت نان در مصر، بخش فقیر نشین قاهره در مقابل این تصمیم به پا خاست و با تیر اندازی پلیس تعدادی کشته شدند.

در این دوره مصر شاهد ۲۲۲ اعتصاب، اعتصاب غذا و سایر اشکال اعتراضی مردم کارگر بود. در سال ۲۰۰۷ تعداد ۱۵۰ هزار کارگر نساجی ها اعتصاب کردند. اعتصاب در بخش

رفته است. شکوفایی سرمایه داری با فقر اکثریت مردم کارگر ملازمه دارد زیرا شکوفایی به مفهوم کسب ارزش اضافی بیشتر و تبدیل آن به سرمایه جدید برای گسترش مجدد سرمایه است. اکنون در مصر یک درصد جمعیت، کل اقتصاد مصر را کنترل می کند. شرایط موجود با عکس العمل های اعتراضی مردم کارگر در طی دو سال گذشته در تمام بخشهای اقتصاد همراه بوده است.

از نظر قانونی، اعتصاب در مصر ممنوع است. با وجود این بعد از دهه

در حالی که سود شرکت ها سیر صعودی دارد و شدت استثمار دائم در حال افزایش است، آخرین رمق کارگران به یغما برده می شود، فقر توده کارگر و مردم زحمتکش در تمام دنیای سرمایه داری بیداد می کند. مصر حلقه ای در این زنجیره ی سرمایه داری جهانی است.

اقتصاد مصر در سال ۲۰۰۷ با یک رشد ۷ درصدی دوره رونق را طی می کرد. این وضعیت در بیش از ۷۵ درصد اقتصاد غالب بود اما هم زمان میزان فقر از ۱۶.۷ درصد به ۱۹.۶ درصد بالا

کارگران شهرداری، پزشکان و دانشگاهیان نیز جریان داشت و هم چنان ادامه دارد.

کارگران ساختمانی، کارگران مترو قاهره، جمع آوری و حمل زباله، کارکنان اداره مالیات و اداره برق،

پایان اعتصاب معلمان زیمبابوه

هفته تعطیل شد و متعاقب این اعتصاب عظیم بود که دولت ناچار به تسلیم گردید. اعتصاب با پیروزی حداقل کارگران پایان یافت. دستمزد ماهانه معلمان اکنون از ۵۰۰ میلیون دلار به ۰۰۰ ۴۰۰ ۳ دلار زیمبابوه افزایش یافته است. رقمی که در عین حال از ۱۱۵ دلار آمریکا بالاتر نیست. معلمان جز افزایش دستمزد خواستار دریافت حق مسکن و حق ایاب و ذهاب نیز بودند، ما آقای «ماجونگو» دبیر اتحادیه معلمان از آنان خواست که در آستانه انتخابات به همین حد رضایت دهند و از ادامه اعتصاب دست بردارند.

واقعی کارگر زیمبابوه در طول یک سال می‌تواند تا صد هزار مرتبه تنزل کند!!! معلم زیمبابوه ای در ماه فوریه امسال ۵۰۰ میلیون دلار این کشور، چیزی حدود ۱۷ دلار آمریکا، به عنوان حقوق ماهانه دریافت می‌کرد، وضعیتی که مطلقاً امکان دوام نداشت. یک صد هزار معلم در سراسر کشور فریاد اعتراض سر دادند و اعلام داشتند که دست به تعطیل همه مدارس خواهند زد. دولت زیمبابوه همسان همه دولت‌های دیگر بورژوازی دنیا در مقابل این خواست حیاتی کارگران مقاومت کرد. اما معلمان نیز قدرت را با قدرت پاسخ گفتند. در ماه مارس کلیه مدارس کشور به مدت ۳

معلمان زیمبابوه به اعتصاب خویش پایان دادند. اعتصاب در اعتراض به سطح نازل دستمزد آغاز شد. در ژانویه سال جاری هزاران معلم این کشور اعلام کردند که در صورت امتناع دولت از افزایش حقوق‌ها مدارس سراسر زیمبابوه را تعطیل خواهند کرد. سرمایه داری زیمبابوه زیر فشار بحران اقتصادی دیرپا و به عنوان یکی از حوزه‌های سرشکن بار بحران سرمایه جهانی در وضعیت وخیمی قرار دارد. نرخ تورم سالانه در این کشور بسیار بالا است و در سال جاری با رقم ۱۰۰ هزار درصد نمایش داده شده است. معنای زمینی این ارقام آن است که مزد

اعتصاب سراسری در ترکیه

اردوغان از مردم ترکیه ظاهر همان انحصارات عظیم سرمایه داری جهانی و سرمایه داران کشور ترکیه است. در مقابل حرف‌های اردوغان، توده عظیم کارگران و اقشار معترض جامعه ضمن آمدن به خیابان‌ها تهدید کردند که هر نوع پافشاری دولت در کار سلاخی بیمه اجتماعی موجود را با اعتصابات و اعتراضات گسترده خویش پاسخ خواهند داد.

میان تمامی توده‌های کارگر دامن زده است. فشار اعتراض کارگران و دیگر اقشار تهیدست و ناراضی جامعه سرانجام پاره‌ای از سندیکاهای کارگری و کارمندی را بر آن داشت که به یک اعتصاب سراسری ۲ ساعته! رضایت دهند. اعتصاب از ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز چهاردهم مارس ادامه یافت. دولت اردوغان اعتراض کارگران را ناحق! دانسته و آن را ظلمی در حق مردم ترکیه اعلام داشته است. منظور

دولت سرمایه داری ترکیه به سیاق همه دولت‌های دیگر، در جریان اجرای آنچه که حکم سراسری سرمایه، مصوب بی چون و چرای صندوق بین‌المللی پول این نظام و پیش شرط عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا (اتحادیه طبقه سرمایه دار اروپا) است، دست به کار سلاخی حداقل امکاناتی است که زیر نام «قانون تأمین اجتماعی» وجود داشته است. این اقدام دولت اسلام‌گرای بورژوازی ترکیه موجی از نارضائی و خشم را در

اعتصاب کارگران فرودگاه‌های هند به دستور اتحادیه متوقف شد

که "هیچ نیازی به اعتصاب وجود ندارد. دولت خودش بیش از حد به فکر درست کردن کارهاست و قرار است هر تغییری در هر بخش فرودگاه را با ما در میان گذارند!" اعتصاب احتمالی کارگران بر همین اساس با اراده اتحادیه منتفی گردید.

اتحادیه‌های کارگری از جمله "اتحادیه کارکنان شرکت هوایی" (ACEU) با وزیر هواپیمایی کشوری هندوستان است. امی کی قوشال رهبر اتحادیه کارکنان به دنبال دیدار وزیر اطمینان یافته است که همه چیز بر وفق مراد است! او به کارگران اعلام کرده است

کارگران و کارکنان فرودگاه‌های مختلف هند، در اعتراض به تعطیل دو فرودگاه این کشور در شهرهای «حیدرآباد» و «بنگلور» آماده اعتراض و دست زدن به اعتصاب هستند. این اعتصاب در حال حاضر به تعویق افتاده است و دلیل تعویق آن مذاکرات بین

اعتصاب ۱۶ هزار کارگر نساجی در سوآزیلند

اعتصاب کارگران نساجی در سوآزیلند آفریقای جنوبی دومین هفته خود را پشت سر می‌گذارد. کارگران اعتصابی که بیشترشان را زنان تشکیل می‌دهند باره مورد هجوم وحشیانه پلیس قرار گرفته اند. خواست آنان افزایش ۱۰٪ اضافه دستمزد است. یکی از زنان کارگر می‌گوید: «با این شندرغاز حقوقی که دریافت می‌کنیم حتی قادر به تهیه نان خالی هم نیستیم». دستمزد ماهانه این کارگران در ماه ۷۷ دلار امریکا است. در دومین هفته اعتصاب شمار زیادی از کارگران برای مطرح کردن خواسته‌های خویش دست به راه پیمایی و پیکت زدند، ما این اقدام آن‌ها با یورش وحشیانه پلیس مواجه شد. شمار زیادی از کارگران مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. در بین مجروحان یک زن باردار هشت ماهه دیده می‌شود که به طرز وحشیانه یا مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفته و در بیمارستان است. نظام سرمایه داری در همه جای جهان با زبان گلوله و قدرت سرکوب با کارگران حرف می‌زند زیر بدون توسل به قهر و خون ریزی قادر به مهار مبارزات توده‌های کارگر نیست.

این کارخانه نساجی متعلق به یک شرکت تایوانی است. سرمایه‌های زیادی از چهارگوشه جهان به سمت

سوآزیلند سرازیر شده است. در شروع دهه جاری دولت «بوش» با تصویب طرح موسوم به «پیمان فرصت و توسعه» همه زمینه‌های لازم برای استثمار حداکثر نیروی کار شبه رایگان کارگر آفریقای توسط سرمایه جهانی را تدارک دید. به موجب این پیمان سرمایه داران آمریکایی و سپس سرمایه داران سراسر دنیا امکان یافتند که با استفاده از منابع مالی، تکنولوژی و تسهیلات فراهم شده توسط مراکز مالی بین المللی در کشورهای صحرای افریقا دست به سرمایه گذاری بزنند و بدون هیچ قید و شرطی به استثمار هر چه وحشیانه‌تر کارگران قاره آفریقا بپردازند.

اختصاص ۲۰۰ میلیون دلار برای پرداخت به شرکت‌های سرمایه‌گذاری آمریکایی به عنوان سند تضمین خسارات احتمالی!! آن‌ها فقط یکی از اقدامات دولت بوش در تسطیح جاده صدور و پیش ریز سرمایه‌ها به قاره افریقا بود. تأسیس مؤسسات مختلفی زیر نام «دفتر تجارت و توسعه در ژوهانسبورگ»، «مؤسسه سرمایه‌گذاری و تجارت برای توسعه افریقا» و ... نیز در شمار اقدامات بعدی دولت او بوده است.

نظام سرمایه داری همه این کارها را زیر نام پروژه‌های «رشد و توسعه»

انجام می‌دهد. معنای رشد در این نظام یعنی رشد انبوه تر اضافه ارزش‌ها، به بهای مسدود ساختن هر چه وخیم‌تر راه رشد و تعالی آزاد انسان‌ها. توسعه در واژه نامه سرمایه داری یعنی توسعه بی‌مرز انباشت سرمایه با هدف دستیابی به سودهای کلان، امری که قهر با استثمار هر چه هولناک‌تر توده‌های کارگر و سقوط هر چه عمیق‌تر آنها از هر نوع حق و حقوق آزاد انسانی همراه است. رشد و توسعه آفریق از دید صاحبان سرمایه و دولت‌های سرمایه داری یعنی گسترش مستمر حوزه‌های انباشت و استثمار هر چه ددمشانه‌تر کارگران این قاره، یعنی استثمار نیروی کار شبه رایگان زنانی که دستمزد ماهانه آنان از ۷۷ دلار امریک تجاوز نمی‌کند.

قاره آفریقا دیری است که یکی از مراکز مهم جاذبه انباشت سرمایه بین المللی است. در همان حال نرخ بیکاری از ۴۰٪ بالاتر است و بیماران مبتل به ایدز نیز بیش از ۴۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. متوسط عمر کارگر آفریقای فقط ۳۳ سال است. این‌ها همه جزء آثار «درخشان» رشد و توسعه بیش از پیش سرمایه داری در این بخش از دنیا است.

اعتصاب در بخش خدمات عمومی در ۱۰ روز اول ماه مارس ۲۰۰۸

در ماه مارس کارگران بخش خدمات عمومی که تحت پوشش دولت یا شهرداری هاست در گستره وسیعی از جهان علیه شدت استثمار و رفرم‌های دولتی ضد کارگری که برای افزایش سود سرمایه صورت می‌گیرد و نیز برای افزایش حقوق و مزایا دست به اعتصاب زده‌اند.

دولت بورژوازی به عنوان نهاد سراسری نظم سیاسی، تولیدی و قدرت سرکوب نظام سرمایه داری همگام با همه آحاد سرمایه داران در همه جای دنیا دست به کار برنامه ریزی‌های هر چه هولناک‌تر برای تشدید استثمار

کارگران به نفع سرمایه و با هدف افزایش سود سرمایه است. دولت‌ها خود نیز بخش‌های عظیمی از کل سرمایه هر کشور را در مالکیت خود دارند و سواى نقشی که در تحمیل نظام سرمایه داری بر کارگران ایفا می‌کنند، در تشدید استثمار کارگران حوزه‌های مستقیم تحت مالکیت سرمایه‌های خود نیز به اندازه هر سرمایه دار دیگر وحشیانه اقدام می‌کنند. در سال‌های اخیر به همان میزان که تعرض سرمایه در سطح جهانی علیه شرائط کار و زندگی و امکانات حیاتی کارگران شدیدتر و مهلک‌تر شده است، دستیازی دولت‌ها به تصویب قوانین و مقررات

ضد کارگری هم گسترده‌تر و حادث‌تر شده است. دولت‌ها در سراسر جهان دست به کار افزایش ساعات کار، بالا بردن سن بازنشستگی، از بین بردن امکانات دارو و درمان، تعطیل کردن مدرسه‌ها، ویران‌سازی مهد کودک‌ها، سلاخی امکانات مورد نیاز معلولان و پیران، کاهش یا محو بیمه بیکاری و درمان و همه اقدامات ضد انسانی دیگر هستند. دولت‌ها همه این توحش‌ها را رفرم اجتماعی نام می‌نهند و معنای رفرم در جهان کنونی ما جز سلاخی زندگی طبقه کارگر به نفع سرمایه هیچ چیز دیگر نیست. کارگران دنیا در همه جا دست به کار مبارزه علیه این اقدامات

دولت‌ها هستند و آنچه در زیر می‌آید نیز نمونه‌های اندکی از این مقاومت‌ها و جنگ و ستیز هاست.

انگلیس:

کارگران رویال پست به خاطر تغییر در قوانینی که سن بازنشستگی را برای استخدام‌های جدید از ۶۰ به ۶۵ افزایش داده است دست به اعتصاب زده‌اند. کارگران در همان حال خواستار افزایش دستمزد برای همه کارگران در ۲۵۰۰ مرکز پست لندن شده‌اند.

یونان:

کارکنان بانک‌های یونان برای دومین بار طی دو ماه اخیر در اعتراض به قانون بازنشستگی دست به اعتصاب زده‌اند. بانک‌ها به روال معمول نظام

سرمایه‌داری این اعتصاب را «وحشی و غیرقانونی» خوانده‌اند.

زیمبابوه:

کارگران خدمات بهداشتی: پرستاران، پزشکان و خدمات غیرنظامی و معلمان سراسر کشور برای بهبود دستمزد و افزایش حقوق از ۵ مارس در اعتصاب به سر می‌برند.

مراکش:

در مراکش و ایرلند کارگران بخش عمومی برای خواست‌های رفاهی و افزایش دستمزد اعتصاب کرده‌اند.

آلمان:

۳ میلیون کارگر بخش خدمات عمومی در سراسر آلمان که تحت پوشش تعرفه

مزدی کار می‌کنند در تدارک برگزاری اعتصابات اختطاری هستند. در ۵ دور مذاکره میان نمایندگان اتحادیه و کارفرمایان هنوز توافقی حاصل نشده است، به روال معمول سخن از تشکیل هیات داوری برای حصول توافق میان اتحادیه کارگران و کارفرمایان است. کارگران زمان شروع اعتصاب را ۲۹ مارس تعیین کرده‌اند. تلاش‌هایی در جریان است که اعتصاب در بخش عمومی را ممنوع کنند. در اعتصاب اختطاری کارگران فرودگاه‌ها گرچه کارفرما از کارگران اجاره یا برای شکستن اعتصاب استفاده کرد م با وجود آن ۴۳۵ هواپیم بر زمین ماندند و نتوانستند پرواز کنند.

اعتصاب کارگران هیوندای در کره جنوبی و کارشکنی اتحادیه کارگری

کارگران واحد صنعتی هیوندای (Hyundai) در منطقه یوسان (Ulsan) در کره جنوبی دست به اعتصاب زده و چرخ تولید را متوقف ساختند. هدف اعتصاب دریافت دستمزد بیشتر و تحمیل این مطالبه بر کارفرمایان بود. اتحادیه کارگری از پیش اعلام داشت که با اعتصاب کارگران مخالف است و تعطیل

کار از ناحیه آنان را اقدامی خلاف قانون و نقض مقررات اتحادیه تلقی می‌کند. نمایندگان کارگران هیوندای به هشدار سران اتحادیه‌وقعی نگذاشتند و توسل به اعتصاب برای وادار ساختن کارفرمایان به قبول افزایش دستمزد را حق مسلم خویش اعلام کردند. اعتصاب در روز سوم مارس شروع شد و یک روز بعد

بدون حصول نتیجه پایان یافت. همکاری تنگاتنگ سه جانبه میان اتحادیه کارگری، سرمایه‌داران صاحب کارخانه هیوندای و دولت کره جنوبی عامل اساسی شکست این اعتصاب بود. سخن‌نماینده کارگران این است که مبارزه برای تحمیل افزایش دستمزد بر کارفرمایان ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران معادن مکزیک پیروز شد

اعتصاب کارگران معادن کانانی (Cananea) و سونور (Sonora) در مکزیک بیش از ۸ ماه به دراز کشید. سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری مکزیک بر پایه معیارهای رایج نظام سرمایه‌داری و بر اساس عرف جنبش اتحادیه‌ها و توافق مدون میان اتحادیه‌های کارگری با سرمایه‌داران دنیا این اعتصاب را وحشی و محکوم به سرکوب و قلع و قمع اعلام کرده بودند. از دید صاحبان سرمایه، دولته و اتحادیه‌های کارگر این اعتصاب باید سرکوب می‌شد زیرا کارگران در بستر پیکار برای تحمیل مطالبات اولیه خود بر بورژوازی داربست توافق و اجماع با سرمایه‌را زیر پ نهاد و طریق توسل

به قدرت طبقاتی خود را در پیش گرفته بودند.

۱۱۰۰ کارگر در معادن یاد شده برای چندین ماه به اعتصاب خود ادامه دادند. آنان خواستار تضمین امنیت شغلی، بهداشت محیط کار و سایر مطالبات معیشتی خویش بودند. قاضی سرمایه حکم سرکوب و ضرب و شتم اعتصاب‌کنندگان را به طور پی در پی صادر می‌کرد!! اعتصاب از ماه ژوئیه آغاز شد و ۸ ماه تمام ادامه یافت. کارگران چرخ تولید را در تمامی این مدت از کار انداختند. دستگاه‌های سرکوب و کشتار نظام سرمایه‌داری هر روز بر در هم شکستن صفوف کارگران و متلاشی نمودن مقاومت آنان به وحشیانه‌ترین

حملات دست می‌زد. فقط در جریان یک یورش هولناک پلیس به صفوف کارگران اعتصابی بیش از ۸۰۰ نفر پلیس شرکت داشتند. شمار زیادی از کارگران در درگیری با عمال سرمایه سخت زخمی و راهی بیمارستان شدند. تعداد زخمیان تنه در یک مورد به ۴۰ نفر رسید.

مبارزات کارگران معادن کانانی (Cananea) و سونور (Sonora) تأثیر بسیار وسیعی بر روی سایر کارگران مکزیک بر جای نهاد. ۱۵۰۰۰ کارگر معدنچی مناطق دیگر در حمایت از همزنجیران خویش و در اعتراض به تهاجمات فاشیستی پلیس دست از کار کشیدند. در منطقه تاسکو صاحبان

سرمایه و مالکان معادن زیر فشار هراس از موج خشم کارگران دست به تعطیل معادن زدند. تهدید به اخراج و تعطیل کارگاه سلاح تهدید دیگری بود که سرمایه داران و دولت بورژوازی در کنار قدرت سرکوب و کشتار کارگران برای در هم شکستن موج مبارزات آنها به کار می گرفت.

پیکار کارگران معادن مکزیک سرانجام پس از ۸ ماه با پیروزی چشمگیر آنان و

با شکست بسیار مفتضحانه بورژوازی پایان یافت. دولت سرمایه داری مکزیک با مشاهده اشتعال روزافزون شعله های خشم کارگران و زیر فشار رعب و وحشت ناشی از گسترش بی امان اعتصاب و مبارزه به سراسر مکزیک مجبور شد که راه تسلیم در پیش گیرد. وظیفه دلالی حل و فصل فاجعه از سوی بورژوازی به جناب قاضی سرمایه محول گردید. او که در طول ۸ ماه به طور مستمر فتوای " غیرقانونی بودن و

وحشی بودن" اعتصاب را صادر می کرد ناگهان با گوش دادن به فروش رعدآسای پیکار کارگران و صدای خفه و مرتعش و ناشی از وحشت بورژوازی یادش آمد که اعتصاب کارگران امری قانونی و مبارزات کارگران بر خلاف تصور اتحادیه های کارگری نه وحشی بلکه

اتحادیه ها قصد سازمان دهی سوسیال فوروم اروپایی را دارند!

در سال ۲۰۰۱ در تقابل با فوروم جهانی اقتصاد، فوروم جهانی اجتماعی (WSF) به وجود آمد و اولین نشست آن در برزیل برپا شد. سوسیال فوروم اروپایی بخش اروپایی فوروم جهانی است و تا کنون ۴ نشست داشته است. قرار است پنجمین نشست آن از ۱۸-۲۱ سپتامبر ۲۰۰۸ در مالمو سوئد برگزار گردد. فوروم جهانی خود را فضای آزادی برای بحث و مبادله تجارب پیرامون ایجاد دنیای دیگری به جای دنیای امروزی تعریف می کند. شرکت کنندگان فوروم از گروه ها، سازمان ها و جنبش های جامعه مدنی تشکیل می شود که خود را از نئولیبرالیسم و اشکال مختلف سلطه امپریالیسم جد می بینند و برای ایجاد یک جامعه جهانی بر مبنای مناسبات شکوفای بین انسان و انسان، انسان و محیط زیست می کوشند. شعار انتخاب شده در نشست برزیل " یک دنیای دیگر ممکن است" به شعار فوروم برای یافتن آلترناتیو تبدیل شده است. در مقابل جهانی شدن سرمایه داری، فوروم جهانی کردن همراه با همبستگی را می آورد که در آن باید حقوق انسان ها، شهروندان، ملت ها و محیط زیست مورد احترام باشد و یک سیستم دموکراتیک بین المللی همراه با عدالت اجتماعی، برابری و حق تعیین سرنوشت خلق ها و البته همه اینها با معیارهای رایج دنیای روز برقرار باشد.

همان طور که آمد هیچ معیار طبقاتی برای فوروم وجود ندارد و افراد وابسته به حکومت ها نیز اگر بخواهند می توانند به صورت منفرد در آن شرکت کنند! بنا بر این اتحادیه ها نیز به عنوان یکی از سنگرهای جامعه مدنی سرمایه داری حق شرکت در جلسات آن را دارند. اما چنان که خواهیم دید اتحادیه در این نشست نه برای هیچ بحثی پیرامون آنچه سرمایه بر سر طبقه کارگر آورده است و حتی نه برای گفتگو در باره مقابله با تهاجمات جنایتکارانه نظام سرمایه داری علیه زندگی کارگران دنیا که فقط برای جذب نیرو و برای جبران کاهش ناشی از دست دادن شمار کثیر اعضایش تلاش می کند.

اتحادیه ها نشستی در بروکسل داشتند. در آن جا به این نتیجه رسیدند که اتحادیه های محلی و کشوری به صورت ترمز عمل می کنند و مانع رشد می شوند. آنها به عنوان راه حل، مساله همبستگی اتحادیه ای اروپایی را مطرح کردند و تصمیم گرفتند برای نشست جوانان به جای یک نشست ایزوله ی اتحادیه ای، از پنجمین نشست سوسیال فوروم اروپا بهره یابی کنند و آنها را با دید خود سازمان دهی نمایند. قرار است در محدوده ی فوروم یک کمپ جوانان اتحادیه ای اروپایی ایجاد کنند و بوند جوانان اتحادیه ای اروپایی را تشکیل دهند.

بسیار صریح تر بگوئیم حال که طبقه سرمایه دار اروپا و دولت های سرمایه داری این قاره اتحادیه اروپا را تأسیس کرده اند اتحادیه های کارگری ابزار دست این طبقه نیز می خواهند در مقیاس اروپایی عمل کنند و ساز و کار فعالیت خود را با مصالح عمومی کل بورژوازی اروپا علیه کل توده های کارگر این قاره منطبق سازند.

نماینده اتحادیه می گوید: ما می خواهیم از سراسر اروپا چند هزار اتحادیه ای جوان مان را به مالمو بفرستیم تا آن ها در آن جا در یک فضای فرهنگی و سیاسی قرار بگیرند.

اتحادیه متال* در مالمو چادری برپا خواهد کرد که مترجمانی به زبان های دیگر در آن ها حضور خواهند یافت. در این چادرها از همه جوانان اروپایی برای همکاری دعوت می شود، ورک شاپ هایی در رابطه با استراتژی بین المللی اتحادیه ای، استراتژی انعطاف پذیری، استراتژی اتحادیه اروپا، نظامی گری و حق و حقوق اتحادیه های کارگری در اتحادیه اروپا، کار مهاجرین، سیاست آموزشی و اشکال آکسیون و اعتراض گفتگو خواهد شد که روزها جوانان در آن به بحث و شب ها به جشن و پایکوبی خواهند پرداخت و تظاهراتی در یک بلوک بزرگ جوانان اتحادیه ای اروپایی، پایان بخش آن خواهد بود. ۲۱ فوریه ۲۰۰۸

اعتصاب کارگران معدن لهستان:

اصرار « رهبر اتحادیه همبستگی » بر سرکوب اعتصاب کارگران

خواستار سرکوب اعتصاب بود، کارگران پست و ترامو و کارگران بسیاری از کارخانه ها و مراکز کار دیگر از همزنجیران خویش جانبداری کردند. آنان همه جا حمایت خود را از اعتصاب کارگران معدن اعلام کردند.

در روزهای اعتصاب سواى اتحادیه همبستگی اتحادیه های دیگر از جمله ZZG نیز با تمام توان خود تلاش کردند تا از سرایت اعتصاب به مراکز دیگر کار و تولید جلوگیری کنند. سران اتحادیه ها در لهستان همه جا رهبران اعتصابی را مشتی تروریست نامیدند. این را نیز فراموش نکنیم که اتحادیه کارگران معدن در تحمیل بدترین شرایط کار و بیشترین کمبود وسائل ایمنی بر کارگران همه جا دست در دست کارفرمایان داشته است و حادثه هولناک مرگ ۳۲ کارگر معدن در سال گذشته محصول همکاری رهبران اتحادیه با صاحبان سرمایه بوده است. آخرین نکته درمورد اعتصاب کارگران معدن لهستان تأکید بر نقش کامل مهمی است که خانواده های کارگران- از کودکان گرفته تا همسران آن ها- در این مبارزات ایفا کردند.

با شروع اعتصاب، دولت بورژوازی دست به کار توطئه علیه کارگران شد. احزاب راست و چپ سرمایه در لهستان همگی مبارزات کارگران را تقبیح کردند و جالب تر از همه آن که آقای مارک زولک Mark Zolek رهبر « اتحادیه همبستگی » و عضو فعال جنبش ضد جهانی سازی با وفاحت خارج از وصفی بسیار صریح خواستار سرکوب اعتصاب کارگران توسط دولت بورژوازی شد. با همه این ها کارگران ۴۶ روز تمام به مبارزات خود ادامه دادند. اعتصاب در ۳۱ ژانویه پایان یافت و کارفرما مجبور شد که با افزایش دستمزد کارگران به میزان ۱۰٪ موافقت کند. یکی از رهبران اعتصاب اعلام کرد که پایان اعتصاب به هیچ وجه پایان مبارزات آن ها نیست و کارگران معدن تا حصول همه خواست های خود به این مبارزه ادامه خواهند داد.

در طول اعتصاب، در همان روزهایی که دولت بورژوازی برای درهم کوبیدن مبارزات کارگران توطئه می کرد و احزاب راست و چپ سرمایه مبارزات کارگران را تقبیح می کردند و رهبر اتحادیه همبستگی با اصرار تمام

۵۰۰ کارگر معدن لهستان برای مدت ۴۶ روز تمام معدن مهم بودریک (Budryk) را به اشغال خویش در آوردند. این معدن در عمق ۱۰۰۰ متری زمین قرار دارد و یکی از سرشارترین، مهم ترین و سودآورترین معادن ذغال سنگ لهستان است. اعتصاب کارگران معدن و دستیازی آنان به اشغال این منطقه معدنی بزرگ ترین اعتصاب و اشغال کارگاه در تاریخ مبارزات کارگران معدن لهستان به شمار می آید. نطفه های اعتراض در اوایل دسامبر ۲۰۰۷ بسته شد. کارفرمایان و دولت آن ها در مقابل خواست های کارگران دست به مقاومت زدند و اتحادیه کارگری مطابق معمول با تمامی قدرت برای جلوگیری از شروع اعتصاب وارد میدان شد. کارگران تصمیم به اشغال معدن گرفتند و همزمان مطالبات خویش را به شرح زیر اعلام کردند.

- افزایش دستمزد

- ایمنی محیط کار

- کنترل و اداره معدن توسط خود کارگران

- جلوگیری از هر گونه خصوصی کردن معدن

اعتصاب در صنایع فولاد

خدمات افزایش قیمت کلاه را ۶٪ اعلام کرد که عملاً ازین مقدار نیز بالاتر است. تعرفه جدید مزدی برای ۱۳ ماه آینده اعتبار دارد. البور بورکهایم سخنگوی اتحادیه این نتیجه را برای اتحادیه یک موفقیت خواند و گفت از وضعیت خوب صنایع فولاد و آهن اکنون کارکنان هم بهره می برند! او گفت این بهترین افزایش دستمزد در ۱۵ سال اخیر بوده است.

۲۱ فوریه ۲۰۰۸

روند رو برشد و بدون کنترل قیمت ها حاصل می شد ما اتحادیه چنان که معمول است سنگ بزرگ را به علامت نزدن نشانه می رود و با آن مجال چانه زنی ایجاد می کند و معمولاً به نیم یا اندکی بیش تر از نیم پیشنهاد اولیه تمکین می کند. در دور بعدی مذاکره، توافق حاصل شد و اعتصاب ۵٫۲٪ اضافه حقوق و پرداخت یکبار ۲۰۰ یورو برای ماه فوریه و ۷۰ یورو اضافه پرداخت ماهانه برای آنان که دوره آموزشی می بینند به پایان رسید، در حالی که در همین روز یکی از سخنگویان اتحادیه

اعتصاب در صنایع آهن و فولاد نیدرساکسن و برمن با ۸۵ هزار شاغل از دو شنبه آغاز شد. اتحادیه متال با خواست ۸٪ اضافه حقوق برای کارکنان مزد و حقوق بگیر مذاکره و چانه زنی را آغاز کرد. کارفرما در مقابل پیشنهاد ۳٫۵٪ را روی میز گذاشت. در طی سال گذشته صنایع فولاد سود سرشاری را حاصل کرده است اما نصیب کارگران از آن چه که خود تولید کرده اند هیچ بود. اگر اتحادیه بر پیشنهاد اولیه خود پافشاری می کرد شاید اندک بهبودی در شرایط اقتصادی کارگران با توجه به

اعتصاب در صنایع فولاد شرق

آلمان هشت هزار نفر در صنایع فولاد کار می کنند که خواهان ۸٪ اضافه حقوق به میزان حداقل ۲۰۰ یورو و اضافه شدن ماهیانه ۱۰۰ یورو به حقوق کسانی که دوره آموزشی می بینند، هستند. در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ صنایع فولاد شرق دارای رکورد تولید بوده و دائم فروش و باروری بالا رفته است.

۲۱ فوریه

می کنند ولی با وجود این مزد کمتری هم دریافت می کنند. هم زمانی دو اعتصاب می توانست فرصتی برای ایجاد همبستگی کارگری بین شرق و غرب باشد تا به یک و بام و دو هو بودن خاتمه داده شود. ما این سنت اتحادیه نیست!!

اعتصاب خطاری با شرکت ۱۳۰۰ نفر در پوتسدام در روز ۱۹ فوریه آغاز شد و کارگران کار را تعطیل کردند. سپس ۴۵۰ نفر در گرویتس در نوبت بعدی آن را ادامه دادند در مجموع در شرق

با وجودی که اتحادیه ها در نشست بروکسل به این نتیجه رسیده اند که اتحادیه بر مبنای محل به صورت ترمز عمل می کنند و خواست اتحادیه گسترده تر همراه با همبستگی را کرده اند که تازه این هم از زمین تا آسمان با همبستگی طبقاتی بین المللی کارگری که نزدیک دو قرن از مطرح شدن آن می گذرد فاصله دارد اما باز حتی در یک کشور و در یک بخش نیز یک اتحادیه همبسته عمل نمی کند. می دانیم که کارگران اتحادیه متال در شرق ۲,۵ ساعت در هفته اضافه تر از غرب کار

اعتصاب در بخش خدمات کارکنان دولت و کمون ها

نفر بیکار را با کار هفتگی ۳۸,۵ ساعت به کار گمارد.

اعتصابیون در پوتسدام تلویزیون اینترنتی اعتصاب ایجاد کرده اند و به مصاحبه با اعتصابیون و مردم می پردازند. آن ها می گویند مزدهای مدیران در سال گذشته در آلمان ۱۷,۵٪ افزوده شده است (آمار موثق تر آن ۴۷,۵٪ است) اما با اضافه شدن ۸٪ به مزدهای ما مخالفت می کنند. آن ها خواهان هماهنگ شدن مزدها و ساعات کار در کل آلمان هستند اما نه به شیوه کارفرما.

۲۱ فوریه ۲۰۰۸

حذف یک بام و دو هوا بودن نکرده اند، کارفرما خواهان آن شده است اما بدین صورت که چون در شرق کارکنان هفته ای ۴۰ ساعت و در غرب ۳۸,۵ ساعت کار می کنند این تبعیض با اضافه شدن ساعات کار غرب به ۴۰ ساعت حل شود!!! با این پیشنهاد کارفرما کارگری که ماهانه ۱۵۰۰ یورو درآمد خالص دارد تنها ۳۸ یورو اضافه تر دریافت خواهد کرد در حالی که هفته ای ۱,۵ ساعت و در مجموع ۶ ساعت در ماه اضافه کار خواهند کرد.

اگر مجموع ساعات کار اضافی از ۳۸,۵ ساعت را محاسبه کنیم برابر با هفت میلیون و هشتصد هزار ساعت کار خواهد شد که می شود با آن ۲۰۲,۵۹۷

اعتصابات خطاری بخش خدمات از ۱۴ فوریه آغاز شد و اوج آن جمعه ۲۲ فوریه خواهد بود. این اعتصاب شامل یک میلیون و ۳۰۰ هزار کارکن بخش خدمات عمومی کشوری و کمون ها می شود. اعتصابیون خواهان ۸٪ اضافه حقوق حداقل به میزان ماهانه ۲۰۰ یورو هستند. اعتصاب بیمارستان ها، مهد کودک ها، حمل و نقل شهری، بهداشت شهری، کارمندان اداری، صندوق های پس انداز و ... را در بر می گیرد.

کارفرما که در این جا دولت و شهرداری ها هستند در مقابل، پیشنهاد ۳,۵٪ اضافه حقوق برای سال ۲۰۰۸ و نیم درصدی بعدی برای ۲۰۰۹ را داده اند و هم چنان اتحادیه ها اقدامی برای

نشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید.

WWW.HAMAAHANGI.COM

خبرنامه کمیته هماهنگی را به دست کارگران هر

چه بیشتری برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

hamaahangi@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.